

۳۲ صفحه

۱۹

بیکار

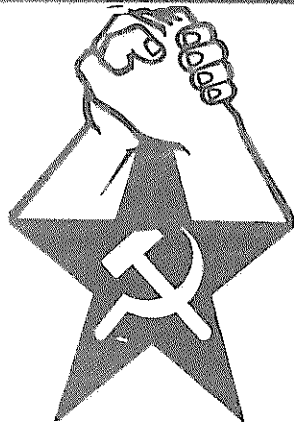
بهار ۳۰ ریال

۱۳۵۹

سال دوم - دوشنبه ۵۲۲

در صفحات دیگر این شماره:

- چرا حزب دمکرات ۶ تن از بیشمرگان بیکار را خلع سلاح میکند؟ صفحه ۵
- هشدار درباره بیکارگران اسیر صفحه ۸
- لیبرالها و بازگشایی دانشگاهها صفحه ۱۱
- راهیمانی زحمتکشان بهمان در اعتراض به گرانی صفحه ۱۶
- "رمان نینا": اثری از گنجینه ژنالیسم سوسیالیستی صفحه ۲۱
- ولخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون! صفحه ۳۱



اطلاعیه وحدت با گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (بیکار خلق)

پس از یک دوره مبارزه ایدئولوژیک نسبتاً طولانی، سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (بیکار خلق) وحدت نموده و فضای بیکار خلق بر اساس منشورکنگره دوم سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در این سازمان ادغام شدند. بقیه در صفحه ۱۵

دمکراسی انقلابی چیست؟

۱۳ صفحه



گزارشی از
تظاهرات
دانشجویان و
دانش آموزان
بیکار

دانشجوی
مبارز،
به یاری
توده‌ها،
سنگر خود
را بگشا!

۷ صفحه

سرمقاله

۲۳ دی: بازگشایی سنگر خونین دانشگاه

فردا ۲۳ دیماه، سالروز پیروزی جنبش دانشجویی و تحصن استنادان مبارز و مترقی و گشوده شدن دانشگاه بدست توده‌های انقلابی دانشجویان است. دو سال پیش در چنین روزی، رژیم شاه و دولت بختیار در برابر مبارزات و تظاهرات حماسه آمیز دانشجویان انقلابی و کمونیست و تحصن طولانی مدت استنادان مترقی و مبارز در دبیرخانه مرکزی دانشگاه و سپس در وزارت علوم (که طی آن رفیق شهید استاد دکان مران نجات الهی بشهادت رسید) و مهمتر از همه در برابر جنبش توفنده توده‌ها، بناچار به عقب نشینی شده و دانشگاهها، این سنگر آزادیخواهی و مبارزه ضد امپریالیستی، بروی دانشجویان و توده‌های تشنه آگاهی گشوده گردید و همچون گذشته بصورت مرکز فعالیت سیاسی و تجمع دانشجویان مبارز و انقلابی و زحمتکشان آگاه کشورمان در آمد و همانطور که نا هدیودیم دانشگاه، چه در مقطع قیام و چه پس از آن، بعنوان قلب تپنده و همیشه زنده جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی و بعنوان پشتیبان وفادار کارگران و زحمتکشان، نقش خود را بخوبی بر حسته ای ایفا نمود. بقیه در صفحه ۲

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی

۵ صفحه

اطلاعه کمیته خوزستان:

پیام به کارکنان

جنگ زده صنعت نفت

۳ صفحه

کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

در این شماره:

بنی صدر - رجائی

۹ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله ...

اما رژیم جمهوری اسلامی و پادشاهان جهل و تاریکی که با فعالیت سیاسی دانشجویان انقلابی و کمونیست و نقش آگاهان آنها نگاهها حیات خود را در خطر میدید، از همان فردای قیام و درکنار سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد و ترکن سرکوب اعتمایات و تحصن های کارگران شاغل و بیکار، حمله به دانشگاهها و جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی را آغاز نمودند و ایلها نه تصور کردند که میتوانند از این طریق، دانشگاهها، این قلب پرتیش جنبش را از حرکت با زدن رندها و زبونهای جنبش انقلابی با جنبش توده ای جلوگیری کنند. لیکن هر بار ربه آنگاه مقام و مت دلیران دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی، تمامی توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگران به شکست انجام میدادند دانشجویان انقلابی، بتدریج دامنه مبارزه خود را هر چه بیشتر گسترش دادند و با تکیه بر حفظ دستاورد های حاصله از قیام توده ها و دفاع از آزادی فعالیت سیاسی، نقش وسیعتری را در آنگاه ساختن توده ها و پیوند با جنبش توده ای ایفا نمایند.

در اوایل سال جاری و در شرایطی که جنبش توده ای در گوشه و کنار کشور سمت روبه رشد خود را آغاز کرده و جنبش خلق کرد، شکست فاحشی را بر ارتش دشمن وارد ساختن بود، رژیم جمهوری اسلامی به بیانه عوام فریبانه "انقلاب فرهنگی" یورش ارتجاعی خویش را در مقیاس وسیعی علیه دانشگاه و جنبش انقلابی دانشجویی آغاز نمود و با کشتار و سرکوب مقامات و فعالین دانشجویی در زمان رژیم پادشاهی و در اول اردیبهشت ۵۹ و اشغال دفاتر دانشجویی تشکلات کمونیستی، اقدام به تعطیل دانشگاهها نمود.

بمجرد تعطیل دانشگاهها، دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی که هدفی جز آگاه ساختن توده ها و پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش توده ای نداشتند، با پشتکار قابل تحسینی، هر کجای و جایی با تبدیل به یک دانشگاه نمودند و مبتنا به پیکی انقلاب، وظیفه فروش نشریات انقلابی و کمونیستی آگاه ساختن توده ها و افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را بر عهده گرفتند و در برابر تمام فشارها و اقدامات سرکوبگران رژیم، شجاعانه مقاومت نمودند و هر گونه ضرب و شتم، دستگیری و زندان و شکنجه را در راه دفاع از آرمان پرولتاریا و منافع زحمتکشان بجان خریدند.

جنگ ارتجاعی و غیر عادلانه ایران و عراق اگرچه برای یک دوره کوتاه موجب محدودیت فعالیت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان گردید و رژیم توانست در سایه این جنگ و بهره برداری عوام فریبانه از آن شرایط خفقان بیشتری را بوجود آورده و از فعالیت سیاسی

دانشجویان و دانش آموزان انقلابی به شدت جلوگیری نماید، ولی شرایط حاکم بر جرمها معنی شرایط اغتلا انقلابی، حدت یا بی مبارزه طبقه ای و رشد و گسترش هر چه بیشتر جنبش توده ای و در همین رابطه افزایش شکاف در "بالا" و نسا - توانی رژیم ارتجاعی حاکم از سرکوب فشرده و متمرکز انقلاب، موجب گردیده تا عرصه های بازهم وسیعتری برای رشد و گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی و در این میان جنبش دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی فراهم شود. درک اصولی نکته فوق در شرایط کنونی، دارای اهمیت بسیار زیادی بوده و نقش مهمی در اتخاذ تاکتیک و شیوه برخورد نیروهای انقلابی و کمونیستی با جنبش توده ای و از آن میان جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و چگونگی رودروشی با اقدامات سرکوبگران رژیم خواهد داشت. ما تاکنون بارها و بدرستی روی این مسئله تا کیداً شده ایم که قیام شکوهمند بهمن ۵۷، اگرچه با طریقه هدف مستقل پرولتاریا و ستاد رزمنده آن، نشوونست منجر به حاکمیت کارگران و زحمتکشان و نابودی سلطه امپریالیسم زایران شود و در همین رابطه موجب قدرت یابی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی گردید، ولی این بهیچوجه بمعنای شکست انقلاب و سرکوب قطعی آن توسط امپریالیسم ارتجاع داخلی نبوده و به همین دلیل از همان فردای قیام تا به امروز، علیرغم تمامی کوششها و اقدامات سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی و علیرغم فشار شین بودن سطح آگاهانه توده ها و در همین رابطه توهم شدید آنها نسبت به هئیت حاکمه جنبش توده ای دچار کودود و توقیف نگردیدند و هر روز که میگذرد اعتلا و رشد و گسترش بیشتری مییابد.

بدون تردید شرایط اعتلا، تاکتیک خاص خود را می طلبد و این تاکتیک همانا تاکتیک تعرضی و تنها جسمی و تحقیر دستگا سرکوب و تمام قید و بندها می است که رژیم در مقابل جنبش توده ای قرار میدهد. برخلاف دوران رکود که با بدتاکتیک عقب نشینی را مورد توجه قرار داد، در دوران اعتلا، هر گونه کم توجهی به تاکتیک تعرضی و تنها جسمی، بمعنی رها کردن انقلاب و ضربه پذیر ساختن آن در برابر تهاجمات و ضربات دشمن و تنها یکتا شکست انقلاب مییابد. در دوران اعتلا، وظیفه نیروهای انقلابی عبارت خواهد بود از ارتقا سطح شعارها و جنبش کارگری و توده ای (اعمال زحمتی و سیاسی) از یک سو و اتخاذ تاکتیک تعرضی بجای تاکتیک عقب نشینی از سوی دیگر.

اتخاذ تاکتیک مقاومت در برابر اشغال و تعطیل دانشگاهها در اردیبهشت ماه ۵۹، برپا ساختن تظاهرات و راهپیمایی های پس از آن،

مربندی قاطع با جریانات اپورتونیستی و تسلیم طلبی چون فدائیان و دیگر نیروهای متزلزل که ما را متهم به چپ روی و ایجاد جو تشنج میکردند، مقاومت مسلحانه در کردستان و ایستادگی در برابر برپا شدن مسلحانه ارتجاع و دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد، تکیه روی استفاده حداکثر از شرایط و امکانات علنی بخشن و تبلیغی، برپایی تظاهرات موضعیتی و سراسری، دادن زدن و دادن خصلت تعرضی به اعتمایات، کارگری و جنبش اعتراضی آوارگان و زحمتکشان مناطق جنگ زده و طرح شعارهای انقلابی در تمامی این موارد، همه و همه در ارتباط با تحلیل و درک ما از شرایط کنونی جامعه و اعتلا انقلابی موجود چشم انداز جنگ داخلی قرار داده اند.

طرح شعارها و اتخاذ تاکتیکهای جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، میبایست مبتنی بر تحلیل و رهنمود فوق صورت گیرد و این نکته ای است که باید دقیقاً مورد توجه دانشجویان و دانش آموزان کمونیست عموماً و سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار خصوما قرار گیرد. با توجه به چنین تحلیل و درکی، هم اکنون در چهار رچوب جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی، مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت سیاسی و بازگشایی سنگردانها، دوشعار اساسی و محوری است که باید از سوی دانشجویان و دانش آموزان کمونیست، بمیان توده های دانشجویان و دانش آموزان و همچنین توده های زحمتکش برده شده و در باره آن تبلیغ وسیع صورت گیرد مهم ترین اجزای که باید در خدمت این تبلیغ، بویژه در میان زحمتکشان و جلب پشتیبانی و حمایت آنان از این خواستهها قرار گیرد، سازمان، دادن تظاهرات سراسری است. برپایی این تظاهرات، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان در مبارزه خود با رژیم، به فتح سنگرهای جدید و گسترش هر چه بیشتر انقلاب مشغولند، نه تنها نقش برجسته ای در برآوردن آگاهی سیاسی و روحیه رزمنده توده های دانشجویان و دانش آموزان خواهد داشت، بلکه بیش از هر وسیله دیگری امکان افشای وسیع رژیم جمهوری اسلامی، پشتیبانی و حمایت توده های زحمتکش و مبارزان خواه ستها بر حق جنبش و انقلابی دانشجویی و دانش آموزی و پیوند میان این جنبش و جنبش توده ای را تا مین خواهد نمود. بدیهی است که شرط ضروری پیشبرد و تثبیت شعارهای فوق و برگزاری چنین تظاهرات و راهپیمایی هائی، مبارزه و افشای وسیع برنامها و اقدامات سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی از یک سو و افشای و طرد نیروهای رویونیستی و اپورتونیستی و مواضع سازشکارانه آنها و همچنین مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای ناپیکار

بقیه در صفحه ۲۷

دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

اعتصاب در شرکت پوزیان

بیش از سه ماه است که حقوق کارگران شرکت ساختمانی پوزیان را به بهانه عدم نپرداختن آن، این امر موجب اعتصاب کارگران از تاریخ ۵۹/۹/۲۳ میگردد. کارگران بدست میگویند: سرمایه داران را از لایحه حقوق جنگ شده اند میخوانند تحت پوشش اینکه "مملکت در جنگ است" و "سلام در خطرات" دستمزدنا چیز ما را بدزدند، و در جواب ما میگویند "پول نداریم" در حالی که میلیونها تومان خرج توپ و تانک می کنند و نه تنها جنگی تا عادلانه بر راه می اندازند، بلکه ارتش خود را برای کشتار خلق قهرمان کرد، میفرستند!

کارگران مبارز پوزیان اعلام میکنند که تا رسیدن به خواسته هایمان به اعتصاب و مبارزه ادامه خواهد داد. خواهشهای کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق کامل همه ما هم
- ۲- تعیین شکلیف وضع کارگران این شرکت
- ۳- پرداخت حق مسکن، حق خوابگاه و ایاب و ذهاب متناسب
- ۴- تامین بهداشت

پارسی الکتریک:

اخیرا در این کارخانه برای افزایش دستمزد، کارگران دست به اعتصاب میزنند. خواه کارگری که در جریان اعتصاب برای گرفتن حقتان، فعالیت بیشتری میکند، توسط یکی از سرپرستان و یکی از اعضای انجمن اسلامی مورد هجوم قرار میگیرد بطوریکه سرپرست مزدور با چکش به سرخواهر کارگر زده و سرا و را میزند. کارگران از این اعمال جنایتکارانه نوکران کارفرما به خشم می آیند. به همین دلیل کارفرما از ترس خشم کارگران دوزمزدور مذکور را یک هفته به مرخصی میفرستد (!؟) و برای سرکوب اعتراض کارگران خواه کارگر مجروح و سه نفر دیگر از کارگران را اخراج میکند، که به علت فشار کارگران هنوز از اخراجشان قطعی نشده است. اعتصاب کارگران نیز به علت ضعف آگاهسی و تشکل آنان خاتمه مییابد.

سپهمنان صوفیان

در این کارخانه نیز همچون بسیاری از کارخانجات به بهانه جنگ نیاز رختی کارگران را تعطیل کرده بودند. اما کارگران به مبارزه ای یکپارچه برای بازپس گرفتن حقوق از دست رفته شان، دست زدند که در نتیجه روز ۵۹/۹/۲۳ در یک مجمع عمومی کارگران توانستند به تعامل بشبه در صفحه ۲۴

پیام به کارکنان جنگ زده صنعت نفت

نفران کارکنان عملی سازد و پرداخت هرگونه با داس، سابقه خدمت و مستمری کامل را به آینده فرصت مناسب حواله داده است. کارگران مبارز فراموش نکرده اند که این بار اول نیست که رژیم جنین تلافی را آغاز کرده است. در آغاز جنگ نیز رژیم قصد داشت ۲۰۰۰ نفر را کارکنان را اخراج کند که در نهایت به همبستگی و مقاومت کارکنان مجبور به عقب نشینی شد.

رژیم در حالیکه میبیند آبدان زیر آتش خمپاره های رژیم فذخلقی عراق قرار دارد، دائم اساسی کارکنان را از راه دیو میخواند که به آبدان آمده و به انجام کار خود میادرت کنند. اما هنگامی که این افراد به آبدان میروند به آنها میگوید برای شما کاری نیست و میتوانید هفته ای دوبار برای حضور غیاب به اداره بیائید و این ترتیب زمینه سازی لازم را جهت بشبه در صفحه ۲۳

بیش از ۳ ماه از جنگ غیر عادلانه بین دولت های ارتجاعی ایران و عراق میگذرد. در طی این ۳ ماه آنچه را این جنگ نصیب زحمتکشان ما شده جز آوارگی و تشدید فقر و گرانگی چیزی دیگری نبوده و در آینده هم نخواهد بود. این بار رژیم سعی کرده است به بهانه جنگ با عراق گونه فریاد حق طلبانه کارکنان را با زدن مارک "فدا انقلابی" خاموش سازد.

اکنون بتدریج آثار و شوم جنگ هر چه بیشتر عیان میشود و بقول معروف "هر دم از این باغ بری میرسد، تازه تر از تازه تری میرسد"، ابتدا با لایبردن قیمت بنزین، جیره بندی کردن کالاهای ضروری مردم، کم کردن حقوق کارکنان دولت، افزایش ساعات کار روزانه و حالا باز - نسیستی اجباری بدون پرداخت سابقه خدمت و مستمری کامل یعنی مردن از گرسنگی.

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد این تصمیم را در صنعت نفت با باز نشسته کردن حدود ۲۰۰۰

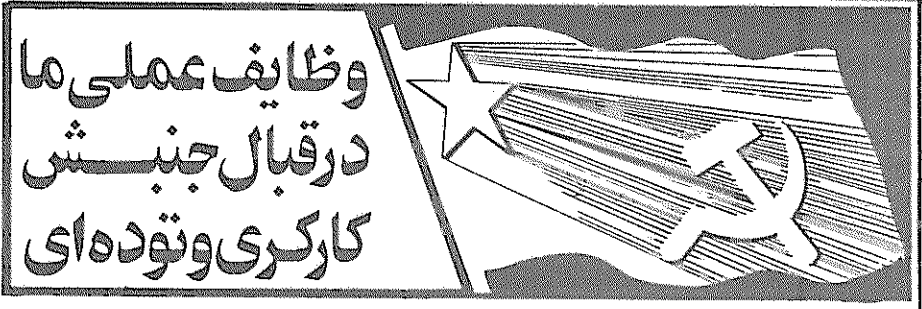
تحصن کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران و خواسته هایشان

متخصص میخوانند. ساعت به بعد از ظهر ساختمان به محاصره یابد. کارکنان سر تا به در می آید که به کنترل رفت و آمدها میپردازند. رژیم برای شکستن تحصن کارکنان مبارزان، از یکسوی سوله یا ساران خود به تهدید می پردازد و از سوی دیگر با فرستادن دو نفر از طرف وزارت کشور که برای کارکنان دل سوزی میگردند، آنان را از درگیری "میتراشد" در طول شب تا صبح عوامل رژیم به انواع اعمال فساد بر علیه کارکنان صنعت نفت دست میزنند (قطع شوفاژ، قطع برق و...) صبح با ساران سرمایه آمده و تصمیمات به کارکنان برای ترک محل بخت میدهند. در تماسی که کارکنان بسا دفتر امام میگیرند، دفتر ما آنها را "فدا انقلاب" میخواند! سرانجام نمایندگان کارکنان علیرغم مخالفت عده ای از کارکنان، اعلام میکنند که برای نشان دادن حسن نیت خود تحصن را می - بشبه در صفحه ۲۴

روز ۱۰/۶/۵۹ بیش از ۵۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت جنوب به همراه تعدادی از اعضای خانواده - هایشان که پیرا شریک ارتجاعی کنونی آواره شده اند در دفتر مرکزی شرکت نفت در تهران، اجتماع میکنند. آنها با رها به مقامات رژیم جهت رسیدگی به خواسته هایمان مراجعه کرده بودند اما جسد رواندن نتیجه ای نگرفته بودند کارکنان مبارز در اجتماع مذکور به افشای با هیت جنگ و خیانت آن برای زحمتکشان دست زده و سپس دستجمعی سراغ مسئولین رفتند. اما کسی را نتوانستند! بالاخره تصمیم گرفتند نزد رئیس دفتر وزیر نفت که در ساختمان خیابان ویلا بود، بیروند، لذا با انجام راهیمائی بدان محل رفتند و علیرغم مقاومت ما مورین وارد محل رئیس دفتر وزیر شدند. این مزدور رژیم ما مشاهده کارکنان خشمگین، خود را هیچگاه معرفی میکند اما کارکنان که قبلا سخنان تهدید آمیزش را شنیده بودند و را گروگان گرفتند و در محصل

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

تفاوت مثلا در درگاه‌ها در این دو نوع تشریح متفاوت بدین صورت جلوه‌گر می‌شود که ذکر یک جزو و افه محلی با تمام جزئیات در تشریح محلی یا فابریک می‌آید، در حالیکه در کارکن مرکزی تنها وقایع مهم در ایستگاه‌ها در یک طرح می‌خورد و با بحثهای سیاسی و ایدئولوژیک بشیوه‌های متفاوت ارائه می‌گردد و... نکته‌ها موردتوجه در اینجا اینست که توده‌های متوسط و عقب مانده در جوامع طبقاتی سخن اعظم بوده را تشکیل می‌دهد، عدم تبلیغ در میان این توده - های وسیع با مناسبترین انواع و اشکال ممکن آنها را میتوان تبدیلت دست خدا انقلاب بدل سازد، البته کار در میان این توده‌ها با بیستی با طرافت خاصی انجام گیرد، مثلا با استفاده از هنر، تفریحات سالم، ورزش، تاشیر - گذاری با اخلاق پرولتری و... میتوان انواع مناسب تبلیغ برای این توده‌ها را ابداع کرد. در داستان "چگونه فولاد آبدیده شد" "خاطرمی - آوریم که چگونه با ول کورجاکن با اکوردشون



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۱۲)

میدهند، در احاطه گروه‌ها یا ۴ نفره می‌توانند یک نشان‌رسانانی بسیار ساده برای نشان دادن آنچه که در زندانهای رژیم بر سر انقلابیون می‌آورند، راه اندازند و پس از این نفرت توده‌ها را برانگیزد، نشان دادن زنده سلاق ردن، سکتج، برهن می‌تواند در تشریح توده‌ها بسیار موفربود و با فرض یکسبم هنگام انتخاب است و ما باید شعرا مشخص در این انتخابیات

ج- انواع تبلیغ

۲- انواع تبلیغ در ارتباط با درگاه اساسی ترین نیاز توده‌ها

در ارتباط با قاتون دوم تبلیغ و مشخصه سطح از آن (بموقع بودن تبلیغ) در واقع میتوان گفت که بجز انواع مشخص و تیسبک تبلیغ انواع بسیار دیگری تبلیغ نر وجود دارد چرا که اساسی ترین نیازهای توده‌ها در شرایط جداگانه، متفاوت است و از آنجا که با شیعی جموع به آنها برخورد کرد، طبیعی است هناری و اسکار کمونیستی می‌تواند انواع جدیدی از تبلیغ را ابداع نماید، این هناری و زیرکی در انتخاب انواع تبلیغ با مناسب حدیست مطلبی با هنر تبلیغ و نیازهای مشخص رور توده - ها، می‌تواند به توده‌های نرسدن محسوی تبلیغ و جذب توده‌های وسیع‌تر می‌تواند تبلیغات مناسب انواع و بسیار یاری نماید، تشریح مناسب انواع تبلیغات با نیازهای اساسی متفاوت توده‌ها، حی بکودای است که آن انواع تبلیغ که در درو رسیا روی بسیار موفربودند، امروز دیگر با ندهای خود را با انواع دیگری توده‌ها که شرایط سمیر کرده‌اند بدین ترتیب که مثلا اگر تادیر و روزها ت خیا با نی مناسب ترین نوع تبلیغ بود امروز مثلا نشان‌رسانانی و یا متوا بر سر جیا راه گرفتن تبلیغ بسیار موفرب می‌تواند.

بدین ترتیب، تنها وسیله استفاده از انواع کلاسیک تبلیغ (تراکت، اعلامیه و...) که با سنی حتما و حتما بطریق خستکی تا بذری همیشه و ساز زیبا انجام می‌گیرد) و عدم استفاده از انواع تبلیغی که با شرایط نوین می‌توانند منطبق کرده، از کار آئی تبلیغ می‌کاهد، در اینجا نمی‌توان فرمولی برای یافتن انواع مناسب تبلیغ منطبق با شرایط گوناگون، ارائه داد. تنها میتوان به چند نمونه مناسب اشاره کرد فرض می‌کنیم مسئله شکنجه و زندانسان سیاسی، مسئله اساسی روز توده‌ها است علاوه بر بخش انتشارات گوناگون مثلا شرایط در شهر آصل بگونه‌ای فراهم شده است که بی از دستگیری عده‌ای از انقلابیون توده‌ها آماج فریاد وانی برای دفاع از زندانسان سیاسی از خود نشان

ماد را انتخاب انواع تبلیغ نیز، بدنیال عواطف پست تود ها نمی‌افتیم و تنها از انواعی استفاده می‌کنیم که بیان کننده اصولیت سترگ مارکسیسم - لنینیسم است. انواعی که در خدمت بیان حقایق روشن و خدشه ناپذیر هستی است. انواع پیوزروانی تبلیغ هرگز نمی‌تواند، قالبی برای بیان حقایق باشد.

سخر آمیوش در دل دهقانان جوان خانه می‌کرد و آنها را که نادانمجلس جنس بیرون می رفتند با کتابهای کمونیستی همراه می‌کرد و بدین - ترتیب جوانانی کلا اندام محذوب آکوردهون یا ول شده بودند، بسوی بلشویسم کشیده شده پس از کار سیاسی - ایدئولوژیک به کومسول (بازمان جوانان بلشویک) می‌پیوستند که هنوز دی ، کردی رور تشریح، ایجاد سازمانها با فروش کالاها به قیمت ارزاستر، تبلیغ بیرونی افراد خاص از شکلیات که دارای ویژگیهای ایدئولوژیک خاصی هستند که برای توده‌ها ایجاد اعتقاد میکند، نوایهای موسیقی و سرود توجیه فولکلور توده‌ها و... و انواع ابتکاری دیگری می‌توانند بسیار موفربا شد. "لنین در اهمیت تا نیر سرود - های انقلابی در توده‌ها و اهمیت اشعار آن بعنوان انرژی موثر در تبلیغ کمونیستی در مقاله خود بنام: "تکا مل سرودهای گروهی (گر) کارگران در آلمان" میگوید:

تراشه‌های انقلابی کارگران را به یکدیگر نزدیکتر و متحدتر هم آهنگ ساخته و در آنها ذوق و احساس و روحیه انقلابی می‌آفریند. با استناد به گفتار رهبروای رحیمکسان در میتینگها و جلسات، نماینها و اردوها، کردیم - آئی‌ها و حتی در خانه‌ها اجرا و ایفای نغمه‌ها و ترانه سرودهای انقلابی اهمیت شایانی دارد، بهمین جهت نیز لنین در روسیه آفرینش سرودها و ترانه‌های دسته‌جمعی را از فعالیتهای انقلابی و کارگری لازم می‌شمرد. (۱)

تو یک می‌کنیم راه انداختن کارناوالی از ده انومیل که ملاک ردهای حاوی این شعارها را بر روی آن آورده اند و با حرکت توام ده نفر از رفاکدان شعارها را با صورت برجمی با خود حمل می‌کنند بسیار جلب کننده و قابل است با مثلا بیکاره‌های در محل می‌توانند توده‌ها جمع می‌شود و در راه آن محنت می‌کنند اینکار موقع یک رسمی رسمی رهن بدینندی و معظوف کردن نوجده توده‌ها به خود و سخنرانی مناسب در - باره آن یعنی در حقیقت تکمیل یک میتینگ خیا با نی، بنا رستوانه موفربا شد، ساختن یک سرود قابل و با طرح یک لطیفه توده‌گرد موفرب اساسی ترین مسائل توده‌ها، بخش وسیع یک کارب سال، دکجه، مدال و... حاوی شعار مناسب برای یک مسئله اساسی روز توده‌ها نیز می‌تواند از انواع تبلیغ بحساب آید، البته هناری و پرولتری می‌تواند، ابداع کننده مناسب ترین انواع جدید تبلیغ باشد.

۳- انواع تبلیغ در ارتباط با در آمیختن با توده‌های وسیع

طبیعی است، انواع تبلیغ در ارتباط با با اقتار متفاوت توده‌ها (بیشتر - میان میانی و عقب - مانده که در مورد آن در قاتون سوم تبلیغ سخن گفتیم) متفاوت است مثلا ارکان مرکزی به توده‌های پیشرو و واحدی به توده‌های میانی شعلق دارد، در حالیکه تشریحات محلی یا فابریک به توده‌های میانی و واحدی عقب مانده تعلق دارد، طبیعی است عدم درک این تفاوت می‌تواند انحرافات اساسی را در سردا شته باشد، ایسن

خلق ها و مسئله ملی



چرا حزب دمکرات
۶ تن از پیشمرگان پیگار را
خلع سلاح میکنند؟

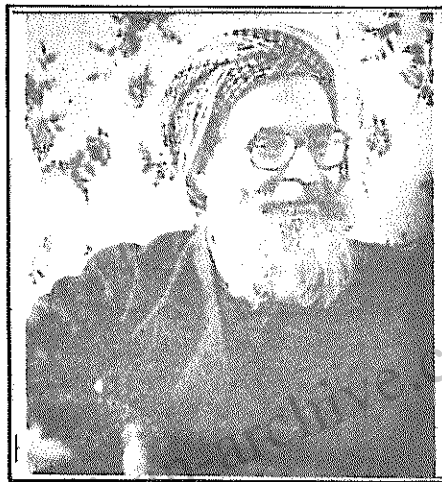
حزب دمکرات در پی اقدامات ضد انقلابی خود یعنی سرخچ سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی، اخیراً به خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان سازمان ما اقدام نمود. کمیته کردستان سازمان ما در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است که ما قسمتی از آن را در اینجا می آوریم:

مدتی است که حزب دمکرات با دادن اعلامیه و ایجا دفاعی رعب و تحریک به تهدید نیروهای انقلابی در کردستان می پردازد. تا کنون نیز چندین بار اقدام به خلع سلاح نیروهای انقلابی کرده است در ادا همین سیاست که مستقیماً منافع جنبش مقاومت و توده های انقلابی و آگاه خلق کرد را در معرض تهدید و مخاطره قرار داده است، افراد حزب دمکرات اقدام به خلع سلاح یکدسته از پیشمرگان سازمان ما کردند... جریان خلع سلاح ۶ تن از پیشمرگان سازمان ما توسط حزب دمکرات به این ترتیب بود که:

بعداً ظهر روز ۵۹/۹/۳۰ ۶ تن از پیشمرگان بیکار برای باز دید و کنترل در جاده مها باد - میا ندو آب مستقر میگردد، بعداً ز مدتی بسک دستگاه ما شین رنجور گل آلود که شنا سایی آن دشوار بوده از آن محل میگردد. سر نشینان رنجور یکی از مسئولین و تعدادی از افراد حزب دمکرات بودند رنجور بدون توجه به حضور پیشمرگان بیکار در جاده، همچنان به حرکت خود ادامه میدهند یکی از پیشمرگان مستقر در سنگر نیز برای متوقف کردن رنجور، اقدام به تیراندازی هوایی میکند که ما شین مزبور متوقف میشود. در ایسن میان دوتن از پیشمرگان بیکار که ما مور کنترل جاده بودند برای توضیح خواستن بطرف رنجور حرکت میکنند که افراد حزب دمکرات از رنجور پیاده شده و شروع به فحاشی و توهین به پیشمرگان میکنند، در حالیکه رفقای ما مفعول توضیح دادن جریان به افراد حزب بودند، آنها با پیشمرگان ما گلاویز شده و اسلحه ها ایشان را میگیرند.

افراد حزب دمکرات در ادامه حرکتشان ضمن فحاشی شروع به تیراندازی بسوی سنگرهای پیشمرگان میکنند که متقابلاً از جانب رفقای ما، تیراندازی هوایی صورت میگیرد. در حالیکه تمامی گلوله های افراد دمکرات به سنگرها زده میشود رفقای ما به این ترتیب اولاً نشان میدهند که بقیه در صفحه ۸

مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی



مصاحبه کمیته کردستان سازمان پیگار با شیخ عزالدین حسینی

کمیته کردستان سازمان ما با ما ماست شیخ عزالدین حسینی شخصیت سیاسی - مذهبی خلق کرد ما حبه ای انجام داده است و نقطه نظرات او را در مورد وضعیت کنونی جامعه، جنبش مقاومت خلق کرد، اختلافات هیئت حاکمه و ایستگی... را در تشریح "بیکار کردستان" شماره ۴ منتشر کرده است. آنچه که ملاحظه میکنید خلاصه ای از نقطه نظرات ما ماست شیخ عزالدین حسینی در مورد مسائل جاری ایران میباشد. بیکار کردستان ابتدا از ما ماست برسید که وضعیت امروز جامعه و جنبش خلقهای ایران را چگونه میبینید و از دیدگاه شما روند آتسی مسازات مردم چه خواهد بود؟

ما ماست جواب داد: "مردم روز بروز بیدار می شوند که این بیداری سبب شده که تفاق دی در درون هیئت حاکمه بوجود آید که روز بروز آراضعیتر بقیه در صفحه ۶

حمله به میتینگ کومه له توسط افراد مسلح حزب دمکرات را محکوم میکنیم

انقلابی و توطئه آمیزا برا ز نفرت میکردند. در خاتمه افراد حزب دمکرات در اترسیج شدن مردم و هواداران کومه له برای مقابله، به عقب نشینی مجبور شدند و میتینگ پایان یافت. این اقدام، گوشه ای دیگر از عملکردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را در کردستان نشان میدهد. حزب دمکرات در شرایطی که رژیم زهر طرف کردستان را مورد هجوم و حشیا نه قرار داده به میتینگ حمله میکند، پیشمرگان انقلابی را خلع سلاح میکنند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. افشای این اقدامات ضد انقلابی و وظیفه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی کردستان است در ضمن کومه له نیز، طی اعلامیه ای برهم زدن میتینگ، دزدیدن ما شین، قلدردی و حمله حزب دمکرات به مردم و پیشمرگان کومه له را افشا و محکوم نموده است.

روز ۵۹/۱۰/۵ کومه له در شهر بوکان اعلام کرده است ۳ بعداً ظهر در مقابل مقر کومه له میتینگ جهت مبارزه با اعتیاد و فساد برگزار خواهد کرد. و در آن در مورد محاکمه سه نفر از عوامل قاچاقی هرئین سخنرانی خواهد شد. یکی از سه نفر مذکور فردی بودینام "ها شم کجل" که پدر سه تن از پیشمرگان حزب دمکرات میباشد بنا به دعوت رفقای کومه له عده کثیری از مردم زحمتکش بوکان جلود فتر کومه له اجتماع کردند. اما به محض آغاز سخنرانی یکی از مسئولین کومه له، عده ای از افراد مسلح حزب دمکرات به داخل جمعیت آمده و با زورگویی و قلدردی قصد برهم زدن میتینگ را داشتند. آنها ضمن حمله به مردم یکی از پیشمرگان کومه له را کتک زدند. مردم مبارز بوکان در مقابل قلدردنشی افراد حزب دمکرات مقاومت کردند و از این اقدام ضد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ مصاحبه...

کند، مردم روز بروز بیدار تر میشوند و فکر میکنند تدریجا این حکومت تغییر خواهد کرد و اگر مردم ایران آگاهانه در مقابل این حکومت مقاومت کنند و آگاهانه با آن برخورد نمایند قطعاً به نفع آنها تمام خواهد شد. ما به آینده بسیار امیدواریم. این اختلافی که حالا در هیئت حاکمه بوجود آمده خودشا هدا بین است که این حکومت بسوی سقوط می رود.

شیخ عزالدین سپس در پاسخ به سوال "بیگار کردستان" در مورد بنی صدر و اختلاف درون هیئت حاکمه گفت:

"مسلم اختلافی که در درون هیئت حاکمه هست برسر قدرت است نه اینکه یکی از جناحهای هیئت حاکمه خلقی باشد و دیگری فدخلقی ما هر دو جناح هیئت حاکمه را فدخلقی میدانیم امروز بنی صدر از آزادی دم میزند در حالی که قبلاً خودش ما بنده حزب جمهوری اسلامی حرف میزد ما نمی توانیم به حرفهای بنی صدر اعتماد کنیم چه زاول پیدا بود که بنی صدر از دیگران بهتر نیست."

آنگاه ما موستا در مورد جنگ ایران و عراق گفت:

"مسلم که این جنگ را غیر عادلانه میدانیم از هر دو طرف. چه هر دو حکومت حکومتهای مرتجع و فدخلقی هستند و احلا نمی توانیم این جنگ را خلقی بدانیم. این جنگ، جنگ دو هیئت حاکمه است که هر دو فدخلقی هستند. ما این جنگ را محکوم میکنیم و از هیچکدام دفاع نمی کنیم." ما موستا در قسمتی دیگر از سخنان در این مورد گفت:

"تنها زمینگشان ایران و عراق از این جنگ زیان خواهند دید و آنها هستند که مدتها این جنگ را تحمل خواهند کرد."

بیگار کردستان پرسید: تا شیر این جنگ را در سطح جامعه میدانید؟

ما موستا جواب داد: "مسلم است که این جنگ لطافت زیادی به اقتصاد ایران وارد میکند و بحرانهایی را در درون کشورهای ایران و عراق بوجود خواهد آورد ولی اگر مردم ایران و عراق هوشیار باشند چون این جنگ منجر به ضعف هر دو حکومت خواهد شد. اگر خودشان واقعا آگاهانه این مسئله مقابل کنند میتوانند بفرج خودشان از این جنگ بهره برداری کنند."

سپس ما موستا در مورد اوضاع جنبش مقاومت و سیر آتی حرکت آن در قسمتی از سخنانش چنین توضیح داد: "من معتقدم که روز بروز جنبش مقاومت و خلق کرد عمیق تر و وسیعتر میشود از دو راه یکی اینکه جنبش به میان توده مردم راه یافته و دیگری اینکه جنبش مقاومت خلق کرد جدا از جنبش سایر خلقهای ایران نیست که خلق کرد تنها بفکر خودش باشد. حال خودش را با سایر خلقهای ایران سهیم و در مبارزات شریک می داند و به این نتیجه رسیده که هیچیک از خلقهای ایران نمی توانند تنهایی به حق خودشان برسند. با بست همه دست به دست هم دهیم. ما جنبش

مقاومت خلق کرد را سرآغاز جنبش سایر خلقهای ایران میدانیم. روی این اصل است که از خلقهای دیگر انتظار داریم که ما را یاری دهند و از ما پشتیبانی کنند."

بیگار کردستان در مورد وجود جریانات وابسته به بیعت عراق در کوشه و کنایه کردستان و سوءاستفاده نیروهای خائنی همچون حزب توده و سازمان جریکهای (اکثریت) از این مسئله برای تخریب جنبش مقاومت و وابسته قلمداد کردن جنبش از طرف این خائنین نظیر ما موستا را پرسید. و ضمن توضیح احوال جنبش مقاومت خلق کرد و ضرورت مبارزه خلق کرد در جهت تحقق آرمانهای خود، چنین گفت: "ما وابستگی را به

هر شیوه و به هر شکلی که با شد محکوم میکنیم و نمیتوانیم هیچگونه وابستگی را تأیید کنیم... و قطعاً هر جنبشی که بر وابستگی به تیرهای ضد خلقی تکیه کند محکوم به شکست است و لوا اینکه آن نیرویها را ز خلق کرده اید کند و دشمنی مستقیم خلق کرد بنا نهادن وابستگی را اساساً قبول نداریم و آنرا رد میکنیم و هر کسی که بسوی وابستگی پیش برود قطعاً با شکست مواجه خواهد شد و اگر قدرت داشته باشد به شکست جنبش منجر خواهد گردید. "آنگاه شیخ عزالدین با رد دیگر با تاکید و استناد بر روی احوال مردمی جنبش مقاومت، فعلیته نیروهای انقلابی در کردستان و ارتباط جنبش خلق کرد با جنبش سراسری ایران چنین نتیجه گرفت: "اگر نیروی وابسته ای وجود داشته باشد قطعاً نمی تواند در جنبش مقاومت خلق کرد تأثیر تعیین کننده داشته باشد و جنبش را آلوده نماید."

ما موستا شیخ عزالدین در پاسخ به سوال بیگار کردستان در مورد استقلال فعلیته و از گروههای سیاسی و روابطش با نیروهای سیاسی فعال در کردستان گفت: "ما با سازمانهایی که در جنبش مقاومت خلق کرده هستند روابط دوستانه و خوبی داریم و من کما فی السابق استقلال خود را حفظ کرده ام و وابسته به هیچ سازمان و هیچ گروه سیاسی نیستم من بعنوان یک شخصیت روحانی مورد اعتماد خلق کرد در جنبش مقاومت و در مبارزات خلق کرد تا آنجائی که در توان داشته ام شرکت کرده و میکنم. در این مدت درست است که بعضی از سازمانها روابط نزدیکتری با من برقرار نموده اند ولی من وابستگی به هیچ نیروی سیاسی ندارم. این درست است که ما با همدا اینها (نیروهای سیاسی) دوست هستیم و هر کسی را که در جنبش خلق کرد سهیم باشد و همچنین تمام نیروهای مترقی در سطح ایران که در مسیر خلق هستند و مبارزه میکنند با دیدگاه خود ما تأیید میکنم."

در ادامه بیگار کردستان پرسید پیام ما موستا برای خلق کرد و دیگر خلقها و نیروهای انقلابی ایران چیست؟ او در جواب گفت: "من بدو به خلقهای ایران سلام و درود می فرستم و از خداوند متعال سعادت آنها را مسئلت دارم پیام من به خلقهای عزیز ایران اینست که هر چند فعلاً ما با تاج و زر زیم بیعت عراق درگیر هستیم ولی نباید ما هیئت دولت را فراموش کنیم و گول هیئت حاکمه را بخوریم چون هیئت حاکمه همان است که در گذشته بود. ما در ضمن اینکسه تاج و زر بیعت عراق را محکوم میکنیم به هیچ وجه از هیئت حاکمه پشتیبانی نمی نمایم همسان گونه که قبلاً اشاره کردم اختلافاتی که در درون هیئت حاکمه است برسر قدرت است و در جهت منافع مردم نیست و مردم نباید به هیچکدام اعتماد بکنند و یکی را تأیید نمایند. لازم است تذکر بدهم بوا سله اینکه ارتباط ضعیف است اخبار کردستان به خلقهای دیگر ایران آنطور که

اطلاعیه دفتر
سید عزالدین حسینی
درباره تکذیب خبر "راد یومدای آمریکا"

رادیوی امیریا لیستی "مدای آمریکا" در برنامه خبری چهارشنبه شب و پانزدهم در روز پنجشنبه ۵۹/۱۰/۱۱ خود خبری به این مضمون بخش کرد: "۰۰۰ رهبران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ ژانویه (۲ بهمن) اعلام خود مختاری بنمایند... شیخ عزالدین حسینی ۱۰۰ اعلام داشته است که ارتشها شیبش ایران که از فرمان فسران وابسته به رژیم سابق تکمیل شده است با مسامحه کاری میکنند..."

دفتر سید عزالدین حسینی لازم میدانم موارد ذیل را در این رابطه به اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده گرد برساند:

۱ - موضوع مربوط به ارتش با مبالغه رها شیبش ایران و فسران فراری کذب محض بوده و ما موستا و با نزدیکان ایشان هیچگاه چنین مطالبی اظهار نداشتند.

۲ - مطالب خرافات عمداً طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که گویا ما موستا شیخ عزالدین هم در مسئله تا یعدا اعلام خود مختاری در ۲ بهمن نظر و داخلی دارند. بدین وسیله اعلام میدانیم که ما موستا با موضوع اعلام مبالغه چنین خود مختاری ای که اینروزها از طرف محافل وادیوهای ارتجاعی و امیریا لیستی شایع شده است، هیچگونه ارتباطی ندارند.

۳ - خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران که با هیئت سیاستهای امیریا لیسم و عناصر فراری و خود فروخته را بخوبی میشناسند مسلماً میدانند که این خیر در خدمت چه سیاستهایی است و رادیوهای ارتجاعی و "رادیومدای آمریکا" یا بخش این اکاذیب سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به مبارزه عادلانه خلق کرد دارند.

لرستان: تعطیلی مدارس بورش ارتجاع و... شهادت يك دانش آموز

جمهوری اسلامی سنت های ارتجاعی رازنده میکند. روشهای ارتجاعی کلیسا های قرون وسطی در مقابل جرثومه های آکا هی بخش به دستمان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بگونه ای دیگر تکرار میکنند. "مکتب گرایان سرمایه دار و مرتجع که مرگ خود را در آگاهای توده های بسند در مقابل دانش آموزان و معلمان مبارزان انقلابی روشهای سرکوبگرانه را پیش می برند. رژیم جمهوری اسلامی به بیانه آما ده نبودن مدارس در آثار سال تحصیلی، از بازگشایی آنها در لرستان خودداری کرد و مدارس بر وجود هنوز هم تعطیل میباشند. در خرم آباد علییرغم "منع صدور احکام پاکسازی" که در اثر مبارزه و فشار توده ها و محصلین و معلمان مبارز ما در شده بود نزدیک به ۲۵۰ تن از معلمان متعهد را "اخراج" و سپس اقدام به گشایش مدارس نمودند و با وجود اعتراض وسیع دانش آموزان، معلمان و خانواده های آنها، رجائی مرتجع در سفری اقدام روحانستی مرتجع "مشکینی" مدیر کل آموزش و پرورش لرستان را تأیید کرد و طبیعی بود که چنین نماید. ما در آن معلمان اخراجی با رها در مقابل آموزش و پرورش اجتماع کردند و با ردر شهر دست به راهپیمائی اعتراضی زدند که البته با بورش و سنگباران اوباشان "حزب جمهوری اسلامی" مواجه شدند. در مدارس خرم آباد، ارتجاع، ادا مائه تفتیش عقاید، تفتیش بدنی محصلین و... سر - کوب جنبش دانش آموزی را دنبال میکنند و لسی نوده های جوان زندگی را در حرکت مبارزاتی معنی کرده دست به مقاومت میزنند. دانش - آموزان انقلابی و قهرمان حاضر نیستند معلمان ارتجاعی حزب جمهوری را در کلاسهای خود ببینند و دست به مبارزه میزنند. دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه صدقه رفائی و طلعت - دولتگاهی مبارزه را گسترش میدهند و ارتجاع از روی وحشت و درماندگی، دبیرستان طلعت... را تعطیل میکند. روز بعد دانش آموزان این مدرسه در مرا جعه به دبیرستان با بورش فالانژها مواجه شده و چند دختر محصل زخمی میشوند. بورش ارتجاع به منازل آنها سه نفر دستگیر و روز بعد ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دومدرسه "اخراج" شده و برای عده زیادی "اخطاریه" صادر میشود! در روز اول دیماه محصلین اخراجی همسراه ما در انشان برای اعتراض به اقدامات ارتجاعی مسئولین به اداره آموزش و پرورش مراجعه می - کنند که مثل همیشه با اوباشان و مزدوران رژیم



مواجه شده و در اثر تیراندازی با سواران یکی اردختران محصل شدیداً مجروح شده که پس از انتقال به آراک به شهادت میرسد. یک محصل دیگر نیز با کلوله زخمی شده و چند تن از آزادگان نیز زخمی گردیدند. رویزیونیست های فدائی در نقطه مقابل نیروهای انقلابی که در کنگرته رتوده ها، جنایات ارتجاع را افشا میکردند، در کنگرته مرتجعین حزب جمهوری اسلامی قرار داشتند. بی شک بورشهای ارتجاع نمیتواند جنبش توفنده دانش آموزی را از حرکت روبرش خود باز - دارد.

هر چه گسترده تر بسا جنبش
او جگر نده دانش آموزان انقلابی!

دانشجوی مبارز، بیاری توده ها سنگر خود را بگشا!

(گزارشی از تظاهرات سازمان دانشجویان
و دانش آموزان پیگار)

پس از ۹ ماهه که قفل جمهوری اسلامی بر در - های سنگر آزادی، دانشگاه، سنگینی میکند، پس از ۹ ماهه که از انقلاب فخر هنگی رژیم میکذرد و در بی خونریزی ددمینا نه ارتجاع، دره های دانشگاه به روی انقلاب و دانشجویان کمونیست و انقلابی بسته مانده است، نبردی انقلابی برای بازگشایی دانشگاه از سر گرفته شده است تا بسه خواست توده ها و دانشجویان انقلابی قفل های رژیم درهم شکسته شود.

برای پیشبرد مبارزه انقلابی جهت باز - گشایی دانشگاه، سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیگار، عصر چهارشنبه ۵۹/۱۰/۷ ساعت ۴ و ۲۵ دقیقه تظاهراتی ترتیب داد. این تظاهرات از ابتدای خیابان قدس با فریاد اتحادیه مبارزه پیروزی آغاز شد. این سخن شاعری است که سالیان سال دانشجویان انقلابی در زیر جگمه ها و سرنیزه های دژخیمان رژیم سر - داده بودند و با آن پشت ارتجاع را لرزاننده

بودند و اکنون با ردیگر این فریاد همراه بسا کامیای استوار و مصمم پیگار کگران حوان طنین - افکن بود. هنوز کلمه مبارزه فریاد کشیده نشده بود که جویبارها بهمیوسستند، تظاهرات آغاز شد. سله کرم مبارزه توده های انقلابی اطراف دانشگاه را بدور خود جلب کرد و گامهای انسان سوی پیروزی رهسپار گشت، آنان طی راهپیمایی فریاد میزدند: علیه حزب جمهوری - علیه - لیبرالها، زننده با دیبکار توده ها - دانشجویان مبارز، به یاری توده ها، سنگر خود را بگشا!

انقلاب فرهنگی حمله ارتجاع است - تعطیلی دانشگاه خود بهترین گواه است! - از قحطی و گرانای، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدند! در برابر طنین شعارهای انقلابی، وحشت سرو پای خائنین به خلق و رویزیونیستهای ضد انقلابی را گرفته بود. توده ها با وفاداریشان اکثریت همچون ما رزخم خورده دست در دست اوباش، فدا ره بسندان و چاقو کشان رژیم جمهوری اسلامی، "حزب فقط حزب الله" گویان بسرای برانگندن مقوف مستحکم انقلابیون پیگار رگسز تلاش میکردند، اما مشتهای بولادین انقلابیون و شعارهایی همچون "بهنستی بنی صدر، بسرای سرکوب خلق، متحد و برابر در آنها را سرچای خود نشانند. حمایت و پشتیبانی مردم از تظاهرات و استقبال نورا انگیز آنها از اعلامیه ها، تراکتها و نشریات سازمانی بیش از پیش مزدوران ارتجاع و خائنین رویزیونیست را منزوی کرد و توطئه های آنها را خنثی نمود. با لآخره تظاهرات کنندگان با شعارهای انقلابی خود در میدان انقلاب متفرق شدند، اما این حرکت آنها، رشد توان مبارزه برای آزادی دانشگاه این سنگر آزادی، از بنجیر اسارت ارتجاع و امیریا لیسرا خبر میداد.

"دانش آموزان انقلابی هر جا که پامی نهند بذر آگاهی میباشند"

دبیرستان پروین در روز ۱۶ آذر شا هد فریاد - های نویدبخش دانش آموزان انقلابی بود و شعارهای آکا هی بخش آنان مدرسه را به لرزه در - آورده بود. یکی دوروز قبل از ۱۶ آذر برای گرامی داشت حماسه آفرینی های دانشجویان انقلابی میهمان دانش آموزان سازمان پیگار با رفقای هوا دار وحدت انقلابی، راهکارگر، و رفقای اقلیت در مورد برنامهای مشترک صحبت کرده و بعد بسا هوا داران مجاهدین شماس گرفته و متفقا روز ۱۶ آذر صبح، دانش آموزان را در حیات جمع کرده و

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

مشاور در باره پیکارگران اسپر

اطلاعات شما نزد هم دیما ۱۵ اعلام کرد که ۱۷ تن از هواداران سازمان پیکار در آبدان دستگیر شده اند و خبرگزاری پارس نیز در خبری که به سرچها ن مخابره کرد و از طریق رادیوهای بیگانه و امیریا لیستی نیز اسکا س یافت ، اعلام کرد که تعدادی از هواداران سازمان ما که در میان آنها چند پزشک نیز بوده اند دستگیر شده اند بدون تردید در میان افرادی شمار ی که در سراسر ایران و نیز خوزستان بجرم فعالیت سیاسی و دفاع از منافع توده ها دستگیر میشوند افرادی از سازمان ما نیز به سار ت درآمده اند (هر چند خبر آن را مثل اینبار با گزاره گوئی و هوچی کری نقل کرده اند) ما رژیم که روز بروز در نزد توده ها رسوا تر میشود ، از فعالیت افشا گرانه و آگاه گرانه نیروهای انقلابی بسیار وحشت زده گردیده و بدین ترتیب با ایجاد جو خفقان ، زندان ، شکنجه و تیرباران به مضاف انقلابیون میشتا بدوسیس برای تیرش جنا یاتش در مورد انقلابیون و بخصوص کمونیستها ، آنها را مزدوران بیگانه مینامد ، آ خر رژیم جمهوری اسلامی در سبای زیادی از رژیمها ها شان آموخته است ، ما هلاک نیز انقلابیون را "مزدور بیگانه " "خرابکار " و ... مینامد و امروز رژیم حاکم ، بی شرمانه ما چنین تهمت های ناروائی می بندد ، سازمان ما که زدل ظلمت های خونین سالیهای گذشته جوانه زده و ریشه در عمق فشرده است و همچنان بی وقفه و خستگی نا پذیر بسوی نور ، بسوی آزادی و رها ئی کارگران و محمکشان را ه گشوده و هرگز در برابر امیریا لیسم و ارتجاع حتی اندیشه تسلیم بخود را نداشته است ، امروز در معرض توهین فرومایگان ی است که در سالیهای حاکمیت رژیم شاه خائن ، جزخیانست و کرش ، تقیه ، خودگی ، ویاس و سریدویا رکوفتن و در بهترین حالت مبارزه سودا گرانهای بسه امید "بهشت " ، کاری نداشتند ، در زمان شاه خلقهای قهرمان ما خود دیدند که مزدور بیگانه کیست ، امروز نیز توده ها روز بروز بیشتر در می یابند که چگونه بهشتی ها و بازرگانها سر در آخور سفا رت آمریکا داشته اند و اینکه که نژاد توده ها توسط انقلابیون بخاطر جنا یاتشان در سرکوب انقلاب و با زسازی سرمایه داری وابسته رسوا میشوند ، اینچنین به حربه کهنه شاه خائن پنا ه برده اند ، ما روشن است در پس اظهارات رژیم در مورد پیکارگران اسپر یک توطئه جنایتکارانه شهنشاه است ، و از همین روم از همه نیروهای انقلابی و کمونیست میخواستیم که در مقابل توطئه های جمهوری اسلامی در مورد پیکارگران اسپر ساکت ننشینند و ضمن افشای توطئه اخیر جمهوری اسلامی همدا با ما در جهت آزادی آنان و دیگر کمونیستها و انقلابیون بکوشند ،

بقیه از صفحه ۵ جراحی حزب ...

به هیچ عنوان حاضر به خلع سلاح نیستند ، تا نیا از پیشروی دمکراتها "بسمت سنگرها جلو گیری بعمل نیا ورند ، "دمکراتها " که مفا و مسست پیشمرگان پیکار را میبینند ، یکی از رفقا را که خلع سلاح شده بود به زمین زده و او را تهدید به اعدام میکنند ، که پیشمرگان بعد از مدت سی مقاومت ، برای اینکه مسئله را از طریق صحبت حل و فصل کنند و از رگشتار جلوگیری نمایند از سنگر خارج میشوند که افراد حزب به جلوی پای آنها تیراندازی میکنند که در آن یکی از رفقای ما مجروح میگردد ، بدنبال این جریان افراد حزب دمکرات با پیشمرگان درگیر شده و به زور اسلحه پیشمرگان را از دست آنها خارج میکنند ، مسئول حزب دمکرات نیز ، بعد از توهین به مسئول دسته میگوید : "مگر نمی دانید که مسئولیت اجرایی به دست ما ست و شما حق ندارید دخالت کنید ؟"

"حزب ما " بعد از گرفتن سلاحها سوار بر س ماشین شده و میروند .

بعد از این جریان بلافاصله مسئولین سازمان برای صحبت در مورد این جریان با حزب دمکرات تماس گرفتند . مسئول سازمان در این تماس خطاب به مسئولین سیاسی تشکیلاتی آنها یاد حزب دمکرات گفت : "ما حرکت حزب دمکرات را در برابر ما خلع سلاح پیشمرگان سازمان ما عملی غیر اصولی میدانیم . موضع ما در قبال آنها چه هرنیروی ، مفا و مت تا آخرین فشنگ است ، ما این عمل حزب دمکرات را محکوم کرده و افشا میکنیم . " و مسئولین حزب دمکرات جانب این حزب طرح میشود تکیه میکنند در قبال مسئول در مقابل موضع قاطع سازمان ما را در قبال مسئله ، "مسئولیت اجرایی امور منطقه " بیان میکنند بعد از این مذاکره سلاحهای پیشمرگان پیکار در تاریخ ۵۹/۱۰/۴ با زبس داده میشود .

خلق دلا ور کرد ، همسپمان مبارزان!

جریان فوق ، نشانه دهنده این واقعیت است که حزب دمکرات با نیروهای انقلابی ، سیاست دشمنی و ضدیت در پیش گرفته است . حزب دمکرات که از گسترش نیروهای انقلابی و کسب اعتبار آنها در میان توده ها سخت به هراس افتاده امروز سعی میکند تا با قدرت نمائی نظامی خود نیروهای انقلابی را وادار به عقب نشینی در برابر خود نماید ، اما ما و کلیه نیروهای انقلابی که با هدف دفاع از منافع زحمتکشان ایران و کردستان سلاح بدست گرفته و بر علیه رژیم فخر خلیف جمهوری اسلامی مبارزه میکنیم هرگز و تحت هیچ شرایطی در برابر حزب دمکرات و تهدیدات او نه تنها عقب نخواهیم نشست بلکه همچنان که از خلق کبیرمان و از طبقه کارگر قهرمان ایران آموخته ایم ، با تمام قوا در برابر سیاست تهدید و خلع سلاح نیروها توسط حزب دمکرات ایستادگی کرده و حزب دمکرات را افشا خواهیم ساخت .

اعلام نمودند که برای گرامی داشت ۱۶ آذر ، درس را تحریم خواهند کرد و ساعت را در حیات خواهند ماند .

مف طویل و مستحکمی از دانش آموزان انقلابی در حیات مدرسه بر اه افتاده و شعار میدادند : "دانشگاه سنگر آزادگان ، پیکار و زحمتکشان ، علیه امیریا لیسم " ، سرکوب دانشجویان سرکوب انقلاب است ، " اتحاد اتحاد علیه امیریا لیسم " ، " آزادی فعالیت سیاسی حق مسلم ما ست ، " ، " دانشجو همستگرت محصل است ، محصل " ، فرهنگ استعماری نا بود باید گسرد ، فعالیت سیاسی آزاد باید گسرد ، ... سپس در وسط حیات جمع شده و یکی از هواداران مجاهدین مقاله ای خواند ، سپس هواداران " اکثریت " که تا آن موقع حضور نداشتند به منظور عوام فریبی و ترس از صف عظیم دانش آموزان به صف آمده و یکی از آنها مقاله ای خواند ، سپس گفتند چون شرایط کشور و مدرسه حساس است ، نباید کلاسها را تحریم کرد .

سپس یکی از رفقا اعلامیه سازمان پیکار را در رابطه با ۱۶ آذر خواند و درست زمانیکه رفیق نام سازمان را خواند ، تعدادی اعلامیه سازمان بخش شده و مورد استقبال دانش آموزان قرار گرفت ، سپس یکی از رفقای راه کارگر مقاله ای خواند ، سپس دوباره بر اه افتادند و " اکثریت " هم برای گول زدن بچه ها در صف داخل شدند و سعی میکردند که شعارها را عوض کنند و به انحراف بکشانند ، که البته رسوا شدند و سپس به کلاسها رفتند موقعیکه " اکثریتی " هسا میرفتند ، توده های دانش آموزان را میزدند : " سازشکار ، سازشکاری ات را اینجا هم نشان دادی " دانش آموزان انقلابی بر نامه را دادند که دادند هر دقیقه زنگ مدرسه زده میشود و مدیر مرتجع از بلندن گو فریا دمیزد : " به کلاس بروید " اما بچه ها اهمیت نمیدادند و پیکار آنها میخندیدند ، دانش آموزان بعد از اینکه چند بار حیات را دور زدند هکی نشسته و سرود خواندند و شعار میدادند ، سپس بر جم آمریکا را آتش زدند و همه در جایکه پاهایشان را محکم بزمین میکوبیدند شعار مرگ بر آمریکا سردادند .

برنامه شام شده بود ما چون دانش آموزان انقلابی نمیخواستند به کلاس بروند قرار شد که سرود بخوانند ، ما در صدا و مکار هواداران مجاهدین سازشکاری کرده و تمایل به کلاس رفتن نشان داده و به همین خاطر بچه ها پراکنده میشوند و در نتیجه مدیرونا ظم و ... با زور بچه ها را بسه کلاسها فرستادند و رفقای ما نیز که دیدند بیرون ایستادن چندان فایده ای ندارد و منجر بسه حرکتی جدا از توده میشود ، تصمیم گرفتند که بسه کلاسها بروند اما بجای درس ، بحث راه بیا ندارند و اینکار در اکثر کلاسها هم عملی شد .

با اندکی تغییر به نقل از : اخبار دانش آموزی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - تبریز

بنی صدر (لیبرال)

نام: ابوالحسن بنی صدر
 شغل: رئیس سابق "شورای انقلاب"
 وزیر سابق خارجه و رئیس جمهور
 کنونی.
 اندوژوی: لیبرالیسم.
 جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه
 - داری وابسته به امپریالیسم سرکوب
 و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت
 به خلقهای ایران.

از تحفه های فرنگ است، در شرایطی که نیروهای انقلابی در زندانها و میدانهای تیر، شکنجه میشوند و تیرباران میکنند، ایشان راحت و آسوده در پارسی بمدت ۱۷ سال، درس خدمت به سرمایه داری را فرا میگرفت.

فعالیتش در خارج از کشور، همپای بورژوا - لیبرالهای جبهه ملی بود، پس از سواشی "جبهه ملی دوم"، در "جبهه ملی سوم" شرکت میکند و دست به اشتراک نشیبه لیبرالی، "خبرنامه جبهه ملی" میزند، در این نشریات هرگز سخنی از سرنگونی رژیم شاه نمی رود، در عوض به چاپ غیرمیه های لیبرالها می چون سرهنگ امیررحیمی به "والاحضرت شهبان توفرح"، که در همه جناحیات شاه خاکن شریک وی بود، میپردازد.

با قدرت یابی نیروهای کمونیست در کنگدرا - اسبون دانشجویان خارج و رادیکال شدند، مبارزات آنها در جهت سرنگونی رژیم شاه، یعنی - صدر بطاعت مخالفت با شاعر سرنگونی شاه و ضدیت با کمونیستها، از کنگدرا اسبون کناره گیری می - کند و در واقع اخراج میشود.

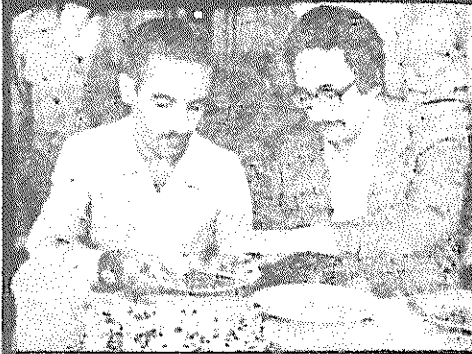
او حتی تحت فشار نیروهای دیگر نیز هرگز تا سال ۵۷، حاضریه پذیرش شاعر سرنگونی شاه خاکن نشد، در عوض همواره به سمپاشی بر علیه کمونیستها می پرداخت و "جزء اولین کسانی است که در کنگدرا و جلال الدین فارسی از موضعی ارتجاعی علیه جاج هدین خلق موضعگیری داشته فحاشی ها و لجن پراکنی های وی بر علیه کمونیستها، در خارج از کشور، چهره مشخص دشمن طبقه کارگر را از آنها پیش درآورد و بنامش گذاشته بود. او و کتا بها و اعلامیه های مختلفی بر علیه کمونیستها منتشر میکرد در واقع ضدیت اصلی او نه با رژیم شاه، بلکه با کمونیستها بود.

با او گیری جنبش توده ها، با استفاده از، موقعیت طبقاتی آیت الله خمینی و اشتلاقی که میان لیبرالها و خرده بورژوازی مرفه سنتسی بوجود می آید، او آماده میشود تا در کنگدرا دیگر همپا لکی های پیش بر جنبش توده ها سوار شده و مانع از پیروزی انقلاب گردد.

او پس از قیام به عضویت "شورای انقلاب" در می آید و از این پس در کنگدرا رهبری ها در کلیه جناحیات شورای انقلاب بر علیه توده ها شرکت

گیر خوار است انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب
جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق



مستقیم دارند. این جناحیات بطور خلاصه، سرکوب و کشتار مبارزات کارگران، مانند کشتار کارگران بیکاران، سرکوب و کشتار رصدها تن از فرزندان دلاور خلق کرد و ترکمن و سرکوب کمونیستها و دیگر انقلابیون در سراسر ایران و بخصوص شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری و وابسته وارگانهای سرکوبش مانند ارتش ضد خلقی است.

او در شورای انقلاب، مسئولیت برنا مریزی اقتصاد را داشته و بدین ترتیب در مورد برنامها - های اقتصادی رژیم که در جهت حفظ منافع امپریالیسم بوده و در انتقال بی وقفه بحران امپریالیستی به ایران، تورم، گرانی، بیکاری، وضع بد اقتصادی زحمتکشان، استعمار زحمتکشان توسط انحصارات امپریالیستی و... مستقیما مسئولیت دارد.

او از برنا مریزان و سازماندهندگان اولیه سازمان "فدا انقلابی" "مجا همدین انقلاب اسلامی" است. و در مراسم اعلام موجودیت این "سازمان" در اردیبهشت ۵۸ در دانشگاه تهران، بدفاع از آنها سخنرانی میکند و طبق گفته این دار و دسته فدا انقلابی، مرا مناهات را برای گرفتن تائید نذرات آیت الله خمینی میبرد. (البته اکنون بر سر قدرت میان این دونویروی ضد انقلابی اختلاف افتاده است.)

چماقداران ارتجاع با شعار "روزنامه بینی - صدرا ایچا دبا بدگردد" به نشریات کمونیستی و مترقی حمله کرده و در حقیقت چماقداران بینی - صدرا نیز در آینهنگام چیزی از چماقداران حزبی کم نمی آورند.

بقیه در صفحه ۱۸

محمد علی رجایی

اسم: محمد علی رجایی
 شغل: وزیر سابق آموزش و پرورش و نخست وزیر فعلی رژیم ضد خلقی - جمهوری اسلامی ایران.
 آید تولوژی: مکتبی، مکتب سرمایه داری
 جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای تهران ایران.

سها مدار شرکت بسا زب فروش ساختمان اهداف و مدیرعامل شرکت مذکور در زمان شاه خاکن.

دشمنی با زندانیان کمونیست طی دوره زندان (که کمتر از ۳ سال طول کشید)، تفرقه - اندازی و عدم شرکت در مبارزات درون زندان در زمان شاه به ویژه زمانیکه وحدت زندانیان سیاسی اعم از مذهبی و کمونیست برای مبارزه با رژیم یک ضرورت مبرم بود.

وزیر آموزش و پرورش قبل از نخست وزیری در رژیم فعلی و بنا بر این مسئول القاء فرهنگ ضد مردمی و عقب مانده دانش آموزان

اخراج هزاران تن از معلمین انقلابی و کمونیست از آموزش و پرورش در تهران، تبریز، شیراز، بندرعباس، اراک و دهها شهر دیگر به بهانه "غیر اسلامی" و "غیر مکتبی" بودن آنها رجایی در این مورد گفته است: "مانمی توانیم به کسانی که غیر اسلامی هستند اجازه دهیم در مدارس ما به اذان گویی و پیش نمازی بپردازند. ما نمی توانیم از افرادی که بینش ما را دارند و به اندیشه های ایزاری معتقدند، این انتظار را داشته باشیم تا بینشهای انسانی را تعلیم دهند" (جمهوری اسلامی ۱۵ شهریور ۵۹ رجایی با این حرف نشان میدهد که دشمن نیروهای مترقی و کمونیست است.

دستگیری و شکنجه و زندانی کردن صدها تن از معلمین انقلابی و کمونیست به اتهام "فعالیت های فدا سلامی" و در حقیقت بخاطر آگاه کردن دانش آموزان که با توفیق رجایی در زمانیکه که وزیر آموزش و پرورش بود، صورت میگردد.

تفتیش عقاید در استخدام معلمین طبق بخشنامه های رجایی در زمان وزارت.

تا پیدا عدا مدتها معلم کمونیست در ترکمن صحرا و کردستان و... از جمله معلمین شهید عبدالله قزل، بهمن عزتی، هرمزگرجی بیانی و...

اشغال آموزش و پرورش کردستان برای سرکوب مبارزات دانش آموزان و معلمین انقلابی کردستان.
 رجایی در زمانی که وزیر آموزش و پرورش بود

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

دانش آموزان مبارزان به شیوه‌های مختلف زیر فشار رفتار داده و سرکوب میگردد، از جمله سیاستهای سرکوبگرانه و عیانرسانانه؛ انحلال شوراهای و ممنوعیت ایجاد دورا در مدارس، ایجاد حفیان و جوا حفنانی برای جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان، تفتیش عقاید و اخراج دانش آموزان انقلابی ...

● تصدی بست نخست وزیر برای سرکوب انقلاب، رجایی، این سرمایه دار مکتبی، در آغاز انتخابات به نخست وزیر گفت: "من مقلسد امام، فرزند مجلس و برادر رئیس جمهور هستم." او با این سخنان خود بدستی بیان میکند که عوامفریبی را بخوبی از رهبران رژیم جمهوری یاد گرفته است، او خود معترف است که فرزند خلف مجلس ارتجاعی که مرکز تجمع عوامفریبان و مفتخوران است میباید بدین ترتیب و همگامی و همدستی خود را با نمایندگان سرمایه داران در تحمیل و سرکوب زحمتکشان و خلقها اعلام میکند، رجایی سپس خود را برادر رئیس جمهور عنوان میکند، براستی که رجایی و همپالکی‌های او در حزب جمهوری اسلامی، برادران لیبرالها از جمله بنی صدر، سرکوب انقلاب نموده‌ها میباشند.

● شرکت فعال در کلیه جنبایاتی که بدست رژیم جمهوری اسلامی بویژه حزب جمهوری اسلامی انجام میگردد از جمله کشتار در کردستان، ترور انقلابیون، سرکوب تظاهرات و میتینگها و ...

● سرکوب تظاهرات حق طلبانه کارگران بیکار آقای رجایی در همین راستا از انجمنهای اسلامی کارخانجات گفته است: "آنها (مدا انقلاب) بسا داشتن درجه‌دکتری فوق لیسانس و لیسانس لباس کارگری پوشیده و در صف کارگران میایستند و در کارخانه‌ها مشغول کار میشوند."

(جمهوری اسلامی ۲۷ آذر ۵۹) زهی وقاحت و بیشرمی! گویا اینجند کارگران کرسنه بیکار در جات دکتری و فوق لیسانس و لیسانس دارند که لباس کارگری پوشیده اند! رجایی با ایس کوبه با طبل سرکوب خونین تظاهرات کارگران بیکار در شهرهای مختلف را توجیه میکند!

● چایبازان رفوود آنها، سرکوب مناسبات دهفانان زحمتکشان که به مآ دره انقلابی زمینهای مالکین و فئودالها دست میزدند، رجایی در مورد مآ دره انقلابی زمینهای مالکین توسط روستائیان در همین رابطه اطلاع و گذاری رمین گفت: "من به عنوان یکی از اعضای شرکت کننده در این سمینار و سمینارگران این بدیده (مآ دره انقلابی زمینها توسط دهفانان - بیکار) هستم، با بدید این حرکت فدا انقلابی یک مقابله مولی نمود" آقای رجایی سپس حمایت آشکار خود را از فئودالهای ستمگر و خونخوار اعلام میکند: "متحرفین لزوما راست‌گرا نیستند ممکن است جب‌گرا همباشند زیرا بنا به فرمان امام کسانیکسخواهند مانع از آن شوند نارمینیهای سرور کارخانه‌های (روستا) کسان زحمتکشان - بیکار بطورنا مشروع مالک شده‌اند بدست ما حیان آن (فئودالها و مالکین

استثمارگر - بیکار) برسد" (جمهوری اسلامی ۱۴ آذر)

● حمایت از سرمایه داران بزرگ بنا به ماهیت طبقاتی خود: این آقایان عوامفریبانه خود را حامی مستضعفین جا میزنند و هر گاه که میرسد داسخن از "عدالت اسلامی" سر میدهد، اما وقتی که در اوایل نخست وزیریش میگوید: "در هیچ‌جا ما نگذشته‌اند دولت به سرمایه داران کاری داشته‌اند و خسود آنان در سطح وسیعی حرکت کرده‌اند." (کیهان ۱۹ مرداد ۵۹)، ماهیت حمایت ایشان از مستضعفین آشکار میشود، البته منظور آقای رجایی از "حرکت سرمایه داران در سطح وسیع" چیزی جز دعوت سرمایه داران به سرمایه گذاری بیشتر و در نتیجه استثمار هر چه بیشتر و شدیدتر کارگران نیست، چرا که آقای رجایی نخست وزیر رژیم نیست که سرمایه داران آنرا میجرخاندند آقای رجایی و قبیله سخنان خود را اینطور ادا میدهد: "دولت آینده از سرمایه داران بزرگ با بدبخواهد که در اعمال خود تجدید نظر کنند." (همانجا) منظور آقای رجایی از این سخنان کلانانها این است که سرمایه داران بزرگ کسه مردم زحمتکش ما بخاطر غارت دسترنج زحمتکش و استثمار کارگران سالها با آنها مبارزه کرده‌اند، کارگران را استثمار کنند و سپس برای خالی نبودن عریضه و برای اینکه کارگران را آسانتر بفریبند از سرمایه داران میخواهد که در "اعمال" خود تجدید نظر کنند، آیا کارگها میتوانند همیشه را با ره‌تنگند؟ آیا به این سخنان عوامفریبانه این جناب جز کلاشی و حیل‌گری نامی میتوان گذاشت؟

● شرکت در مبارزاتی و حفظ سرمایه داران وابسته بعنوان بیگانه‌ها میریایسم در ایران تا شاید کشتار و قتل عام زحمتکشان روستاهای ایندرون قاش، صوفیان، یوسف‌کند، سه‌روکانی و غیره لازم باشد و آوری است که این جنایات مستحقی از انبوه جنایاتی است که در دوره نخست وزیری آقای رجایی انجام گرفته است.

● فریب نموده‌های زحمتکشان و دعوت آنها به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی و تبدیل فرزندان نموده‌ها به گوشت دم‌توب سرمایه داران زالسو مفت

● آقای رجایی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی در اعدام سه تن از رفقای ما در خوزستان بیکار، رگران شهید شکرالله، انشیر، محمد علی اشرفی، منوچهر نیک‌انداز، موریقی، علی‌رضا همایون بری زاده "از رفقای اقلیت بدست جلدان جمهوری اسلامی شرکت داشته‌اند بنا بر این دستن مسلمان خون این جها را انقلابی گمونیست و دهها انقلابی دیگر آلوده است.

● تحریک وسیع نموده‌های ناآگاه و همجنسین سازماندهی دسته‌های اوپاش و قداره‌بند بر علیه اوپاشان جنگ در شیراز، اهلیان، بروجرد و ... از طریق تبلیغات امام جمعه‌های مرتجع وابسته‌ها ندخود.

● ریختن ۲۵ میلیون تومان از بیت‌المال مردم سبب مفتخوران جهت تبلیغ و تروریج

افکار ارتجاعی سندغارت ۲۵ میلیون تومان مذکور که به امضای رجایی به جیب منتظری و دیگر "علماء" ریخته شده است، توسط سازمان ما افشا گردید.

● رجایی حل مسئله گروگانها را بعهده گرفت تا رابطه با آمریکا که بنظر او "نکامل معنوسوی" یافته است برقرار کرد. بنا بنظر اندیاز آمریکا اسلحه بخرند و برای همین سفر خیانته آمیگز خود به نیویورک از جیب مردم "مستضعف" ۱۴۰۰۰۰۰ تومان برداخت.

اینها کوشه‌های از جنایات رجایی نخست وزیر مکتبی رژیم جمهوری است اما پرواضح است که و در کلیه جنایات و سیاستهای سرکوب‌گرا نه رژیم در زمینه‌های مختلف نقش مهمی دارا میباشند، این عنصر عوامفریب خود را "حامی مستضعفین" قلمداد میکنند در حالی که خود از سرکوبگران اصلی زحمتکشان و از حامیان اصلی سرمایه داران میباشند و در عوامفریبی دست کمی از همپالکی‌های حزبی و همدستان لیبرالشان ندارند، او با استفاده از ناآگاهان زحمتکشان آنها را تحمیل میکند و از ناوین "شرعی" و "عرفی"، "مکتبی" و "اسلامی" در جهت غارت دسترنج زحمتکشان توسط سرمایه داران استفاده میکند رجایی بعنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی امروز مستقیما در سرکوب انقلاب و توده‌های زحمتکش دست دارد، او سعی میکند تا خود را "صد امپریالیست" نشان دهد حال آنکه این فریبی بیش نیست او حامی مدافع سیستمی است که سرمایه لیستها بر اساس آن به غارت و چپاول خلق ما مشغول میباشند، این آقای "مکتبی و حزبی" همانند لیبرالهای خائن دوست امپریالیستها و دشمن انقلاب و زحمتکشان است.



مصادره انقلابی خوابگاه تربیت بدنی توسط کارکنان جنگ زده

بدنبال مراجعات مکرر نمایندگان کارکنان مناطق جنگ‌زده به "بنیاد نهیید"، "بنیاد مسکن"، "بنیاد مستضعفین"، دفتر نخست وزیر و مسئولین وزارت نفت برای پاسخگویی به خواسته‌هایشان از جمله تامین مسکن و عدم رسیدگی مقامات مذکور، کارکنان تصمیم میگیرند تا خود اقدام کنند، بدین لحاظ روز ۲۳/۹/۵۹ اقدام به مآ دره انقلابی محل خوابگاه‌ها نموده تربیت بدنی مینمایند، آنها به محض ورود به ساختمان مزبور با ایجاد کمیته‌های اسکان، تدارکات و ... به سازماندهی اقدام خود برداخته و در اطاقها مستقر میشوند.

مسئولین رژیم که از این عمل انقلابی کارکنان جنگ‌زده غافلگیر شده بودند، سعی کردند با "غیرقانونی" خواندن این اقدام و توسل به انواع حمله‌ها، آنان را از محل خارج کنند، ولی هوشیاری کارکنان توطئه‌های رژیم را خنثی کرد. طبق آخرین گزارش پاسداران سرمایه‌آب و برق و سوخت خوابگاهها قطع کرده‌اند

لیبرالها و بازگشایی دانشگاه

لیبرالها، دانشگاهی بدون انقلابیون و مکانی برای تربیت متخصصین لیبرال میخواهند درحالی که کمونیستها و انقلابیون دانشگاه را بعنوان کانون افشاکاری و مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و سنگری برای آزادی و انقلاب میخواهند.

با تهاجم حزب جمهوری اسلامی به دانشگاه و جنایت هولناک اوباشان و پاسداران حزب در اول اردیبهشت که به نهادت دهها دانشجوی قهرمان (و بدنبال آن اعدا و ترور مودنها، معتمدیها، علویها، دانیالها و...) انجامید، دانشگاه، این سنگرخونین آزادی از ۱۴ خرداد ۵۹ تعطیل گردید. جنایت اول اردیبهشت که از سوی بنی صدر لیبرال نیز تائید شد، هدفی جز مقابله با نیروهای انقلابی در دانشگاه نداشت. رژیم عاجز از خاموش کردن شعله های پرفروغ آگاهی از دانشگاه به تعطیل آن دست زد. اما اگر لیبرالها نیز خواهان سرکوبی نیروهای انقلابی در دانشگاه هستند، اما خواهان تعطیل بودن دانشگاه نیستند، و اگر سیاست "چماق" حزب جمهوری در مقابل انقلاب، در دانشگاه بصورت سرکوب کامل و تعطیلی سنگر آزادی جلوه گر میشود، سیاست "چماق و نسیان شیرینی" لیبرالها سیاستی موزرانه و فریبکارانه را برای فریب توده ها و سرکوب انقلاب، ایجاب میکند. از اینرو مبارزه در جهت بازگشایی دانشگاهها بدون افشای ماهیت شمارههای لیبرالها در این مورد نمیتواند بطور کامل در جهت اهداف دموکراتیک انقلاب قرار گیرد.

لیبرالها چرا از بازگشایی سخن میگویند؟

انقلاب اسلامی، میزان، آرمان، ملت و خلاصه تمام تشریحات ارتجاعی لیبرالها، اکنون از بسته شدن "مرکز علم و دانش و تخصص" مینالند اما چرا؟ آیا آنها واقعا خواستار ادامه فعالیت دانشگاه بعنوان سنگر آزادی هستند و یا نه! آنها خواهان همان دانشگاهی هستند که رژیم شاه نیز در آرزوی پیش میسوخت و نتوانست آنرا بسازد، یعنی دانشگاهی بدون اجازه فعالیت سیاسی برای انقلابیون، بدون مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تشنه مکانی برای تربیت روشنفکرانی متخصص در خدمت سرمایه داری وابسته، ببینیم بازرگان لیبرال خواهان کدام دانشگاه است. بازرگان اساسی فعالیت دانشجویان را در دانشگاه محبوب لیبرالها "تعلیم و تربیت و تخصص و تحقیق" (میزان، ۲۶، آذر) میدانند و شیدا به دانشجویان انقلابی که با قوانین و ضوابط استادان و کادرهای دانشگاهی مخالفت میکردند، می تازد و می -

مخالفت کند. لیبرالها را اینکه دانشجویان برنامهدارهای انقلابی را در میان روشنفکران تبلیغ نموده و با نظام کهنه دانشگاهی مبارزه کنند، وحشت دارند. آنها نیز مانند حزبها از سنگ دانشگاه انقلابی و در خدمت توده ها برخوردار می - لرزند، اما بر سر ما بله ما دانشجویان انقلابی و فعالیتهای آنان در شیوه های حزبیه توافق ندارند. آنان میگویند "تراکت به سرکوب دانشجویان انقلابی و کمونیست بپردازند". بقول بازرگان ارتجاع و حمله و ضرب دانشجویان توسط جناح رقیب (حزبیه) در اول اردیبهشت به این منجر میشد که:

"بها نه های خوبی بدست مخالفین داده و" "با شیوه های خاص مبارزات مطبوعاتی انحار و شهادت آنها که برچم خد ارتجاعی برافراشته بودند، قیافه حق بجانب بیشتر و راه مظلومیت و بنا بر این هوا خواهان بیشتر در قشرهای دانشجویان آموزش میدادند" (همانجا). "دلیلها در سرتاسر تاریخ این بوده است، "سرکوب صفر بسودا انقلابیون است"، "استبداد دخن بسودا انقلاب است" و... لیبرالها خواهان سرکوبی ظریف هستند، "آدم بکش، اما خون روی دستهایت را همیشه بشور!". بساور نمی کنید، ببینید چگونه از مقابله با کمونیست ها سخن میگویند:

"با این ترتیب مقابله با گروههای متحرک و مخرب چپ بعوض آنکه از طریق سازندگی و برنامهدارهای مثبت وظایف دانشگاهها باشد..." (همانجا) آری همانطور که در حکومت بازرگان و بنی صدر دیده ایم: لیبرالها خواهان مقابله مثبت هستند، یعنی چماق و نای شیرینی، یعنی سرکوب و کشتن آری که پوشیده انجام گیرد و بسا برنامهدار و نقشه چندی را لیبرالها بگویند، ای حزبیه! جلوی چشم مردم، آدم نکشید، مردم می بینند آنها را بگیرد و در خفا اعدام کند. ضمن آنکه صحبت از آزادی نیز با دستان نرود، لیبرالها میگویند جلاد پس از کشت و کشتار باید دستش را بشوید و با دستان تمیز بر سر سفره جشن فتنه بنشیند، در حالیکه حزبیه اینرا نمی فهمند و با همان دستان خون آلود جلوی توده ها ظاهر میشوند و اینرا لیبرالها نمی خواهند.

پس روشن شد که لیبرالها خواهان چه دانشگاهی هستند دانشگاهی بدون نیروهای انقلابی (البته این حسرت بدلشان خواهد ماند) آنها به حزبیه میگویند، دانشگاه را با زرگان سرمایه داری وابسته متخصص میخواهد، منتها با راه حلهای سنجیده کمونیستها را سرکوب کن، در دانشگاه که نباید فعالیت نیروهای انقلابی صورت بگیرد، مگر گفته های "اعلیحضرت هما یونی" با دستان نیست که میگفت دانشگاه جای درس و مشق است، نه جای "خوابکاری" مثنی کمونیست

بقیه در صفحه ۱۲

گوید: دانشجویان چپ، "تلافی طاغوت شکست - خورده و لمس کردن پیروزی را از بیرون کردن بی آبرو ساختن هرچا ستاد دوشیست تعلیماتی و بهم ریختن نظام آموزشی و اداری (منظور نظام آموزشی و "طاغوتی" است - پیکار) میدیدند" و سپس بازرگان آنرا مایه رنج طرفداران "منطق و انقلاب اسلامی" و... میداند. بدین ترتیب آقای بازرگان مخالف اقدامات دانشجویان انقلابی در پردو بستگان رژیم پهلوی از دانشگاه است، و مخالف فعالیت سیاسی انقلابیون در دانشگاه است، و میخواهد همان نظام آموزشی و اداری که در خدمت سرمایه داری وابسته بود باقی بماند، تا دانشگاهها مانند زمان شاه خاکن کوش خود را مصروف تربیت متخصصین سرمایه داری وابسته کند و دانشجویان انقلابی را نیز که خواهان فعالیت انقلابی هستند، شدیداً سرکوب نماید. شاید کمی تحت تاثیر تبلیغات لیبرالها قرار گرفته باشد و بگوید لیبرالها که مانند حزبیه، "خشن" و "سرکوبگر" نیستند، اما غافل از اینکه آنچه بنی صدر و بازرگان متحد با حزبیه بر سرگردستان آوردند و بنی صدر و حزب بر سر دانشگاه، نشان میدهند که بموقعی لیبرالها از حزبیه در کشت و کشتار و سرکوب هیچ کم نمی آورند، ببینید در مورد همین دانشگاه، لیبرالها چه سستی در مقابل کمونیستها پیشنها میکنند:

سرکوب کمونیستها و انقلابیون، آزادی مشترک لیبرالها و حزب

بازرگان میگوید: "گروههایی که (منظور کمونیستها است - پیکار) را سا یا تقلید! انتقام و نهادم، هدف و حرفه شان میباشد و تشنه برای نفس انقلاب و تداوم آن اصلت قائل بودند (!!)... چنین مصلحت میدیدند... با شدت و سرعت هرچه تمامتر از یکطرف به تبلیغ مرام و برنامهدارهای خود در میان روشنفکران و مردم بپردازند (!!) و از طرف دیگر تداوم و تسریع انقلاب را از طریق تخلیه یا تصفیه دانشگاهها و جابجایی افراد و عناصرو تا زمره خورده گذشته اجرا نمایند" (!!) (همانجا) بدین ترتیب معلوم میگردد که لیبرالها چگونه با اقدامات انقلابی دانشجویان

لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را افشا و طرد نمائیم

زحمتکشان ایران شاه را فراری دادند،

شاه جلاد مرد، ولی هنوز...



ساعت ۱۳/۵۸، روز ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ شاه جلاد، درماتنه از جنبش انقلابی خلقهای ایران که رژیم پوسیده سلطنتی را اولین هدف ضربات توفنده خود قرار داده بود از ایران فرار کرد. فرار شاه خائن در شرایطی صورت میگرفت که مبارزات توده‌های زحمتکش ضریات کاری بسر پیکر لرزان رژیم وابسته میربا لیم و اردمی ساخت. شهرهای ایران در فریادهای خشمگین توده‌ها میلرزید، کشتارهای ارتش آمریکا شی ساه کوچکترین تزلزلی در توده‌های سپاه سخته ایجا دنگ کرده بودند دولت "آشتی ملی" شریف اما می مزدور، نه "حکومت نظامی" از راهی جلاد ونه آخرین توطئه رژیم شاه و میربا لیم یعنی دولت بختیار خا شن نتوانسته بودند رژیم شاه را از بحران مرکزی که گلوش را فشار میداد درها سازد. شاه که هدف اصلی خشم خروشان زحمتکشان ایران بود و ما هم با بوده شعاهای "مرگ بسر شاه" توده‌ها تا قوس مرگ سلطنت شکنیش را بسه صدا در آورده بودند، مستأجل و درمانده ایران را ترک کرد تا با میلیاردها دلار که از دسترنج خون زحمتکشان میهن ما شروت بیبار آورده‌ای برای خود خا نوا ده منحوش فرا هم آورده بود به عیش و عشرت در کناره‌های باش بپردازد.

مردم ایران، برای اولین بار پس از سالها حاکمیت ترور و خفقان فاشیستی، پس از تحمیل شکنجه‌ها، زندانها و پس از کشتارهای دسته جمعی با فرار شاه مزدور، دزخیم خلقهای ایران رنگ خنده و شادی بر چهره‌ها نشانست. توده‌های مبارز به خیا با نیار یختند و فراریزداننده دیکتا تور خون آشام را جاش گرفتند. زحمتکشان میهن ما فرار شاه را مقدمه پیروزی و بیش درآمد آزادی می دانستند. آنها که پس از سالها خفقان و سرکوب، توانسته بودند موقعیتی انقلابی در جامعه ما

بدیده آ ورنند، شاه از این بودند که مبارزه ای طوقا نیز جلاد خلقهای ایران را باز نمود آورده اند و او را با چشم برانگ از تخت سلطنت ننگین بسا شن میکشند. فرار شاه اولین پیروزی جنبش انقلابی خلقهای ما بود. جنبشی که دورنمای خود را نه فقط فرار شاه خا شن بلکه سرنگونی رژیم وابسته میربا لیم شاه و نایب بودی سرما به داری وابسته و پشیا دجا معده ای نویرویرا نه هسای نظام کهن قرار داده بود. پس از فرار شاه خا شن توطئه‌ها و نیز کشتارهای آخرین نخست وزیرش بختیار مزدور نیز نتوانست رژیم را از تیر خشم توده‌ها برهانند. توده‌ها با قیام برنگوه میهن ما به ساط رژیم شاهنشاهی را درهم پیچیدند اما عدم وجود رهبری انقلابی طبقه کارگر و سازش رهبران فدا انقلابی که برجشس سوار شده بودند، زحمتکشان ما را از رسیدن به هدف و پیروزی شدن با زدا نت. زحمتکشان ایران با مبارزه انقلابی و بدستان برتوان نشان شاه جلاد را فراری دادند، شاه دق مرگ شد ولی هنوز خون توده‌های زحمت کش و قهرمان بر سنگفرش خیا با نیابرد و دیوار شهرها خشک نشده بود که سرکوب و ستم و استثمای این بار تحت نام جمهوری اسلامی بر میهن ما، مجددا مستولی گشت. ولی مرتجعین از تاریخ درس نمیگیرند، توده‌ها شیکه رژیم تابندگان مسلح شاه آمریکا را با مسرک روبرو ساختند و با مبارزه انقلابی خود شاه جلاد را فراری دارند، با مسلح شدن با آکا هی طبقه ای و در ادامه مبارزه اعتلائی کنونی، آنچه را که نتوانستند پس از فرار و سرنگونی شاه بکساف آوردند، در آغوش خواهند گرفت. دور نیست که توده‌های انقلابی ما روزهای نظیر فرار شاه و... را دوباره زنده کنند.

صفحه ۱۱ رصفحه ۱۱ لیبرالها...

و ما رکسب اسلامی!

باز هم تلاش برای

سوار شدن بر جنبش توده‌ها

مدن ترتیب معلوم است که لیبرالها خواهان باز شدن جدوع دانسکاهی هستند. آسیا سرما بند حزبها به گفته آیت الله خمینی کاملاً معتقدند که دانسکاهی که در آن کمونیست ها همباز برده زند، نیا بدبا زشود (مطبوعات ۲۹ آذر)، اما آنها ضمن دادن برنامهم برای مقابله با کمونیستها خواهان این بازگشایی هستند چرا که آنها بفکر تربیت متخصص برای سرما به داری وابسته هستند، چرا که اکثر بیست استادان دانسکاه (بجز معدودی استاد کمونیست و دموکرات) لیبرال هستند و آنها با بازگشایی دانسکاه در اندیشه تقویت موضع خود نیز در قبال حزبها هستند.

و از همه مهمتر آنها برای بریدن بسر روی امواج، نارضایتی توده‌ها، تخصص ریادی دارند و چنین است که برای فریب توده‌ها، لفظاً آن شعاری را که خواسته توده‌هاست، تکرار میکنند، (هر چند که محتوای مورد نظر لیبرالها با آنچه توده‌ها میگویند از زمین تا آسمان متفاوت است) توده‌ها دانسکاه را برای انا عه آکا هی و بعنوان سنگر آزادی و در خدمت جنبش میخوانند و لیبرال ها دانسکاه را در خدمت سرما به داری وابسته آنها شعار مورد علاقه توده‌ها را تکرار میکنند تا خود را محق جلوه دهند و با زردیگریها توده‌ها بسوی قدرت بلغزند و در ضمن بسته بودن دانسکاه را موجب افزایش نارضایتی توده‌ها و خطری برای حکومت میدانند، آقایان بزرگان که در نصیحت کردن شاه خا شن تجربیات گرانبها شی اندوخته است به حزبها هشدار میدهد:

"معلوم است، وقتی شما بیش از صد هزار نفر جوان را که در سنین حداکثر جوش و خروش و تشنه فعالیت و دریافت هستند، بیکار و رویمان خیا با نی و خا نه میکنید، خودشان بدرومادرها بیان نارضی میشوند و تق میزنند" (همانجا) میبینید چه تری از انقلاب و نارضایتی توده‌ها دارند این لیبرالها! جالب اینجا است که حزبها نیز ترستان از دانسکاه، بخاطر واگیری انقلاب است. آیت الله خمینی به لیبرالها که خواهان بازگشایی دانسکاه است میگوید "شم سیاسی ندارید!" (مطبوعات ۲۹ آذر) چرا که این کار کمونیستها را رشد میدهد. ولیبرالها نیز از همین زاویه به حزبها می تا زند که "بسته بودن دانسکاه موجب رشد کمونیستها میشود!" بهر صورت نه تنها در مورد دانسکاه بلکه در دیگر مسائل نیز، نه راه حل لیبرالها ونه راه حل حزبها، رژیم را نجات نخواهد داد، زیرا فساد انقلاب در هر کما می که بر میآرد، بدست خویش کور خود را میکند! "ورژیم نخواهد توانست مانع رشد انقلاب و کمونیستها گردد."

دمکراسی انقلابی چیست؟

آزادی "برای خلق ماسخن گفت. جنبین عملی نه آزادی برای خلق ما بلکه اسارت و برمگوسی برای خلق ما و آزادی برای طبقه سرما یسدهار ایران است که لیبرالها خود را آن دسته اند. به همین دلیل است که با زرگان این سرما یسدهار لیبرال، مصادره وطنی کردن صنایع را توطئه شوم کمونیستها "میخوانند، چرا که مصادره وطنی کردن صنایع (نه آنچه که رژیم میکند) حقیقتاً توطئه ای علیه منافع امپریالیسم است! اینابر - این: از نظر ما مبارزه برای کسب آزادیهای دمکراتیک از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

آری، "دمکراسی" لیبرالها با دمکراسی واقعی مردم گمسه تنها در آزادی سیاسی خلاصه نمیشود، فرسنگها فاصله دارد. "دمکراسی" لیبرالها مانند شیرینی یا لودم و آشکم است. آنها از دمکراسی تنها چهره لوٹ شده آن را می شناسند.

۳- دمکراسی سیاسی، از دمکراسی اقتصادی جدا نیست.

نمی توان دمکراسی سیاسی بوجود آورد، بدون آنکه حقوق دمکراتیک اقتصادی برای مردم ایجاد شود. دمکراسی سیاسی تنها بر مبنای تامین رفاه اقتصادی زحمتکشان، رفع ستم ملی از خلقها، ایجاد حقوق و امکانات مساوی برای بهره برداری به نفع زحمتکشان، جلوگیری از غارت و چپاول بی حد و حصر دسترنج کارگران، برقراری ۴۰ ساعت کار در هفته، افزایش دستمزدها متناسب با هزینه زندگی، ایجاد کار برای بی -

در مقابل لیبرالیسم؛ ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرما یسدهار ما هیت ضد انقلابی لیبرالها و دروغین بودن فریادهای به اصطلاح آزادیخواهان آنها را توضیح دادیم. توضیح دادیم که آزادی از نظر لیبرالها در جامعه ما به معنی آزادی برای ساری با امپریالیسم است، گفتیم که نسیدهای "آزادیخواهان" آنها تبدیل لیل بخرافاتا دن منافعیسان توسط رقیب، بلندگوشته است و هرگاه همسارزه توده ها اوج گیرد، اینان خود به مهارزدن و سرکوب آن میپردازند. سرکوب کردستان و ترکمن محراد دوره نخست - وزیری با زرگان و ریاست جمهوری بنی صدر نیرگواه بارز این مدعا است. اکنون ببینیم که دمکراسی واقعی و آزادی حقیقتاً انقلابی چیست و مردم چه نوع دمکراسی را میخواهند؟ از نظر ما کمونیستها:

۱- مبارزه برای کسب آزادی از مبارزه برای استقلال جدا نیست.

حتما بارها شنیده اید که ما می گوئیم "مبارزه برای دمکراسی از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست" این جمله بیان کاملتر رابطه مبارزه برای آزادی و استقلال در جامعه نظیر ایران است.

چگونه میتوان با دهها قرارداد با رتسبار اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم جنایت - کار وابسته بود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا را حفظ و با سازی نمود و با آزادی سخن گفت؟ چگونه میتوان طبقه سرما یسدهار وابسته به امپریالیسم را در غارت و استشمار دسترنج کارگران و زحمتکشان آزاد گذاشت و با آزادی آزادی برای مردم زحمتکش سخن گفت؟ چگونه میتوان سلطه امپریالیسم بر میهن ما را که مستلزم سرکوب هر چه سخن تروشدید تر خلقهای ایسران است حفظ نمود و با آزادی سخن گفت؟ بظنر ما آزادی و دمکراسی واقعی در درجه اول به معنی آزادی از ستم امپریالیستی است که به خلق ما وارد میشود و این ستم امپریالیستی را نمیتوان از زمین بردمگوبیا قطع سلطه امپریالیسم از میهن ما که تنها با برقراری دولت کارگران و زحمت - کشان، مصادره وطنی کردن املاک و کارخانجات سرما یسدهار و وابسته به امپریالیسم، حذف صنایع زاندا امپریالیستی، نابود کردن ارتش دست پرورده امپریالیسم و جایگزینی آن توسط ارتش انقلابی خلق و... صورت میگیرد.

بنابراین برخلاف نظر لیبرالها، نمیتوان وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را حفظ نمود با منافع سیاسی امپریالیسم همسوئی نمود، بزرگترین خواست امپریالیسم معنی سرکوب کارگران و زحمتکشان را به اجرا آورد، ارتش دست پرورده آنها را رشد و گسترش داد، از طبقه سرما یسدهار وابسته به امپریالیسم پشتیبانی نمود و در یک کلام سیستم سرما یسدهاری وابسته به امپریالیسم را حفظ و با سازی کرد و با هم از

• کارگرو زحمتکشی که در زاغه ها بسر میبرد، نان شبش را نمیتواند در بیارود و صبح ناشام برای در آوردن لقمه ای نان این درو آن در میزنند، چه وقت، حوصله فراغت خاطر و امکان خواهد داشت که به مطالبه منبشیند، دارای عقیده ای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جا مع مشرکست کند آری تنها با تامین حد اقل رفاه اقتصادی توده های ستمدیده ما است که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود.

۲- دمکراسی حقیقتاً انقلابی، تنها در آزادیهای سیاسی خلاصه نمی شود.

اینکه فکر کنیم دمکراسی تنها به معنی آزادی بیان، عقیده و... است اشتباه کرده ایم. دمکراسی یک مجموعه ای از حقوق توده های انقلابی است که نه تنها شامل آزادیهای سیاسی (حق بیان و اندیشه و...)، بلکه شامل برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یا سبب ارت دقیق تر رفع ستم ملی بر خلقهای دیگر برقراری حکومت انقلابی دمکراتیک از طریق شوراها و مسلح کارگران و دهقانان و... است. اگر حکومتی بجای آنکه بطریق شورایی و با توسط کنگره خلق از "پاشین" به انکاء مردم حکومت کند، از طریق بوروکراتیک و از بالا و به دور از مشارکت مستقیم و واقعی مردم حکومت کند، دمکراسی موجود در چنین حکومتی ظاهری بوده و واقعی نیست. لیبرالها چنین "دمکراسی" را به خلق زحمتکش ما نوید میدهند، یعنی حکومت از بالا و بدون دخالت مستقیم مردم. بهمین دلیل است که لیبرالها دشمن سرسخت شوراها و واقعی هستند و آنها را "کمونیستها" میخوانند. و با زرگان و بنی صدهار همبها لکیهای لیبرالیسان بودن آنها و بالاخره "شورایی شورا" حرف میزدند آنها وحشت دارند که خلق ما از طریق شوراها و انقلابی، در اداره مملکت نقشی داشته باشد. لیبرالها میخواهند یک حکومت بوروکراتیک، قانونی (طبق قانون سرما یسدهاری) و با نظم و اداره (نظم و اداره سرما یسدهار) وجود داشته باشد و بهمین دلیل مردم را از دخالت در امور دولتی و مملکتی بر حذر میکنند و از "خلال شورا" های کارگری در مدیریت و تولید می نماند

کاران و تامین کلیه حقوق منصفی، رفع ستم مالکان و امپریالیستها از دهقانان و سپردن زمین به دهقانان، ملی کردن کلیه انحصارات بانکی، صنعتی و تجاری به نفع خلق و لغو قرارهادهای اسارتبار که تنها منافع امپریالیسم را حفظ میکنند... تا مین میشود. آری تنها با برقراری چنین رفاه اقتصادی است که میتوان از دمکراسی به معنی وسیع کلمه (دمکراسی سیاسی و اقتصادی) سخن به میان آورد. اما لیبرالها که برای فریب مردم، خود را "سینه چاک" دمکراسی و آزادی معرفی میکنند، کوچکترین برنامه و نقشه ای برای تامین منافع اقتصادی زحمتکشان و ایجاد دمکراسی اقتصادی ندارند (و نمی توانند) و اینک نشانه ها، و با لکس از آنجا که خود جزو طبقه سرما یسدهار ایران هستند هر چه بیشتر به فکر افزایش استشمار کارگران و زحمتکشان و پیر کردن جیب خودشان هستند بهمین دلیل است که بنی صدهار همبها لکیهای مرتب از "کار بیشتر"، "گوش بیشتر" و "افزایش تولید" و... سخن میگویند، ولی آنها کار بیشتر و تولید بیشتر برای سرما یسدهار را میخواهند آنها البته از "سازندگی" نیز سخن میگویند، اما سازندگی برای سرما یسدهاران، سازندگی برای ساختن آنچنان جامعه سرما یسدهاری است که طبقه سرما یسدهار ایران را غرق در پول سازد، آنها از آزادی اقتصادی نیز سخن میگویند، اما آزادی اقتصادی از نظر آنها، آزادی رشد سرما یسدهار خودشان، آزادی گسترش روابط با امپریالیسم و آزادی غارت بیشتر دسترنج کارگران و زحمتکشان است، براساسی جرایب لیبرالها تاکنون ذره ای از ضرورت و تامین منافع اقتصادی

۵- د مکراسی خلق ، د پکتا توری برای ضد
خلق است .

دموکراسی توده‌ای تنها رفاه دموکراسی و استقلال را برای توده‌ها به ارمان نمی آورد ، بلکه دیکتاتور برای خدا انقلاب نیز هست .
همانطور که تقسیم ما آزادیهای اجتماعی را خدمت برآزادیهای فردی می شماریم و از اینرو از آزادی هر نیروی خدا نقلایی که بخواد هدیه دموکراسی خلق ضربه بزند جلو گرفته و اورا سر - کوب خواهیم کرد ، بنظر ما نمیتوان دموکراسی واقعی را برپا کرد و آن را از تعرض و شوط نشسته امیریا لیسیم و خدا انقلاب مصون نگه داشت ، مگر سر آنکه با یگا هدا خلی آنرا نماند نمود ، ما معتقدیم که هر کس بر علیه منافع انقلابی خلق و بسرای تامین منافع امیریا لیسیم در ایران دست به فعالیت بزند ، با ییدر کوب شود از اینرو موافق سرکوب هر چه شدیدتر دارو دسته بختیار ، اوبسی سالار جاف ، بالیزبان ، روزگاری ، ملاکسان ، فتودالها ، طبقه سرمایه دار ایران و کلیه سر - سیردگان امیریا لیسیم و همدستان آن وسا یرضد انقلابیون هستیم از اینرو ممکن است عده ای بگویند که آنچه که مانیز میگوئیم دیکتاتور است ، پس چه

اعتصاب ... برای زحمتکشان و کلیه نیروهای خلقی ، تا مین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی برسمیت شناختن فعالیت آزادانه و مستقل - تنکیلات صنفی و سیاسی کارگران ، دهقانان ، خلیفها و کلیه نهادهای دمکراتیک ، آزادی خلقها در تعیین حق سرنوشت خویش ، تضمین آزادی سر - بازان و درجه داران تحت نظام ثورائی ، آزادی مطبوعات انقلابی و مترقی و آزادی دخالت در اداره کشور توسط انتخاب نمایندگان ثورا - های انقلابی خلق ...
آری ما در چها جواب این آزادیهای اجتماعی دمکراتیک است که آزادی فردی را برسمیت می - شناسیم ، ما فرد را بر اجتماع مقدم نمیدانیم و از اینرو آزادی فردی که منافع امیریا لیسیم توده - ها و اجتماع باشد پیدا مخلصیم ما کمونیستها آزادی بیان ، عقیده ، قلم و سایر آزادیهای فردی را در چها جواب آزادیهای اجتماعی قابل حمایت میدانیم به این ترتیب ما آزادی عقیده بیان و قلم برای فردی خدا نقلایی (نظیر بختیار و لیبرالها و ما لایم) را از آنجا که منافع امیریا لیسیم عمومی زحمتکشان میدانیم برسمیت نمی شناسیم

زحمتکشان ایران سخن نگفته اند؟ چرا ه - بر نامه ای به نفع مردم زحمتکشان برای - مسئله گراسی ، بیگاری ، فقر و فلاکت توده ها و ... نداده اند؟ چرا علی رغم برخی عوا نقریبی ها مانند دفاع از مستضعفان "کوچکترین قدمی در راه زحمت - گسان شوا نسته اند بردارند؟ آیا به جز این است که منافع آنان (سرمایه داران لیبرال) نه در نامین منافع زحمتکشان ، بلکه در تشدید استثمار آنها و تشدید فقر و فلاکت توده ها است؟ آیا به جز این است که آنها بنا به ما هیت ارتجاعی خود نمیتوانند کوچکترین قدمی در راه توده ها بردارند؟ آری به همین دلیل است که در سخنسنان "آزادخواهان" آنها سخن و بر نامه ای برای ما بین منافع اقتصادی زحمتکشان نیست و نمی تواند هما شد .

ما کمونیستها که بیگترین دموکراسی انقلابی را برای مردم مستعبد خدو نوبید میدهیم تا مین رفاه اقتصادی زحمتکشان را نیز جز - لاینفک تا مین آزادیهای دمکراتیک میدانیم چه معتقدیم اگر زحمتکشان ما در بدترین شرایط زندگی بسر ببرند ، آزادی بیان و عقیده و حق رای و غیره به چه در دشان میخورد ، کارگر و زحمت - گنی که در زاغها با سرمیبرد ، نان شیش را نمی - تواند در بریا ورد و صبح تا نام برای در آوردن لقمه ای نان این درو آن در میزند ، چه وقت حوصله فراغت خاطر و امکانی خواهد داشت که به مطالعه بنشیند ، دارای عقیده ای مستقل باشد و بتواند در امور سیاسی جا معه شرکت کند؟ آری تنها تا مین حداقل رفاه اقتصادی توده های مستعبد است که میتوان دمکراسی سیاسی واقعی را برقرار نمود .

۴- آزاد بهای اجتماعی برآزاد بهای فردی مقدم است .

بر خلاف تبلیغات لیبرالها و کلیه امیریا لیستها ما کمونیستها مخالف آزادی فردی نیستیم ، ما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم - ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم می شماریم چرا که تنها در بر تو آزادیهای اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود و در بر تو آزادیهای اجتماعی است که آزادی فردی مفهوم واقعی خود را پیدا میکند و استعداد های سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی شکوفا میگردد و ... ما آن آزادی فردی را که مخالف و منافی منافع اجتماع باشد ، ضد - البته که برسمیت نمی شناسیم فی المثل مسا آزادی دستجات لیبرالها ، دارو دسته بختیار و کلیه نیروهای خدا نقلایی و وابسته به امیریا لیسیم را برسمیت نمی شناسیم آزادی فردی که منافع امیریا لیسیم را در جهت آزادی بودن در هر نوع فعالیت خدا نقلایی در جهت همدستی با امیریا لیسیم شد انرا ما سر منافع زحمتکشان میدانیم ، و بیجوجه از آن حمایت نمی کنیم از اینرو ما بر سرای دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک ، عمدتا متوجه آزادیهای اجتماعی است ، مانند آزادی فعالیت گروههای انقلابی ، آزادی اجتماعات ، راهیابی

بر خلاف تبلیغات لیبرالها و کلیه امیریا لیستها ، ما کمونیستها مخالف آزادی فردی نیستیم اما مخالف همه نوع آزادی فردی هستیم . ما آزادی اجتماعی را بر آزادی فردی مقدم می شماریم چرا که تنها در بر تو آزادیهای اجتماعی است که دمکراسی سیاسی واقعی مستقر میشود .

فردی با دیکتاتور سرمایه داران وابسته به امیریا لیسیم دارد ؟ در جواب با یید بگوئیم اصولا دمکراسی برای همه انسانها نمیتواند بنا شد ، این فریادگاری بورژوازی و همان لیبرالیسم دروغین و ظاهری آنهاست ، ما می برسیم مگر خلق و ضد خلق انقلاب و خدا انقلاب منافع مشترکی دارند که دموکراسی بتواند برای هر دو آنها باشد حکومتی که ضد خلق میخواد ، دمکراسی دروغینی که لیبرالهای خدا نقلایی از آن دم می زنند ، همانطور که گفتیم دیکتاتور بر سرای کارگران و زحمتکشان است و متقابلا دموکراسی انقلابی که خلق بدنشال آن است ، مخالفت و دیکتاتور بر ضد خلق است .

۶- تضمین کنند هد مکراسی تسلیح مستقیم تود هاست .

گفتیم که حفظ دمکراسی برای خلق ، مسلط سرکوب ضد خلق است از نظر ما کمونیستها ، حفظ دمکراسی و حاکمیت مردم تنها از طریق برپا - داشتن ثورا های مسلح کارگران ، دهقانان ، سربازان و ... ممکن است . با یید بجای سلسله مراتب در ارتش ثورا های سربازان برقرار شود با ییدر کارخانه ها ، مزارع و روستا ها و خلاصه همه جا ثورا های مسلح خلقی وجود داشته باشد تا بتوانند در بر ارتجا وزات امیریا لیسیم و ضد - انقلاب داخلی ، به دفاع از انقلاب و حکومت انقلاب و دمکراسی توده ای برخیزند و توطئه های امیریا لیسیم و ارتجاع را درهم شکنند ، اما لیبرالها

اما از نظر لیبرالها "آزادی فردی" ضد انقلابیون باید نامین باشد ، فی المثل بختیار نیز باید آزاد باشد که فعالیت کند (نگاه کنید به - نظرات بازرگان و مدنی در باره بختیار که می - گفتند ، به عقیده آنها و فسر دلایق و ما دقسی است و با یید حق با زکشت به کشور را داشته باشد) از نظر لیبرالها ، آزادی فردی برسمیت شناخته میشود ، منتها به شرطی که نظم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسیم جور ندهد و قرا رنگیر لیبرالها برای آزادی فردی سینه جاک میکنند ، اما آنها از آزادی انقلابیون و کمونیستها و آزادیهای اجتماعی به نفع زحمتکشان بیزارند ، آنها از منحل شدن اطلاعات کور کورا نه در ارتش و ایجاد سیستم رهبری انتخابی در ارتش ، ایجاد دشورا های انقلابی سربازان و ... بیزارند ، از وجود ثورا - های واقعی کارگری که منافع آنان را بخاطر می اندازد بیزارند ، از برسمیت شناختن آزادی حق تعیین سرنوشت برای خلقهای کرد ، ترک ، عرب ، ترکمن ، بلوچ و ... بیزارند ، از آزادی گروههای انقلابی ضد سرمایه دار (کمونیستها) بیزارند از فانون شکنی آنها (عدم وفاداری کمونیستها به قوانین ارتجاعی و بورژوازی) بیزارند و خلاصه از هر چه که منافع آنان را به خطر بیندازد ، بیزارند آنها از حالت فرده دفاع میکنند ، آنها فردگرایی را تسلیح میکنند ، چرا که حیانتان در گروه مالکیت فردی (خصوصی) بر سرمایه و وسائل تولید است ، چرا که اگر مالکیت فردی فلان سرمایه دار را زکارت خا نه بر چیده شود ، منافع آنان برود .

پیکار

بقیه از صفحه ۱

اینک مدت نسبتا طولانی است که یکبکترین نیروهای جنبش کمونیستی ما به برکت یک مبارزه ایدئولوژیک نسبتا فعال، ترهاشی نظیر سا زمان واحد، اشتلاف، مبارزه ایدئولوژیک - همکاری و... را در کرده و امروز دیگر کسی نیست که حد اقل در حرف و صریحا از چنین ترهاشی دفاع کند. دیدگاه اشتلاف که زمانه طرفداران پروپا قرصی داشت و تکرش مشخصا راست و انحلال طلبانه از وحدت جنبش کمونیستی را عرضه مینمود و جلوه های آن، "کنفرانس وحدت"، "دانشجویان مبارز"، "تشکیلات دوران گذار" بود، هم اکنون در عرصه مبارزه ایدئولوژیک کاملا بی اعتبار گشته و در عرصه عمل کاملا به بن بست رسیده و ورشکسته شده است.

تجربه این دوساله به اندازه کافی نشان داد که چنین دیدگاهی تا چه اندازه سودمانعی در راه وحدت کمونیستها ایجا نکرده و چگونه در مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت جنبش کمونیستی اخلال می نماید، این تجربه همچنین نشان داد که وحدت نیروهای جنبش کمونیستی فقط از کاتالیک مبارزه ایدئولوژیک مستمر و پیگیر حول مسائل تئوریک و عملی انقلاب و در متن پراتیک انقلابی حاصل میشود.

ما با چنین درکی از وحدت جنبش - ل و با علم به اینکه در بسیاری از مسائل اساسی انقلاب وحدت داشتیم، برای حل مسائل مورد اختلاف و تدقیق مسائل اساسی وارد در پیروسه مبارزه ایدئولوژیک درونی برای دستیابی به وحدت شدیم، طبیعتا می بایست چه مسائلی که در کلیت خویش مورد توافق بود چه مسائلی که محل ابهام یا مورد اختلاف بود، دقیقا و بصورت همه جانبه ای به بحث و بررسی بگذاریم. پراتیک دوساله اخیر بهترین زمینه ای بوده که مسائل سیاسی و ایدئولوژیک را نه بر اساس آنچه که دعا میشود بلکه بر اساس آنچه در عمل تحقق یافته است، مورد ارزیابی و برخورد قرار دهیم. این مبارزه ایدئولوژیک که بیش از ۶ ماه بطول انجام میدنفتش مثبتی در نزدیک نمودن دیدگاهها ایفا نمود.

البته ما هیچگاه با این درک حرکت ننمودیم که وحدت خویش را بابت و گفتگو و تحقق بخشیم. همانطور که گفتیم پراتیک گذشته و بخصوص شرایط متحول جامعه و جنبش که نیروها را در مقابل تندبیبچه ای سخت و تعیین کننده ای قرار میدهد، خود زمینه وحدت ما را در بسیاری از مسائل اساسی نشان داده بود. ما نمی بایست و هرگز هم اصولی نبود که در باره مسائل اساسی تئوریک و نظرات پایه ای به بحث و گفتگوی درونسی نشسته و بخواهیم از این طریق به وحدت برسیم علاوه بر مباحث عمومی سیاسی - ایدئولوژیک مسائلی چون ماهیت طبقاتی هیات حاکمه، قضیه سمارت، مسئله جنگ و... از جمله مسائلی

اعلامیه وحدت گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (پیکار خلق)



بودند که به بهترین وجهی وحدت یا اختلاف ایدئولوژیک سیاسی ما را نشان داده و بعنوان محکی در ارزیابی ما از مباحث سیاسی - ایدئولوژیک در عمل قرار میگرفت. طبیعی بود که هرگاه، مثلا در جنگ اخیر اختلاف اساسی بین ما بوجود میامد، از آنجا که این اختلاف جلوه ای از اختلاف در مباحثی بشمار میرفت، دیگر ضرورتی در پیگیری و ادامه مبارزه ایدئولوژیک درونی برای وحدت نبود و کاتالیک به مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی مرتبط میگفت. ما معتقد نبودیم و برای این اساس نیز حرکت ننمودیم که با اعتراف به یکسری از مواضع وحدت خویش را صورت بدهیم. ما از این نقطه حرکت ننمودیم که برنا مه و خط مشی و آن مباحثی سیاسی - ایدئولوژیک که می بایست یا به وحدت قرار گیرد، در عین حال میبایست در طول یک پروسه لازم و در جریان پراتیک انقلابی، مجموعا انطباق خویش را نشان داده و یا از طریق یک انتقاد دریشه ای و اساسی زمینه نزدیکی و وحدت فراهم شده باشد.

با حرکت از درک فوق از مر وحدت، ما وارد در پیروسه مبارزه ایدئولوژیک درونی و در عرصه های سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی شدیم. در این مسیر علیرغم اینکه ما اختلافات مشخصی در زمینه ارزیابی از حرکت آینده خرد بورژوازی مرفه و برخی اختلافها در چگونگی و پرنسب همکساری بین نیروهای جنبش کمونیستی داشتیم، اما مسابدلایل فراهم بودن زمینه های اساسی وحدت و با توجه به اینکه در مبارزه ایدئولوژیک نیز دیدگاههای ما در زمینه های مورد اختلاف به هم نزدیک شده بود، وحدت را ضروری دانستیم و آن اختلافات را مانعی در جهت وحدت تلقی ننمودیم و آن را به مبارزه ایدئولوژیک درونی در سازمان پیکار محول نمودیم.

قابل ذکر است که در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی ما زمان پیکار (بصورت برخوردهای دوطرفه) و مبارزه ایدئولوژیک درون گروهی، رفقای پیکار خلق به انتقادات مشخصی از گذشته خویش دست یافته و تحلیلی از این انتقادات در آخرین نظرات درونی خویش ارائه نمودند. این رفقا در تحلیل خویش به بررسی راست روی (انحراف راست) در فعالیت خارج از کشور (بصورت ارائه تز نیمه مستعمره - شبه فئودال و شرکت نداشتن در

پراتیک مبارزات انقلابی داخل کشور) و انحراف راست اکونومیستی در داخل کشور پرداخته و آن را مورد انتقاد قرار دادند. جلوه های انحراف اکونومیستی و انحلال طلبانه رفقا در مسئله دانشجویان مبارز - هسته های کارخانه، قبول موقتی تشکیلات دوران گذار و بحران درونسی گروه تبار یافته بود.

مباحثی و مباحثی ایدئولوژیک - سیاسی این وحدت عبارت بودند از:

- ۱- مبارزه با رویزیونیسم مدرن
- ۲- رد تزارتجائی و رویزیونیستی سه جبهه ن
- ۳- رد تروتسکیسم
- ۴- رد مشی چریکی
- ۵- قبول تز سوسیال امپریالیسم بعنوان یکی از مباحثی وحدت و عضویت
- ۶- دیدگاههای وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر
- ۷- ساخت جامعه - آرایش طبقات، مرحله انقلاب بزنا مه حد اقل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران و جمهوری دمکراتیک خلق
- ۸- مباحث تاکتیکی و مشی مبارزات سیاسی و ارزیابی از احزاب بورژوازی
- ۹- ماهیت بورژوازی و ارتجائی هیات حاکمه
- ۱۰- اساسنامه

در مورد ادغام تشکیلاتی، بعد از مبارزه ایدئولوژیک بر سر مسئله معیارهای عضویت موقع سازمانی، رفقای پیکار خلق بر اساس معیارهای سازمان پیکار در کمیته مشترکی که از نمایندگان دوطرف تشکیل شده بود، بر اساس توافق طرفین مورد ارزیابی قرار گرفتند و در تشکیلات سازمان پیکار سازماندهی شدند.

گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (پیکار خلق) سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۵۹/۱۰/۱۶

خبری از خرمشهر

اخیرا شرکت ایران و ژاپن که بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر کارگر و کارکنان را به ۸۰٪ کارکنان خود احکامی مبنی بر مرخصی اجباری داده است مدت این مرخصیها تا محدود بوده و در احکام مزبور صحبتی از پرداخت حقوق و مزایای کارگران نشده است. همچنین روسای این شرکت از کارکنان خواسته اند تا کمپنها را تخلیه کنند و این در حالیست که اغلب کارکنان این شرکت که از اهالی آبادان و خرمشهر هستند، خانواده های جنگزده خویش را به کمب مذکور آورده اند. صدور این احکام با اعتراض و مخالفت کارکنان مواجه گردیده است.



پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

شیراز: آوارگان دست به مبارزه میزنند

گروهی از آوارگان مستقر در شیراز، در جاده‌های اسکان یافته اند که اکثر آنها سوراخ و باره هستند و به همین جهت هنگام مرزبانان داخل و خارج جادرتناوتی برای آنان ندارد. آوارگان مستقر در شیراز همچنان از نظر مواد غذایی و یونانگ نیز در وضعیت هستند. برای اعتراض به وضع نامساوی حاکم بر اردوگاه آوارگان، نوددهای جنگزده روز ۲۲ آذرماه دست به تظاهرات اعتراضی میزنند که زطسرف باسداران ارتجاع سرکوب میشود. مبارزه آوارگان جنگ وافتکاری کمونسنتها و نبروهای انقلابی عوامریبهای جمهوری اسلامی را که تحت فشار بوده‌ها "سرحم" دروغین حمایت از آوارگان را بلند کرده، پیش اربین افشا میکند.

اخبار جنگ

ارتش جمهوری اسلامی و موشک سام شوروی

اخیرا ارتش جمهوری اسلامی به موشکهای زمین به هوای سام ۳م ساخت سوسیال امپریالیسم شوروی مجهز شده است. این موشکها ۲۶۰ هزار تومان قیمت دارند و پس از یکبار تیراندازی فقط "حکامنده" آن میماند که برای استفاده مجدد با بدرونه شوروی کردند. رژیم جمهوری اسلامی همزمان با خرید سلاح از امپریالیستهای غربی خود را به سلاحات ساخت شوروی نیز مجهز می نماید تا بین از بین این واقعیت را که حفظ منافع طبقاتی ارتجاع "همشرقی و هم غربی" را می طلبد انبیا نماید.

باز هم مصیبتهای جنگ برای زحمتکشان

ادامه جنگ ارتجاعی بین رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق برای زحمتکشان جز فقر و بدبختی نصیب دیگری نداشته است. اخیرا استاندار چها رحمال بختیاری به کلیه "شوراها" روستاها (شوراها) ابلاغ کرده است که "بخلت موقعیت جنگی کلیه برنامهای عمرانی قطع شود". رژیم جمهوری اسلامی برای تامین هزینههای جنگ خانمان برانداز، آن مقدار جزئی کار عمرانی را هم که برای عوامریبسی در برنامهای قرار داده بود حذف مینماید. مهم آن است که منافع سرما پیداران حفظ شود که در این جنگ هم محفوظ است. از "گورنگ" ۸ نشریه هوا داران سازمان در حیا رحمال بختیاری (با اندکی تغییر)

آوارگان جنگ مسبب در بدریشان را می شناسند

هر چه از آغاز جنگ ارتجاعی دور میشویم، ماهیت فریبکارانه و ارتجاعی رژیم چموری اسلامی، بهتر و بیشتر بر ای توده های جنگزده افشا میشود. روز هجدهم ماه گذشته، باسداران ارتجاع در دادامساست سرکوب دانشجویان انقلابی، به خوابگاه دانشجویی در خیابان "نجات اللیسی" حمله کردند و کوشیدند بیانه فریبکارانه "اسکان آوارگان جنگ" را ختمان را در اختیار گرفته و دانشجویان را بیرون بریزند ولی با مقاومت دانشجویان مواجه شدند و طبق معمول به اسلحه بیامیرند که آنهم کاری از پیش نبرد! بعد از ظهر همان روز "کمیته" های مرتجع با توافق یک خانواده آواره جنگ مجدداً به خوابگاه برگشتند و گفتند "اطاقهای خالی را برای اقامت آوارگان در اختیار ما بگذارید" دانشجویان ضمن افشای ماهیت رژیم خانه خانواده جنگزدهان توضیح دادند که چگونه ارتجاع میگوید وجود آنان سوا استفاده تبلیغاتی نماید، زن زحمتکش آوارهای با سخ دادگه "ما قبلا چند بار به "کمیته" مراجعه کرده و هر بار سرمان به سنگ خورده بود. به همین جهت مستقیما با یکی از دانشجویان تماس گرفتیم و گفتند که ما نمیتوانیم اطاقهای در اختیار ما بگذارند و الا آن هم در بین راه، اینها (آواره به کمیته) ها همراه ما راه افتادند و ما کلاما به هدف اینها آگاهیم. "اینها اگر میخواهند بیسه

راهپیمایی زحمتکشان به بیان در اعتراض به گرانی

با شروع جنگ غیر عادلانه کنونی علاوه بر شدت گرفتن بیکاری و گرانی، خانه خرابی و در بدری نبره مشکلات زحمتکشان افزوده شد. زحمتکشان بر اثر "برکت" این جنگ حاصل یک عمر خود، یعنی خانه و زندگی و کارمان را از دست دادند. رژیم به تنهایی به این زحمتکشان هزینه ای بابت زندگی نپرداخته بلکه هر روز قیمت اجناس را افزایش داده و با رنگین تمام عوارض جنگ را بر دوش زحمتکشان اندخته. (انتظاری که از رژیم ضد خلقی میرفت) اما زحمتکشان کس در زندگی روزمره بی برده اند رژیم می آتپسا نیست و دارونداشان را به دود آتش سپرده، میزاید اعتراض خود را در همه جا بلند کرده اند. در حدود ساعت ۹/۳۰ صبح روز ۱۵/۱۰/۵۹ عده ای حدود ۲۰۰ نفر از زحمتکشان آواره و بومی به بیان بعنوان اعتراض به گرانی قیمت روغن دست به تظاهرات زدند و بسوی فرمانداری رفتند. آنان در طول راه شعارهای "روغن ۲۹ تومان کرونه، گرونه" "مرک برکرا نفروش مرک بر سر ما بدار" را میدادند. تا اینکه به فرمانداری شهر رسیدند، باسداران سرما به با سلاحهایشان

درفرمانداری را بروی مردم بستند و میگفتند: "فرماندا را اینجا نیست". زحمتکشان در جواب شعار "فرماندا رتسوجرا افرا کرده" را دادند و دست به افتاکری میزنند. زن مسنی میگفت: "اینجا پدرم را در آورده اند، هرچی کمک که مردم میفروشند خودشان غارت میکنند، او زن رژیم در بدو اینها هم مثل اونها دزدند". زن زحمتکشی دیگری که بچه شیرخوارش در بغل اش بود میگفت: "اینجا همش پشت را دیو و تلویزیون هی تبلیغ میکنند، اینقدر آونقدر کمک برای مردم فرستادیم، ما که پدرمان در آمد پس گواون چراغ نفتی، کویستوتوی این سرما، چرا اینقدر دروغ میگوئید. "بیر مرد عربی که بدرستی فارسی نمیدانست ادا مه داد "مگر ما چه گناهی کردیم و نظرفر ما دستورمان بچس می ریزه، اینطرف هم اینا بمون فحش میدن". زحمتکشان به بیان نشان دادند که دیگر اینهمه، فشار گرانی و... را تحمل نخواهند کرد و این طلایع اعتراضات وسیع آینه بر علیه گرانی و بیکاری و... خواهد بود. بنقل از خبرنا مه جنگ ۱۲ (کمیته خوزستان)

مشکل آوارگان رسیدگی کنند در شیراز رژیم با بیان آب ساز نمیگردند، به آنها توهین نمی کردند. در اصفهان با آنها بد رفتاری نمی کردند و... و "اینها بفرمایید مشکلات نیستند الان در شهرستانها آوارگان در خطر انواع بیماریها هستند و دولت کوچکترین اقدامی نمیکند". دانشجویان توضیح دادند که با وجود هزاران

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

تظاهرات و راهپیمایی جواب آوارگان به تبلیغات دروغین رژیم

در ماه شهر

در روز ۹/۲۷/۹۵ در کتب "ب رژیم مثل همیشه رحمتگان و آواره لوبیای فاسد و کندیده میدهد، بطوریکه کلیه کسانی که آنرا خورده بودند دچار مسمومیت میگرددند. در همین روز و روز بعد ۹/۲۸/۹۵ در حالی که باران شدید نیز باریده بود آب و برق کمب نیز از طرف مسئولین قطع میگردد این مسائل موجب برجستگی بیش از پیش بدبختی و رنج و درد آوارگان میگردد.

در روز ۹/۲۸/۹۵ نما بندگان هر ردیف (L-Q) ساعت ۱۱ برای تحویل گرفتن غذا به آشپزخانه میروند و مطلع میگرددند که جیره آوارگان خالی است، با صورت تمهیم میگیرند هر نما پنده به ردیف خود برکنشته و مردم را برای گرفتن جیره بطرف آشپزخانه روانه کنند. مردم از هر طرف بسوی آشپزخانه آمدند، آنجا خشمگین و ناراحت میگفتند "آب و برق را که قطع کرده اید، غذا هم کله لوبیای فاسد و ناسازگار خنک میدهید، پس بکوشید که میخوایید ما را به گشتن بدهید." عده ای می گفتند: "در آشپزخانه را با زنجیر تا خودمان کار کنیم"، مسئولین در مقابل اعتراض مردم خشمگین که در حال اوچگیری بودند صریح میدانند سکوت کنند. مردم خشمگین شروع به داد و نثار "عالی پور، عالی پور، عالی پور" می کردند "عالی پور مسئول آشپزخانه کمب است" "جیره حق مسلم ما است" نمودند و سپس دست به راهپیمایی زدند تا به خیابان اصلی کمب "بازرسند، جمعیت حدود ۳۰۰ نفر بود که همه یکمدا فریاد میزدند "سوارها آواره، نان، مسکن، آزادی"، "آواره، آواره، آواره" قطع جنگ است، ران در حالیکه جبهه های کوچکشان را درینفداخته و عده ای طرفهای خالی غذا را بر سردست گرفته بودند، بطرف در

جاهای برسی مثل جیرفت میفرستند که هر بلائی بتوانند سرمان بیاورند و کسی نفهمد و اگر لازم هم نباشد رگبار میکنند.

مردوران کمب که اوضاع را "نما عدا دیدند با تهدیدات و خالی، خوا بگا را تشرک کردند. موقع رفتن آنها، خانواده جنگ سزده کمب که الان میروند و در روزنامه های می - نویسنده دانشجویان آوارگان را راندند (۱) و روشن تبلیغ میکنند!

سرا و جکیرنده مبارزات و فعالیت آگاه هکرانه کمونیست ها و نیروهای انقلابی، خودها را بیشتر و بیشتر آگاه خواهد کرد و آنگاه که جنبش صحنه های زیبایی که مردوران ارتجاع بزدلانه راه فرار را پیش میگیرند زیرا دتروزیبا دسترس خواهد شد و وطن فریادها ی خشم توده ها محکمتر و موثرتر حین باد!

پای صحبت زحمتکشان آواره

اصهان

دروانتی که بطرف خوابگاه ها دانشجویی دانشگاه صنعتی اصفهان میرفت عده ای از آوارگان با هم به محبت نشستند. زنی میگفت "ما آواره ها با یکدیگر اتحاد نداریم، هنگامیکه سرد آب سرد را قطع میکنند اعتراض نمیکنیم و تازه بعد از چند روز فکر میاقتیم که راستی آب سرد را قطع کرده اند. ما همه آواره ایم، از یکجا آمده ایم و یکجور بدبختی و ظلم بر ما میشود. ما با پدیا هم متحدیم، ما با کریم هم متحدیم، ما با دلشان بخواد هم بر ما میاورند."

زن دیگری میگفت: "خوابگاه هیرشده از جاسوس، اصلا نمیشود حرفی زد، نا حرفی میزنیم به گوش نیابتی (معاون استانداری که در دفتر امدا دخوابگاه همیشه حضور دارد) میرسد، اینقدر جاسوس دارند که نیابتی گفته "من از هرلقمه ای که شما میخورید خبردارم" تا رگهای یک نفر را به جرم مخالفت با رژیم و شاعر نویسی گرفته اند مگر ما آزادی نداریم، آزادی عقیده با وجود داشته باشد، از روزی که آوارگان روی کسار آمده اند و وضع ما بدتر شده هر روز که میگذرد ما بدبخت تر میشویم" و با عصیان نسبت به رژیم حرف میزد، در ادامه گفت: "نیابتی به من میگوید: "سرتوشن با لای ۱۵ سال است باسد خوابگاه را ترک کند، در غیر اینصورت بنا به تعهدی که داده ای با خانواده مجبور به تشرک خوابگاه میبانی" من حاضر به ترک این محل نیستم، چرا که این ساختمانها با خون و عرق ما مردم بدبخت یا لارفته و گرنه اینها (نیابتی و خراسانی) که کارهای نبودند، دانشگاهها عرق مردم زحمتکش یا لارفته و چون مال خودمان است حاضر به ترکش نیستیم، زن دیگری ادا مهاد:

حروخی کمب حرکت کردند، تمهیم گرفته شده نزد فرما ندا در سر بندر بیرون جمعیت در حالیکه یکسره شعار میدادند بطرف سر بندر حرکت کردند در سر بندر "شعار" اتحاد، اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد و آواره، آواره، خواهان قطع جنگ است را میدادند، تعدادی از آوارگان مستقر در سر بندر شریه حفر هیما بان پیوستند.

جمعیت در باغ سپرداری توقف کرده و سه نما پنده برای صحبت با فرما ندا را انتخاب کردند فرما ندا را بن نما پنده و محوری رژیم حسیوری اسلامی نما بندگان مردم را "اخلالگر" و "تهد انطباق" خوانده و آنان را بعنوان نما پنده مردم تنول میکنند!! (حتما خودی را نما پنده مردم میدانسته)، یکی از نما بندگان این مسئله را به اطلاع مردم میرساند و مردم با نما پنده آواره نما بندگان از این عمل فرما ندا ربه خشم آمده و با شعار "فرما ندا را بدجواب بگویند" به سرد فرما ندا میروند و به این ترتیب توطئه فرما ندا و پادشاه که قصد تفرقه افکنی بین مردم و نما بندگان را داشتند را نقش بر آب میکنند.

فرما ندا رژیم ما نند همه سردمداران رژیم همان سیاست همیشگی را بازی کرده و با گفتن این که "ما کمبودا مکانات داریم"، "با پند جیرفت بروید، از غذا و بهداشت خبری نیست" خیال خود را با صلاح راحت کرده و جمعیت را ترک میگویند.

جمعیت با شعار "فرما ندا رفتاری باسد جواب بگویند" مشت محکمی بر دهان آقای فرماندار و دیگر مسئولان رژیم میکوبند، بخشدا ربا درمیانی میکنند تا بدیای یکسری موعظه ها خشم مردم را فرو نماند و طبق معمول به جنگ و... متوسل میگردند که با زهمی تا نرسود و ناچار میشوند خواسته های آنان را قبول کرده و بطور کتبی بپذیرند که سه نما پنده، منتخب مردم هستند و قرار مینودا هالی کمب ۲ نفر دیگر نیز انتخاب نمایند تا این ۵ نفر بر ارتوزیع غذا، پوشاک ا مور بهداشت و... نظارت داشته باشند، آوارگان بعد از این پیروزی که دستاورد اتحاد و مقاومتشان بود از بخشدا ربا برای بازگشت به کمب وسیله نقلیه گرفته و با شور فراوان به کمب باز میگردند.

نقل از فریاد آوارگان شماره ۹
کمیته خوزستان

بقیه از صفحه ۱۸ بنی صدر

قدرت بخرد، ادعای دروغین او تنها برای تکبیردن بقدرت است و نه برای توده های مردم کارنا معوق کوشه کوچکی از خاستهای اوست او هرگز قابل اعتماد نبوده و نمی تواند باشد. بنی صدر متحد دوست امیریا لیستها و دشمن رحمتگان است و با پنده همچون دشمن با او و همپالکی هایش برخورد شود.

"سازمانی بنام بیگار رتسره ای (ندای آواره از کمیته اصفهان سازمان) بخی کرده که همه اش در باره وضعیت ما آواره های دانشگاه نوشته، خیلی خوبست تا مسائل را با زبک کرده، از بد بودن وضع غذایی که همین نون و پنیر میدهند و تمام چیزهای نوی دانشگاهها نوشته تنها اینها هستند که بفکر ما میباشند به قربان سازمان بیگار".
بنقل از "فریاد آوارگان" (کمیته خوزستان)

مبارزه علیه جنگ و ابره اهرمنی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۹ بنی صدر ...

● از طرف حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ، کاندیدای نمایندگی مجلس خسرگان میشود و با تهیه پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مستقیم در تدوین قوانین فدا نقلی بسر علیه زحمتگشان ایران دارد. بعدها در جنگ قدرت با حزبی ها او با رها تا کید میکند که به ولایت و فقیه ایمان دارد و بدین رای مثبت داده است .

● پس از اشغال لانه جاسوسی ، به وزارت امور خارجه منصوب میشود و چون کوشش برای آزادی کروگانهای جاسوسی بود امیر لیسیم آمریکا شکست میخورد ، استعفا میدهد .

● او که پس از ورود به ایران کوشیده بود حتی المقدور در ریشت پرده سادات مسرمد شرکشان را در اقدامات جنایتکارانه دولست با زرگان نشینند ، بالاخره با فریفتن توده ها ، دامن زدن به توهم آنان به ریاست جمهوری انتخاب میشود .

● او پس از انتخاب سریعاً شروع به بازسازی سرمایه داری وابسته میکند و در نتیجه دروغها و عوامفریبی های بیش از پیش آشکار میشود . او بیش از این دم زانقتضا دوحیدی و مخالفت با سرمایه داری میزند تا توده ها را کول بزند ، اما تمام سیاستهای اقتصادی همواره در جهت حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته به امیر لیسیم بوده است .

● او همواره و بخصوص پس از ریاست جمهوری به دفاع ، تحکیم و بازسازی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی پرداخته است ، پرسنل انقلابی ارتش را محکوم کرده و از سلسله مراتب ارتجاعی ارتش که در حقیقت یادگار مستشاران آمریکائی است ، حمایت کرده است . او از فرماندهان ارتش شاه خاش یعنی فلاحیها ، ظهیرنژادها و با فریها دفاع کرده و حتی کوشیده است تا افرادی چون باقری و دیگر کودتاچیان ارتش را از زندان آزاد کند و همچنین به خرید سلاح از امیر لیسیم - ها برداشته و در یک کلام کوشیده است ، ارتش دست برورده آمریکا را که در قیام بهمن ۵۷ ، ضربه دیده بود ، بازسازی کند .

● او فعلاً لانه به سرکوب خلق قهرمان کرد پرداخت و قواحت را به آنجا رساند که در سخنرانی به مناسبت سالروز زوم جمهوری اسلامی در فروردین ۵۸ گفت : " از همین لحظه ارتش حق ندارد بویمن از پای درآورد ، مگر آنکه آن خطه را وجودا یمن با غیبا (منظور خلق دلاور کرد و بیسمرگنگان قهرمانش است .. پیکار) پاک کند . " خطه ...

● جنایات بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی را در کردستان هرگز فراموش نخواهد کرد . ● بفرمان او و دیگر جنایات بنی صدر ، ارتش ضد خلقی ، ترکمن صحرا را به خون کشید ، او با یمن جنایات را تنها " در مدقنا طبعیت " خویش اعلام کرد ، در مورد جنایات فجیع شرور زهربران خلقی ترکمن ، بنی صدر و قیحا نه اعلام کرد ، آنها نباید ترور میشدند ، بلکه باید در پیدا دکا جمهوری اسلامی محکوم به اعدام گشته و فانونا شیربازان

میشدند .

● او نیز در کنار حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی مسئولیت مستقیم جناحیت " اول اردیبهشت " در دانشگاه های ایران که دهها دانشجوی کمونیست و انقلابی کشتار شدند را دارد ، و فردای کشتار خونین دانشگاه در سخنرانی در دانشگاه تهران اعلام کرد ، این اولین روز رسمیت و قانونیست جمهوری اسلامی است آری از نظر بنی صدر ، کشتار دانشجویان انقلابی به جمهوری اسلامی رسمیت میبخشد .

● او مدافع علنی و مستقیم امیر لیسیم است ی اروپائی وزاین بوده و علناً از این امیر لیسیمها دفاع کرده است ، او غیر مستقیم نیز بارها از امیر لیسیم آمریکا دفاع کرده و کوشیده است تا منافع امیر لیسیم را در ایران حفظ کند . در اینجا لازم است بگوئیم ، برخی از مشاوری بنی صدر ، رویزویستیهای خاشن سهجها نیها هستند و اساساً سیستم فکری او در ارتباط با مقوله دوا بر قدرت و اتحاد با امیر لیسیمها ی اروپائی ، از نظرات سهجها نیها تا نیز پذیرفته است .

● او شدیداً به فدیت با نیروهای انقلابی پرداخته است تا کمیک خاشنانه قطع سلاح او ، که می خواست نیروهای انقلابی را وادار به پذیرش حرکت در چارچوب قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی بکند و نظام سرمایه داری وابسته را به رسمیت بشناسد ، هدفی جز سرکوب نیروهای انقلابی نداشته است . او در اسفند ۵۸ ، خاشنه به خواهم گوید و هیچ شاعر فی با شما نخواهم داشت . " (بنی صدر این سخنان را بلافاصله پس از کشتار رگنیدا ظهار داشت) .

● او نه تنها با حق تعیین سرنوشت خلقهای کرد ، ترکمن و ... مخالفت کرد ، بلکه در ارتباط با سرکوبی شکلهای توده ای کارگران اظهار داشت " شورایی شورا " ، بدین ترتیب ما هیئت ضد کارگری خود را یکبار دیگر ثابت نمود او تحت عنوان حمایت از " تخصص " ، کوشیده است ، تا سرسیردگان رژیم پهلوی و مدبران با تجربه زمان شاه را برای بازسازی کامل سرمایه داری وابسته بکار بکشد .

● بنی صدر در سخنرانی اش در خزان ، اسفند ۵۷ به کارگران میگفت : " کارگران هستند که نشان با بیسی کولا میخورند و ما میدانیم که خیلی ضرر دارد (!) ولی شما کارگرها بدانید ، فلان سرمایه دار که هفت رنگ خورشت میخورد ، چون خورشت بر جرسی است ، بضرتر از آن و بیسی است (!) " یعنی بنی صدر کارگران را گول میزند و با عنوان اینکه غذای کارگرها از غذای سرمایه داران کمتر ضرر دارد ، میکوشد به کارگران بقبولانند که همان نان و بیسی خودشان را بخورند و برای بهیچ وجه زندگی رقب با خود نکوشند . بنی صدر عوامفرب به کارگران میگوید شما علیه سرمایه داران خونخوار مبارزه نکنید و سیستم سرمایه داری را نبودن سازید ، چرا که او مدافع خونخواران و دشمن زحمتگشان است .

● او نه تنها با اعدام ، سرسیردگان رژیم شاه خاشن مخالفت میکرد ، بلکه کوشید تا برخی از عناصر خاشنی که ارتباطشان با امپریالیسم دیگر کاملاً آشکار شده بود را نیز آزاد کند ، از جمله او میناچی و خسرو قشقاچی ، این خاشنین به خلقها را از زندان آزاد کرد و از امیر لیسیم ، مدنی و قطب زاده حمایت نمود .

● بنی صدر دوست احسان نراقی ، برنا مهریزو ایدئولوگ حزب رستاخیز و زهره های حساس رژیم سرمایه داری وابسته شاه خاشن بود ، احسان نراقی با کوشش بنی صدر ، پس از قیام از زندان آزاد شد و اکنون یکی از مشاوری بنی صدر میباشد . طبیعی است که مشورتیهای نراقی با او ، در جهت بازی و مساعدت به بنی صدر در راهبردهای برای وابستگی بیشتر به امیر لیسیم است . بنی صدر با رفتار با صلاح محبت آمیز نسبت به خاشنی مثل دکتر نراقی در واقع ناخاشنی را که در رژیم گذشته از او قرض گرفتند است به او پس میدهد . بنی صدر حبیبی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه ادبیات تا کرد و دستیار احسان نراقی بودند . نراقی برای هردوی آنها بورس تحصیلی در فرانسه را درست کرد . که تا سالها بعد از نراقی در فرانسه بیره مند بودند ، احسان نراقی مشاوری عالیرتبه ساواک و نیز نماینده ایران در یونسکو بود ، نراقی هرگاه از فرانسه در میشتد مهمان بنی صدر بود .

● او صاحب امتیاز نشریه لیبرالی و ارتجاعی انقلاب اسلامی است که به سود امیر لیسیم و علیه کمونیستها مرتب تبلیغات میکند .

● بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا ، مسئول مستقیم کشتار زحمتگشان در سراسر ایران و بخصوص کردستان بوسیله نیروهای ضد خلقی انتظامی جمهوری اسلامی است و پس از جنگ ایران و عراق نیز ، بنی صدر همیای دیگر رهبران دولت های ایران و عراق مسئول مستقیم کشتار زحمتگشان ایران و عراق در جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم ضد خلقی بعث عراق است .

● اکنون چنین کسی که هرگز به مبارزه انقلابی با رژیم شاه دست نزده و در خارج از کشور ، خوش میگذرانده است و پس از ورود به ایران متحد با حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب برداشته است ، ادعای انقلابی بودن و آزادی خواه بودن میکند ، ادعای دروغین او تنها باعث جنگ قدرت با حزب جمهوری است ، و اگر نه حکومت او نیز نشان داده است ، که نمی تواند آزادی توده ها و زحمتگشان را تحمل کند ، او نیز مانند حزب جمهوری دشمن آزادی و انقلاب ایران است .

● خلقهای قهرمان ما بنی صدر را در کنار حزب جمهوری خاشن به خلقهای ایران میدانند و ادعاهای دروغینش را مبنی بر آزادیخواهی با ورندها رند ، بنی صدر فریبکار و غلبا زی است که میخواهد بر شاه های توده ها سوار شود و به بقیه در صفحه ۱۷

توضیحی درباره ستون پاسخ به نامه‌ها

● برخی از رفقا ضمن انتقاد به صفحه "پاسخ به نامه‌ها" برسیده‌اند. چرا در شرایطی که سئوالات بسیار زیادی حول مسائل حدودی و جنبش کمونیستی وجود دارد در این صفحه باید به سئوالات، ابهامات و انتقادات رفقا پاسخ داد، عموماً نامه‌های تهییجی رفقای کارگرو رحمتگان درج می‌گردد، و کمترین سئوالات رفقا پاسخ داده می‌شود.

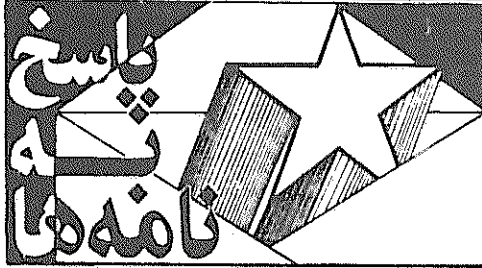
در پاسخ به رفقا باید بگوئیم قصد ما از انعکاس بیشتر نامه‌های کارگران و زحمتگان و کمترین پاسخ دادن به سئوالات سیاسی رفقا نه ناشی از کم‌بیا دادن به مسئله ابهامات، سئوالات و انتقادات رفقا، که بطور کلی ناشی از درکمان از وظیفه پیکار تبلیغی-سیاسی بوده ما معتقدیم "پیکار رثوریگ" آن ارگانی است که باید به سئوالات و انتقادات تئوریک رفقا پاسخ گوید و پیکار تبلیغی - سیاسی که از بردن توده‌های بیشتری برخوردار است و وظیفه محوری اش فعالیت تبلیغی - سیاسی است باید بیشتر به نامه‌های کارگران و زحمتگان که جنبه تبلیغی، تهییجی بیشتری دارد، پاسخ بگوید. در عین حال ما میکوشیم ترکیب هر چه مناسبتری از مطالب ترویجی و تبلیغی در صفحه پاسخ به نامه‌ها ایجاد کنیم ولی همانطور که گفتیم نمیتوانیم کل صفحه پاسخ به نامه‌ها را به مطالب ترویجی اختصاص دهیم! پیروز باشید!

● رفقای توزیع و پخش غرب تهران برسیده‌اند چرا صفحات نشریه مرتباً افزایش می‌یابد و آیا بهتر نیست تعدادی از علامیه‌ها و تراکت‌ها که برد بیشتری دارند افزایش یابند یا پنجمه صفحه را با محدودیت‌هایی که در آن هستیم افزایش دهیم؟

رفقا در رابطه با ضرورت انتشار بیشتر تراکت‌ها و علامیه‌ها، ما نیز به آنچه شما گفته‌اید و قفیم و از اینرو کوشیده‌ایم علامیه‌ها و تراکت‌های بیشتری را در طی هفته منتشر سازیم اما در مورد ۳۲ صفحه شدن نشریه باید بگوئیم که بنظر ما مبارزه طبقاتی جاری در جامعه ما نسبت به بیش از آنچه در ۳۲ صفحه نشریه می‌آید، تبلیغات و... می‌طلبند در این رابطه ما قصد داریم حداقل نشریه را ۲ بار در هفته منتشر کنیم در عین حال تا زمانیکه این امر به اجرا درآید، ما نمی‌توانیم از بخشی از تبلیغات خود در هفته صرف‌نظر کنیم، به همین جهت تا گذیر هستیم فعلاً موقتاً نشریه را در ۳۲ صفحه منتشر می‌کنیم. امیدواریم که با کمک کلیه رفقای چاپ، توزیع و پخش بتوانیم هر چه سریعتر نشریه را دوبار در هفته منتشر سازیم پیروز باشید!

درباره استقلال سیاسی

● رفیق ف-ن از اصفهان طی نامه مفصلی



در مورد برخورد به مقوله استقلال سیاسی "سئوالانی مطرح کرده‌اس‌ت آیا آنچه در پیکار ۸۳ در برخورد به استقلال سیاسی درج شده است با مقالات قبلی پیکار و بویژه با آنچه در پیکار رثوریک در مسورد استقلال نسبی سیاسی آمده است متناقض نمی‌باشد چه ما در پیکار رثوریک گفته‌ایم "رژیم جدید ایران از لحاظ سیاسی دارای استقلال نسبی سیاسی است... و اساساً در درجه اول از مصالح و مقننات طبقه بورژوازی ایران تبعیت می‌کند (صفحه ۵۲ پیکار رثوریک) و بر اساس همین استقلال سیاسی نسبی هر دو کشور (ایران و عراق) جنگ بین این دو رژیم‌ها ناشی از توطئه‌های امپریالیسم ناسیونالیست، بلکه ناشی از منافع بورژوازی دو کشور است که در پی کرده‌ایم، پس رفیق ضمن تکیه بر نظرات لنین در مورد استقلال سیاسی، میکویید آیا نظراتی است که در رژیم جمهوری اسلامی با سیاست امپریالیسم جهانی، آیا به معنی وابسته بودن آنست؟ که در پیکار ۸۳ می‌گوئیم "بدین ترتیب سیاست‌های جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم جهانی است"

رفیق، در پاسخ به سئوالات تو مقدمتاً لازم نیست بگوئیم که ما در آینده بطور مطلق به مقوله استقلال سیاسی که رفقای رزمندگان و راه‌کارگرسدان معتقدند، برخورد خواهیم نمود.

اما بطور خلاصه در رابطه با تناقضی که بدان برخورد کرده‌ای با بدگفت اولاً: حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت بورژوازی است. طبقه بورژوازی ایران از لحاظ اقتصادی وابسته به امپریالیسم است. از این لحاظ در روند عمومی و در نهایت رژیم جمهوری اسلامی ایران جزئی از سیستم جهانی امپریالیستی محسوب می‌گردد. از اینرو رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در روند عمومی، سیاستی مستقل از منافع امپریالیسم جهانی داشته باشد هر چند که ممکن است در این میان مقطع سیاست‌های وی در اختلاف سیاستی خاص این یا آن کشور امپریالیستی صورت پذیرد. اختلاف مناسقی که در برخی سیاست‌ها ممکن است بوجد آید نیز ناشی از مقدم بودن منافع بورژوازی ایران بر منافع امپریالیست - هاست. و این نیز بدلیل کارگزار نبودن رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

بنا بر این زمانیکه می‌گوئیم رژیم جمهوری اسلامی، وابسته به سیاست‌های امپریالیسم جهانی است، این سخن را بنا بر مجموعه سیاست‌های این رژیم و بنا بر نظرات کارگزاران سیاست‌های امپریالیسم جهانی در روند عمومی خویش ذکر نمی‌کنیم بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند در تحلیل

نها طی در روند عمومی حرکتش در مجموع سیاست‌های، مستقل از منافع امپریالیسم جهانی حرکت نماید. و در عین حال بدلیل کارگزار نبودن این رژیم و مقدم بودن منافع بورژوازی ایران نسبت به بورژوازی امپریالیستی (که بطور کلی در انطباق با یکدیگر قرار دارد) از استقلال سیاسی نسبی سخن گفته‌ایم بدین ترتیب ضمن توضیح رابطه دیالکتیکی

زیر بنا و روینا نقش و جایگاه انتقادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را بیان کرده‌ایم بطور ما درکی که سیاست را عکس برگردان اقتصاد جلوه دهد و از وابستگی تمام عیار اقتصاد ما به داری وابسته ایران، وابستگی تمام عیار سیاسی (کارگزار رژیم جمهوری اسلامی) را نتیجه بگیرد - تفکر اکتونومیستی و دکما تنگ خود را بنمایش می‌گذارد. در عین حال درکی که بگوئیم سیاست و اقتصاد را از یکدیگر جدا کند و پیوند این دو را به فراموشی سپردن سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران را سیاستی مستقل (مستقل از منافع امپریالیسم جهانی) جلوه دهد، تفکر بورژوازیستی - تروتسکیستی خویش را بنمایش می‌گذارد، ما همدارمیدهم که زمینه تئوریک پذیرش تئوری رویزیونیستی "راه‌شدن عیسرما به داری" چنین تلقی از استقلال سیاسی است که راه‌کارگر نیز تدبیر بدان آلوده است. در عین حال بایسته تئوریک درک تروتسکیستی از استقلال سیاسی اعتقاد به "سرما به داری خودیو" است که برخی از نیروهای جنبش کمونیستی بدین انحراف آلوده‌اند.

● رفقای نازی آباد تهران، جویای علت حذف صفحات دهقانی از نشریه شده‌اند و در مورد عرورت وجود صفحه‌ها صفحاتی در پیکار مشخص جیش دهقانی که نقض وسیعی در انقلاب نیز دارند، توضیحاتی داده‌اند.

رفقا! ما خود نیز به ضرورت چنین امری را قفیم از کلیه رفقای که در مناطق روستایی فعالیت میکنند می‌خواهیم که اخبار روگزارش‌ها مربوط به مبارزات منطقه را برای هیئت تحریریه پیکار هر چه سریعتر ارسال دارند. مناسفاً به برخی از رفقا حتی دست به انتشار نشریات دهقانی در منطقه زده‌اند، اما اخبار روگزارش‌ها آنرا به پیکار ارسال نکرده‌اند. بسیاری از رفقای ما در بلوچستان، استان فارس ما زنداران، کیلان و... فعلاً در میان دهقانان تبلیغ و ترویج میکنند، اما شماره آنرا برای "پیکار" ارسال نمی‌کنند. فی‌المناسبت نشریاتی ما ننند "پیکار" که متعلق به رفقای کیلان است منتشر می‌شود. ما صفحه دهقانی نشریه مرکزی به دلیل فقدان اخبار و گزارشات بسته‌است اما ضمن انتقاد به رفقای که در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند، فعلاً نامه‌ها را ارسال گزارشات و اخبار از مبارزات دهقانان هستیم

موفق باشید!



نامه‌ای از دست کارگر رسم، از قزوین

"من یک کارگری هستم که در کارخانه کار می‌کنم و حقوقم طوری است که برای خرجم تمام می‌شود. حتی آخر بچ دسی می‌گیرم من کمونیست نیستم ولی کارم را قبول دارم و هر کاری باشد با ما اندازه خودم هم می‌کنم. من حتی بیس می - خواستم درجاب اعلامیه به سازمان بیکار کنم که مالی کم ولی همانطور که گفتیم حقوقم کم بود ولی تگری کردم که بعد از ۸ ساعت کار یک ریسترون سعی اما همکاری کنم تا بتوانم به سازمان بیکار و به این مبارزه کارم را در حقیقت کمک کنم. بیروز موفق باشید"

دوست کارگر از انکار آن کارگری که برای کمک مالی به سازمان بیکار رسیده‌اند، بی نهایت سانسکار و عمل شما منوایند سر منشی یا مدیری که کلبه رفقا و دوستانی زحمتمی که خواهان برداخت کمک مالی به سازمان هستند، اما محدودیت مالی دارند.

ما ضمن قدردانی از توجه شما به ضرورت گسترش فعالیت‌های سازمان، گوش می‌کنیم یا انکاء به کارگران و زحمتکشان ایران، بساطت شما و شما سرمایه‌داری وابسته را چیشیم. بیروز باشد!

● رفیق کریم ضمن استقبال از اشتراک مرتب تراکت‌های انسا کرانه سازمان به برخوردتنگ نظراتی بر برخی نیروهای سیاسی اشاره کرده است که بدون ذکر نام سازمان، تراکت‌های مزبور را مورد استفاده قرار داده‌اند.

رفیق کریم، ما ضمن تأیید نظر تو مبنی بر ضرورت حفظ رعایت‌انانت، معتقدیم کلیه نیروها - ما منوایند و با سازمان‌ها سازگارانه را ولسو آنکه منبع آن نیروی سیاسی دیگر بوده‌اند، مورد استفاده قرار داده و برداشته‌اند و راستند و نایبند، لیکن ما بدضمن استفاده از این اسناد و اشتراک رکنسرترا آنها، منبع خبر را نیز ذکر نمی‌شود. ما خود نسبت به آنچه گفتیم وفا داریم و می‌ایمصل در تراکتی که مربوط به اخبار درون ارس بود، ضمن استفاده از سند رفقای "اقلیت" منبع آنرا نیز ذکر کردیم. بهرحال بنظر من سرحوردی نظیر آنچه زحمتکشان در نشریه ۴۴ خود بکار بسته‌اند، بر خوردی سنگ نظرانستد و حرد بورژوازی می‌دانیم که به عمداً ذکر نام سازمان ما که سنده ۲۵۰۰ میلیونی رفیقان ما، انسا کرده‌اند، خودداری نموده‌اند. چرا که ما دادا...؟

رفقای دیگر که برایمان در این هفته نامه فرستاده‌اند:

- مهن آزادی - احمد مسئول اهواز - ج
- ل - احمد، ف - الف، سراز، ر، الف از تبریز
- ا - اصانه، ن از تبریز - مادر مسلمان - ج
- دانش آموزان ۱۹ از مینسکی - الف - ک

بقیه از صفحه ۱۴ دهکراسی...

که "سینه چاک" دروغین آزادی و دمکراسی هستند از تسلیم مستقیم توده‌ها، از اعمال حاکمیت مردم بر سر دولت خویش وحشت دارند، آنها به توده‌ها اعتماد ندارند و می‌ترسند سلاح در دست توده‌ها به بی‌بازاری بر علیه خودشان که دشمن و غارتگر دسترنج آنهاست، تبدیل شود. ما - "دمکراسی" دروغین لیبرالیها، ارتش دست - برورده امپریالیسم روسا بر نهادهای فدا انقلابی است که بتواند منافع سرمایه‌داری را حفظ و حراست کند و کارگران و زحمتکشان را سرکوب نماید.

۷- بهترین دمکراسی در سوسیالیسم برقرار می‌شود.

دمکراسی خلق اگر چه دمکراسی انقلابی است، اما هنوز در چهار رچوب نظام سرمایه‌داری است، هنوز مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در آن نفی نمی‌شود، به اصطلاح هنوز یک نظام بورژوازی است و به این علت نمیتواند بهترین دمکراسی باشد. بهترین دمکراسی، دمکراسی ای است که مبتنی بر نابودی هر نوع استثمار و ایجا دبرابری بین انسانهای زحمتکش باشد بنا بر این بهترین دمکراسی، با نابودی سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم ایجا می‌شود. سوسیالیسم را تنها میتوان با دیکتاتوریه طبقه کارگر برقرار و حفظ نمود دیکتاتوریه بیرونی و داخلی دمکراسی سوسیالیستی، دمکراسی تمام عیار برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوریه بر علیه کلیه دشمنان سوسیالیسم است. تا بدیر می‌رسد و نود که اگر بهترین دمکراسی، دمکراسی سوسیالیستی است، پس چرا شعار جمهوری دمکراتیک خلق را تبلیغ می‌کنیم و شعار برقراری فوری سوسیالیسم را نمیدهم در جواب این سؤال باید گفت این درست است که دمکراسی ایده‌آل ما دمکراسی کارگری (سوسیالیستی) است، اما از شرایط موجود تا ایده‌آل فرسنگها فاصله وجود دارد. طبقه کارگر ایران هنوز از آنچنان آگاهی و شکل برخورداریست که بتواند به تنهایی حکومت سوسیالیستی برقرار کند، در عین حال طبقه کارگر متحدینی چون خرده بورژوازی شهری و دهقانان را دارد که قشرهایی از انسان سوسیالیسم را قبول ندارند، اما دارای تمایلات و خواسته‌های دمکراتیک و فدا امپریالیستی هستند و متحد طبقه کارگر محسوب میشوند، اکنون شرایطی مهیا نیست که بتوان بلافاصله مالکیت فردی بر وسایل تولید را لغو کرد و سوسیالیسم را برقرار نمود از اینرو است که نمیتوان یکباره

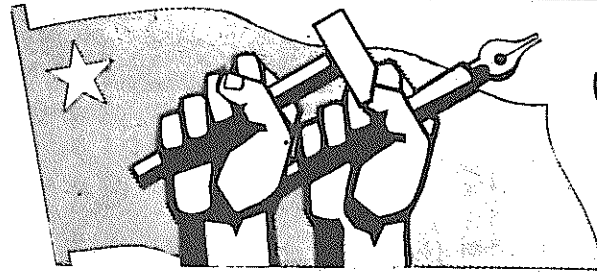
فرزانه - ارامنهان - مریم - کارگر هسته پتک - DSH - ج - ک، م، زلاهیجان - رفیق کارگر از قزوین - د، ج، غ از تهران - ف از معلمین - ن از معلمی کمیته دانش آموزی شرق تهران - عبدالرضا، ۱۷، کارگر - کارگر مکاشک از لاهجان - ف، ی از کرمانندی - حمید ۱۲ - یحیی و نورج غرب تهران .

سوسیالیسم را برقرار نمود و دمکراسی سوسیالیستی را ایجا کرد و قبل از آن با دیمپوری دمکراتیک خلق که در اتحاد با اقلیت روطیقات خلقی است، پیاده شود، اما طبقه کارگر به جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان یک دوره گذار به سوسیالیسم نگاه میکند و خواهنا ر آن است که از حکومت دمکراتیک به حکومت سوسیالیستی برود، چه طبقه کارگر با هرگونه روابط بورژوازی (سرمایه‌داری) مخالف است و در نهایت خواهنا نابودی آن است. بنا بر آنچه گفتیم جمهوری دمکراتیک اکثر جهیک حکومت دمکراتیک انقلابی است، اما دمکراسی در آن هنوز کافی نیست و بهترین دمکراسی دمکراسی سوسیالیستی است و جمهوری دمکراتیک دورانی است موقت برای میبسا کردن شرایط لازم برقراری سوسیالیسم.

۸- بدون رهبری طبقه کارگر، دمکراسی واقعی پا برجا نیست.

اگر قبول داشته باشیم که بهترین دمکراسی با استقرار سوسیالیسم برقرار می‌شود و اگر بپذیریم که این طبقه کارگر است که در سوسیالیسم حکومت میکند، پس باید قبول کنیم که در بین اقلیت روطیقات دمکرات و انقلابی جامعه، طبقه کارگر بهترین و متفهمترین مدافع دمکراسی و انقلابی - ترین دمکراتها است و تنها اوست که میتواند نسبت به بهترین دمکراسی توده‌ای، را تا مین و آترابه دمکراسی بیرونی ارتقاء دهد و در محدودده دمکراسی جامعه سرمایه‌داری باقی نماند و می‌کوشد آنرا به دمکراسی سوسیالیستی برساند، بنا بر این اوبیش از همه به دمکراسی می‌اندیشد و بیشتر از همه خواهنا دمکراسی است (تا هر چه زودتر به سوسیالیسم برسد) بنا بر این تنها رهبری طبقه کارگر است که قادر است برقراری و پیروزی دمکراسی در جمهوری دمکراتیک خلق است با عکس اکثر رهبری مبارزات توده‌ها را لیبرالیها در دست داشته باشند، نه تنها دمکراسی انقلابی را برپا نخواهند کرد، بلکه به انقلاب خیانت کرده به ما زنی با امپریالیسم برداشته و آنکه کارگران و زحمتکشان را سرکوب خواهند نمود. لیبرالیها در طول دو ساله اخیر، چه در دوره بازرگان، چه در دوره بنی صدر، نشان داده‌اند که آنها تنها به فکر منافع خویش که همانا دیرایش با امپریالیسم تا مین می‌شود، هستند و این منافع ما برپا خواسته‌های دمکراتیک توده‌هاست. مردم مستعدیده مین مادرتجربه چشم خود دیده‌اند که لیبرالیها چگونه می‌کوشند بر مبارزات توده‌ها سوار شده، آنرا مهار کرده و به ما زنی بکنانند و بالاخره چگونه این با اصطلاح آزادیخواهان، برای حفظ منافع طبقاتی خوددستان تا مرفق به خون کارگران، زحمتکشان و خلقها آغشته گشته است. گشتا رخلق قهرمان کرد، ترکمن، سرکوب کارگران و زحمتکشان در دودانندیشک و بیکاران و... جز کوچکی از جنایات این عوامفریبان است که دست در دست برادران "حزبی‌انان" برای حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران، از آن دریغ نورزیده‌اند.

هنرمقاومت هنرپرولتری



کارگران حرف بزنند و آنان را به بیستی بخوانند
"زدر" و "نیکلابویج بیوترا"ها گرفته تا انقلابیون
بزرگ و سازماندها تا مدارورهربان شناخته
شده سوسال دموکراسی که همزمان لنین و
اسالین بودند؛ کتسخوولیها، بوگدا نها و...
دارای بیوندی عمیق وناگستنی با توده های
کارگرفتند.

"نینا" از این لحاظ دارای درسهای
آموزنده ای برای تمام کمونیستهای جهان
است و سه آنان ضرورت و شیوه بیوند توده ای برای
بردن آگاهی سوسیالیستی را می آموزد. آموزش
هاشی که برای تمام پیمانهاگان طبقه کارگر
ضروری است.

رمان "نینا": اثری از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی

میراث زنده یک انقلاب

کوناگون
مبارزه
اقتصادی -
سیاسی و
تئوریک به
رهبری
مبارزات
دموکراتیک و
سوسیالیستی

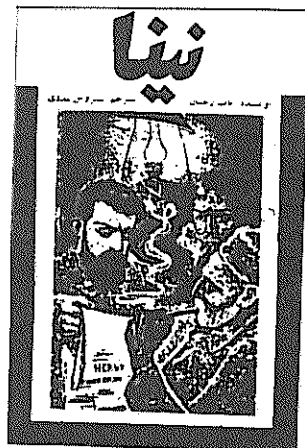
ادبیات و هنرنویین، رئالیسم سوسیالیستی
که انعکاسی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا و
بیا تکوآرمان مشترک طبقه کارگر بزرگان هنر
است، آثار تاریک و بیادماندنی به بار آورده است
"نینا" اثری از گنجینه روال نا پذیر رئالیسم
سوسیالیستی است که برای کارگران، انقلابیون
جوان و حتی انقلابیون حرفه ای کمونیست حاوی
درسهای ارزشمندی است. "نینا" نام مخفی
چاپخانه ایسکرا است که پلیس همه نیروی خود
را برای شناسائی آن بسیج کرده و میبندارد که
این نام متعلق به دختری انقلابی است.

بدلیل کمیبود مکان یک بررسی مفصل ما
نکته و ابروی اساسی ترین آموزشهای این
اثرکرا نینا از گنجینه رئالیسم سوسیالیستی
اکتفا میکنیم:

تصاویر زنده پیوند سوسیالیسم

با جنبش کارگری

"نینا" رمانی است که تصاویر ملموس و
عینی به شیوه رئالیسم سوسیالیستی از مسائل
حادثه سوسال دموکراسی روس در یکی از دورانهای
پر تلاطم فعالیت آن ۱۹۰۱-۱۹۰۴ ارائه میدهد
این خلاصه ترین تشریحی است که از زمان "نینا"
میتوان ارائه داد. در این سالها جگونی تلفیق
سوسیالیسم با جنبش کارگری به مسئله مهم جنبش
مبدل شده بود. در کتاب "جهاید کرد" حربی نهایی
درون سوسال دموکراسی روس در آن سالها
در ارتباط با موضوع نامبرده شکافته شده و
تشریح لنینی ضرورت تشکیل حزب کارگروسال
دموکرات روسیه، بد شکل تئوریک بیان گردیده
است. با سیادارم که لنین در آن کتاب چگونه
سراپت کارگروسال دموکراتیهای روسیه و حریان
انحرافی را که بجای بردن ایده های سوسیالیستی به
مسائل کارگران، در عرصه های کوناگون، بدنی
کارگاهها نه و نشه مند میبیرد و در تامل آگاهی
را با سطح حرکت خود بخودی شوربیره میکند
با داستان دمکری و پیشتیا سنگدل سارنایی
از انقلابیون حرفه ای را می دهد. سارنایی که
سازد بر دیوتونی را نمی میکند و نتوان
بسیار هک آگاهی سیاسی طبقه کارگر در عرصه های



میردازد: نقشه رای کذلنین برای پاسخ به
جنبش ضرورتی ارائه میدهد، نقشه های سیاسی

ایسکرا چگونه بدست کارگران میرسد

لنین در "جهاید کرد" یک بخش تمام راه
مسئله تکنیکات سوسال دموکراسی و اینکه
چگونه ایسکرا قادر است نقش یک سازماننده
جمعی را ایفا کند، اختصاص میدهد. در کتاب
"نینا" خوانندگان میتوانند این مسئله را با
همه جزئیات آن احساس کنند اهمیت فعالیت
انقلابیون باکو، تنها در این نیست که آنان
بدنیا له روی از درخواستهای روزمره و اقتصاد
و جنبش خود بخودی طبقه کارگر نمی بردارند،

- اهمیت "نینا" (چاپخانه ایسکرا) آنچنان است که لنین بارها از آن سخن میگوید و یکی از برجسته ترین کادرهای بلشویک، رفیق شهید، لاد و کتسخوولی همزم در پرنده استالین و عضو تحریریه برد زولا، به سرپرستی آن گمارده میشود. اهمیت "نینا" در آن است که اگر چاپ و پخش ایسکرا توسط "نینا"ها لاد و هاواژدرها نبود. ایسکراسی لنینی نمیتوانست با توده ها پیوند بخورد و نقش تاریخ ساز خود را ایفا نماید. کتاب "نینا" به اهمیت تکثیر و پخش روز افزون مطبوعات کمونیستی در میان توده ها شدیدا با افشاری میکند.
- در رمان "نینا"، خواننده، حیات سوسال دموکراسی را در یکی از دورانهای پرتلاطم فعالیت آن با بسیاری از جزئیات پرشور و به چشم می بیند.

بلکه ضمن آن توانایی آنرا بدست آورده بودند که
زبان کوبای جنبش سوسال دموکراسی روس،
یعنی ایسکرا را در مقیاسی سراسری به گفتگو
با توده ها وادارند، و این تنها یک سازماندهی -
متحکم ممکن گشت. مادر "نینا" میبیینیم که
چگونه نسخه های ایسکرا از خارج به باکو ارسال
میشد و ایسکرا، در چاپخانه باکو، که دور از چشم
پلیس و رعایت مخفی کاری خلق، در دل توده -
ها به کار مستمر مغفول بوده به چاپ میرسید،
کتسخوولی که یکی از سرشناس ترین و نامدار -
ترین سوسال دموکراتیهای کرجی و سازماندهان
کمیته قفقاز بود، رهبری چاپ و پخش ایسکرا را به
عهده داشت. سیستم عالی و سازمان یافته یخس
ایسکرا که قادر بود در اسرع وقت، به نیازهای
توده های کارگری پاسخ گوید و بطور زنده و فعال،
ارتباط نیروی آگاه و توده ها را نامن کند،
در این کتاب بررسی بارگومیسودوسان می -
دهد که اگر جنبش کمونیستی درسی نبود سا -
بدها سب الرابا تا بد آنجا تا حمایتی
چپ رساندن رنده ترین مطالب تبلیغی و

"ایسکرا" به مثابه محوری برای سازماندهی
جمعی و کار انقلابی است. ایسکرا با بدتقش یک
مروج، مبلغ و سازمانده جمعی را ایفا کند و
انقلابیونی حرفه ای سرور آنده که قادر است
همچون فرماندهان جنگی مبارزه را دقیقاً تشریح
و رهبری کنند. "نینا" داستان چاپخانه
ایسکرا در باکو، داستان مبارزه آگاهانه و نقشه مند
سوسال دموکراتیهای باکو در پیوند با طبقه کارگر است.
در کتاب تصاویر زنده ای از جگونی بردن
آگاهی سوسیالیستی به میان کارگران ترسیم
میشود، و خواننده کویی به چشم خود شیوه کسار
بلشویکها، را میبیند، حضور آنان را در اعتمایات
و مبارزات کارگری تشخیص میدهد و میسوزد
چگونه آنان به شور و خشم توده های کارگری که
دست به مبارزه میزنند جهت آگاهی آنها داده و اجازه
نمی دهند جنبش آنان بطور خود بخودی بدامان
سورروازی کشیده شود و با تمام شرودر جهت دادن
ردن به مبارزه آگاهی نا بدیر طبقه ای میگویند.
و در این راه ایسکرا و چاپخانه آن، "نینا" نقش
اساسی ایفا میکند بدول یکی از رهبران "نینا"
زبان توانایی است که سوسال در میان تمام

گرامی باد یاد رفقای شهید



صدیقه رضایی

- تولد در ۱۳۲۴

- رفیق صدیقه خواهر مجاهدین شهیدرضا شیپا بود
- پس از سال ۵۰ و در تماس با سازمان مجاهدین به فعالیت انقلابی خود پرداخت
- او با هوشیاری و فداکاری و ابتکار عمل و تحرک تحسین آمیز خود در پیشبرد انقلاب دموکراتیک و فدا مهربانی استی خلقهای ایران فعالیت میکرد.
- در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم را پذیرفت
- رفیق صدیقه در ۱۸ دی سال ۵۵ زمانیکه بیش از ۲۰ هزار عمر پیرا را ونمی گذشت طی انجام یک ماوریت انقلابی در محاصره مزدوران ساواک قرار گرفت و به شهادت رسید



مهدی فتحی

- تولد در ۱۳۳۰ در کرمان

- دا نشجوی دانشگاه صنعتی تهران در ۱۳۴۹
- شرکت فعال در مبارزات منغی و سیاسی دا نشجویی و سازماندهی اعتراضات و تظاهرات
- شروع فعالیت منغی با یخنی اعلامیه ها و نشریات انقلابی سازمان مجاهدین خلق و عضویت در سازمان در سال ۵۲
- پذیرش مارکسیسم لنینیسم در او خرسال ۵۳
- رفیق مهدی در انضباط، دقت و رعایت طوایط و اصول تشکیلاتی از بهترین ها بود فداکاری و احساس مسئولیت و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه امور سازمان از ویژگیهای این رفیق شهید بود.
- شرکت در عملیات نظامی اعدام انقلابی سه مستشار نظامی امریکایی و معاون فرمانده (۶ شهریور ۵۵)
- تلاش و فعالیت انقلابی چشمگیر در جریان تلاشها جهت برپا کردن روزها نه گردهای سال ۵۴ و ۵۵
- شهادت در یک درگیری مسلحانه در ۲۹ دی ماه ۵۵



رضا تفکری

- تولد در ۱۳۳۳ در خانواده ای کم در آمد در سراب

- دا نشجوی پزشکی تهران ۱۳۵۲ و شرکت فعال در مبارزات منغی سیاسی دا نشجویی و حمایت از سازمانهای انقلابی آن سالها و پذیرش مارکسیسم لنینیسم
- در اردیبهشت ۵۵ با بخش منشعب از س.م.خ. ا. تماس گرفت و بدلیل مسائل امنیتی زندگی انقلابی مخفی برگزید.
- صداقت و پرکاری و جدیت رفیق و علاقه شدید به سازمان انقلابی خویش زیا نذر رفقایش بود
- در روزهای شوری سال ۵۵ در محاصره جناحیتکاران ساواک قرار میگردد و مسلحانه با آنها درگیر میشود.
- شهادت در ۲۳/۱۰/۵۵

توده های قهرمان تا قهرمانان توده که عشق و آگاهی و تحریر انقلابی در وجودشان میآید و تبلور میابد، نشان میدهد، ما در کتاب میبینیم چگونه سازمان بلشویکی، با سخت گیری و دقت به تربیت کسانی میپردازد که با ید نقش پیش - قراولان آگاه طبقه کارگر را بسپارد، کسانی که همچون فرماندهان آگاه جنگی با ید خاص شجاع و شجاعان، آگاهی، و انضباط لازم برای پیگیری دوران سازگسب کنند، آری ما در کتاب سه راز فولادین شدن حزب کمونیست روسیه پی میبریم و در میابیم که معنای ملموس ستا در زمینه طبقه کارگر چیست، ما در همین جا به معرفی "نینا" خانم میدهیم و زما مرفقای کمونیست و دوستان انقلابی، از همه کارگران و زحمتکشانی خواهیم که این اشرار زنده را مطالعه کرده و آموزشهای آنها در راه انقلاب بکار گیرند.

"نینا" به شیوه بورژوازی، بدام قهرمانان پردازی - های دروغین نمی افتد لیکن بد رستی نشان میدهد که چگونه قهرمانان کمونیست در دل توده ها زاده میشوند، آنها خود جزی از توده های عادی، که زیر دستم سرما یه و ارتجاع دست و پا می - زنند هستند، لیکن از آن زمان که به مبارزه آگاهانه میپیوندند، از آن زمان که غرایسز آشتی ناپذیر طبقه ای شان و احساسات برشور درونی آنها، با آگاهی سوسیالیستی درمی آمیزد و تن به رزمی دوران ساز میدهند، در کوره شرد آید شده و به حماسه آفرینان بسزرگ ما ختن دنیایی نوین بدل میشوند.
"آذر" و "ورا" دو نفر از انبوه قهرمانان رمان "نینا" هستند که نویسنده پیرو سه تغییر - آنان را از فردی عادی به پیشاهنگی جانساز، از نا آگاهی به آگاهی، از افرادی در میابن

ترویجی به توده های پی ریزی کننده قاربا شد به موقع آنان را بگردر همنموده های حزب بسیج کند و به پیشروی فرا خواند، در "نینا" کتسخوولی به درستی، خود به این مسئله مبرم اشاره میکند: "کارا ساسی ما بخش وسیع محصولات چاپخانه میان توده های کارگران است" و تاکید میکند آن دسته از رفقای که قاردرند در میان زحمتکشانی نفوذ کرده و ارتباطی پیوسته با کارخانه ها و معادن برقرار کنند مهمترین وظیفه شان بخش ادبیات زیرزمینی است.
چگونه یک کمونیست پرورش می یابد
آموزش بسیار کارکنان "نینا" برای تمام انقلابیون جوان، با زگونی پیرو سه رشد و آید ه شدن افراد انقلابی کمونیست است، اگر چه

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق



ما هسپر، ایران، اصفهان و مسخریلیمان مبارزان خود را متشکل و گسترده بریارید، برای انگار باید:

- ۱- از نمایندگان سابق شوراهای خود در آبادان و... بخواهند در ادامه وظایف نمایندگی در آن شوراهای که برانگیز شده اند آنرا بصورت "شوراهای هماهنگی کارکنان جنگنده" احیا نمایند.
- ۲- شوراهای هماهنگی، مستقر در شهرهای بادشده یا شورای سراسری کارکنان جنگنده را برای هماهنگ کردن حرکات کارکنان جنگ زده بوجود آورید.
- ۳- شوراهای هماهنگی سراسری جهت جلب حمایت و پشتیبانی سایر کارکنان صنایع نفت و کارخانجات و صنایع موجود در هر منطقه از مبارزات بحق کارکنان جنگ زده بایستی بنا آنها تمام گرفته، حمایتان را جلب نمایند.
- ۴- شوراهای هماهنگی ضمن مرزبندی با ستادهای برررسی مسائل جنگ زدگان که از طرف وزارت نفت ایجاد شده اند، بایستی نظارت و کنترل مستقلاً خود را بر آنها (ستادهای برررسی) اعمال نمایند.

باید دنیا و برید چگونه اعتماد بیکبار رجند ۷۰۰۰ کارگر بیگانه در سال گذشته وزارت نفت را مجبور به عقب نشینی و قبول رسمی گسردن کارکنان کرد...

آری با این تاجر بنیانها اکنون باید برای حقوق از دست رفته خویش بمبارزه دست زده و ضمن اعتراض و مبارزه علیه جنگ کنونی رژیم را مجبور سازید که حقوق شما را بطور کامل برده اکت نماید، این مبارزه فقط برای حقوق بلکه برای خواربار، مسکن، لغو تبعیضات و گسست آزادیهای سیاسی، آزادی اعتماد و... را نیز دربرخواهد گرفت.

به همین علت باید ضمن خنثی نمودن طرح‌های رژیم برای ایجاد تفرقه و برانگیز کردن کارکنان و کارمندان جنگ زده نظیر جدا کردن کارکنان رسمی و زیرپوشی حضور و غیاب ماهانه با حفظ وحدت و یکپارچگی و متشکل شدن تحت رهبری "شوراهای هماهنگی کارکنان جنگنده" مبارزات خود را علیه جنگ ارتجاعی و احقاق حقوق خود سازماندهی کنید. در این میان از آنجا که رژیم روز بروز متزلزل و ناتوان تر میگردد و به همین علت است



- ۵- شوراهای هماهنگی سراسری ارگانی را جهت نشر اخبار، گزارشات و مسائل و دادن رهنمود به کارکنان جنگ زده بوجود آورید. بیاددا سه سبب سید که کارکنان در مبارزات مسلحی بحران زماندهی ندارد. بیروز با دستا برات بحق کارکنان ایران برتر است جمهوری دموکراتیک خلق! نقل و تلخیص، از اعلامیه سازمان بکار در راه آزادی طبعه کارکنان صنعت نفت

بیشتر سعی در حفظ موجودیت خود را در به تنهید متاثر بکارکنان خواهد پرداخت وسیع خواهد کرد این مبارزات را با سرکوب یا سخ گوید، از اینرو باید آگاهی برسایستهای رژیم مقاومت متشکل خود را سازماندهی کنید و از آنجا که رژیم سیاست برانگیز نمودن و کوچک کردن اجتماعات را دنبال میکند، توده‌های جنگ زده عموماً و کارکنان صنعت نفت را خصوصاً در دستور کار خود قرار داده بایستی ضمن حفظ هوشیاری خود با تجمع در چند مرکز عمده (سراسر

بقیه از صفحه ۳ پیام...
اخراج کارکنان دنبال میکند، چرا که میدانند آمدن همه کارکنان به آبادان ممکن نیست. در ادامه همین سیاست ارتجاعی بود که دولت و صنعت نفت نقشه طرح تبعیضات ماهی را ریختند که از کارکنان خواسته شده بود تا کارکنان از وزارت نفت بخواهند که آنها را بطور "موقت" بر سر کار بیاوردند و بدین ترتیب به کارکنان شرکت نفت القا میکنند که زمانیکه آنان از آبادان خارج شده اند، اخراج شده بحساب می‌آیند و آینه خود را به تصمیمی که وزارت نفت برایشان خواهد گرفت، واگذار میکنند. با این ترتیب دست وزارت نفت برای اخراج، باز نشستی و کاهش حقوق کارکنان بازمی‌نماید. روشن است که این سیاست‌های ارتجاعی به این جا ختم نمی‌شود، رژیم برای کارکنان زیرپوشی هم برنا می‌دارد، با وجودیکه کارکنان زیرپوشی از مزایای برابر با کارکنان رسمی برخوردار بودند و رژیم نیز در گذشته متعهد شده بود که آنان را رسمی کند اما اینک به این کارکنان گفته است که برای رسیدگی بوضع خود به "وزارت کار" بروند و طبقاً معلوم است که وزارت کار هم هیچگونه مسئولیتی را در قبال آنان قبول نمیکند. روشن است که هدف رژیم چیست، رژیم قصد دارد با فرستادن آنها با این وزارتخانه و اجرای ماده ۳۳ قانون کار ارتجاعی که بر اساس آن کارفرما می‌تواند با پرداخت ۱۵ روز حقوق کارگر را اخراج کند، از "سرکارگران" زیرپوشی خلاص شود، و این حیلۀ تازه ای نیست، همان حیلۀ ای است که رژیم برای کارکنان زیرپوشی شیمیایی یا سایر کارکنان برده و با ارجاع دادن آنها به وزارت کار عملاً آنها را اخراج کرده است.

کارکنان جنگ زده!

کارکنان و زحمتکشان ایران مبارزات پر شور و فیرمانه ای را پشت سر گذارده اند، تدبیر در طی ۲ سال پس از قیام کارکنان تجارب گرانبایی بدست آورده اند، یکی از این تاجر بنیانها نقش اتحاد و یکپارچگی کارکنان برای بدست آوردن حقوق خود است. باید دنیا و برید که در طی مبارزات پر شور پیش از قیام چگونه در ما به وحدت و یکپارچگی و بهما رسا بر توده‌ها رژیم مزدور و ضد خلقی را به زباله دانی تاریخ انداختید. باید دنیا و برید چگونه توانستید با حرکت بیکبار چه خود در سال گذشته و امسال طرح ضد کارگری لغو تعطیل پنجشنبه و افزایش ساعات کار را عقیم گذارید.

فان، مسکن، آزادی



بقیه از صفحه ۳ تحصن ...

نگینم و نا روز ۱۳/۱۰ به آنها مهلت میدهیم. تحصن خانه می باید. در ضمن عده‌ای از شوراهای کشور را میزبانان صنعت نفت در مناطق جنگ رده پشتیبانی میکنند. این نوراها طی اعلامیه‌ای خواستهای آوارگان جنگی را بیان میدارند:

۱ - هرگونه کمیته و کمیسیون و تصمیمگیری در آنها بدون حضور و دعوت مستقیم نمایندگان واقعی و منتخب جنگ زده صنعت نفت از نظر ما بی‌دین اعتبار و نتایجی نبوده و تنها تصمیمی را قبول داریم که مورد تأیید شورای آوارگان باشد.

۲ - کمیته‌ای مشکل از تمام شوراهای صنعت نفت تشکیل و هرگونه همکاری و همبستگی را با این نوراها جنگ زده اعلام میدارند.

۳ - پرداخت حقوق و حقوق معونه برای تمامی معاش خاواده جنگ زدگان تحت معیارهای عادلانه و مناسب با توجه به عامله بندی (مدیران جنوب که کلیه حقوق خود را تاکنون دریافت کرده اند، از این قانون مستثنی نشاندند و مطابق سایر آوارگان با آنها رفتار نمود.)

۴ - برای اسکان دادن آوارگان جنگی بطور ضربتی عمل گردد، و در این مهم کارکنان شاغل صنعت نفت حاضر به همکاری و در جهت تسهیل مسامحه‌های محلی‌های قابل سکونت مثل دانشگاهها، هتلها، باشگاهها و مساجد و برای هر کمک دیگر نیز اعلام آمادگی می‌نماییم.

۵ - با در نظر گرفتن الویت آوارگان جنگ زده نسبت به سایرین خواهان هر چه سریعتر رفع نیازهای ضروری از قبیل سوخت و خوابگاه، بوشاک و وسایل اولیه زندگی و غیره... می‌باشیم.

۶ - هرگونه کارشناسی مدیران و مسئولین صنعت نفت را جهت رفع نیازهای منطقی آوارگان جنگ شدیداً محکوم می‌نماییم.

۷ - هرگونه اخراج و باز بستگی اجباری در شرایط فعلی، کارهای فرستادن به مناطق جنگ اعم از کارکنان رسمی و زیربوسی باید با تأیید شورای سراسری کارکنان جنگ زده باشد.

۸ - هرگونه تفرقه و جدایی انداختن بین کارکنان جنگ زده تحت عنوان رسمی و غیررسمی بوشی را محکوم و همه را کارکنان پاک و صدیق این صنعت میدانیم.

۹ - برخوردهای غیر انسانی، توهین و هتک حرمت از طرف هر مقامی نسبت به آوارگان جنگی کمک به پیدا شدن اهداف خداوند انقلاب می‌نمایم. شورای کارکنان علیین با لایح یا لایحه تهران شورای متحد با لایحه تهران

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

یک نوع تبلیغ است که ما همده زندگی بر امتحان هر رقیب کمونیست از سوی توده‌هاست. بسیاری مواقع سوده‌ها یک بار ما را از روی فردی که تبلیغ کننده‌های آن است میشناسند و مثلاً میگویند که کمونیستها، مانند فلانی هستند. پس خیلی آدم‌های خوبی هستند و...

۴- انواع تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق

بورژوازی برای تبلیغاتش دستس بنا را با زاست، از کشف برین انواع تبلیغ استفاده میکند، دختران ربا، مسائل حسی، مواد مخدر انواع مبتذل هنر (موسیقی جاز، فیلمهای سکی)، از انواع تبلیغ بورژوازی محسوب میشود اما کمونیستها نیز آن انواع تبلیغ را اصولی میدانیم که در خدمت انقلاب و طبقه کارگر است. از نظر ما هیچوجه "هدف" وسیله را توجیه نمی‌کند، ما در انتخاب انواع تبلیغ نسیز، بدنبال عواقب است توده‌ها نمی‌افتیم و تنها وسیله از نوعی استفاده میکنیم که بیان کننده اصولیت، شرک ما رکیسم - لنینیسم است. انواعی که در خدمت بیان حقایق روشن و خنده-ناپذیر هستند است. انواع بورژوازی تبلیغ هرگز نمی‌تواند، قالی برای بیان حقایق باشد جز این توضیح لازم است که تبلیغ در ارتباط با بیان حقایق را میتوان به دو قسمت تقسیم کرد.

۱- بیان حقایق که نفعی کننده نظام کهنه و طبقات استعمارگر است با تبلیغ نفعی که در برگیرنده تمامی آن تبلیغاتی است که در جهت نایبوی طبقات استعمارگر انجام میدهیم. ۲- بیان حقایق که برینا مه‌ها و پیشینیا دات ما را در جهت ایجاد نظام نوین (البتها مهای متعدد برای رسیدن به این نظام نوین یعنی جمهوری دموکراتیک خلق، دیگتاتوری پرولتاریا و کمونیسم) ارائه میدهیم با تبلیغ اثباتی. ما همواره با بستنی رژیمهای ضد خلقی و طبقات استعمارگر رکنانی کرده و به اثبات حقا نیست تا رخصا زخوش سیردا زیم، در اینجا لازمست بگوئیم که روبریونستها از نفعی طبقات کهنه به لطائف الحیل جلوگیری کرده و شعارهای اثباتی نوین را بوسیله بورژوازی میکوشند تا عملی سازند! آنها با خاک با شیدن به جنم توده‌ها به عنوان تبلیغ اثباتی به دادن رهنم-سود و پیشینیا دبه دولتهای ارتجاعی می‌پردازند و

(۱) - ادبیات نفاهی خلق (فولکلور) از نظر مارکس، انگلس، لنین، گورکی

مثلاً از جمهوری اسلامی میخواهند که شورا ایجاد کند یا بوده‌ها را مسلح نماید و... تقسیم بندی دیگر در این ارتباط میتوانست، بیان حقایق بصورت مستقیم و غیر مستقیم باشد. مثلاً لنین برای استوار کردن این بصورت علنی در روسیه سزای مالی را که در مورد روسیه بودین تمام زبان نوشت تا زبان استعاره و بطریق غیر مستقیم، حقیقت را بگوید. در واقع کا هسی اوقات برای استفاده از شرایط علنی کمونیستها - ما محاربه استفاده از تبلیغات غیر مستقیم هستیم. دیگر مفهوم بودن توده‌ها نسبت به حاکمیت و با حرب و دسند مخصوص میتوانند، موجد، استفاده از این نوع بیان حقایق باشد. مثلاً لنین برای تبلیغ شعار سرنگونی دولست بورژوازی سر از انقلاب فوریه شعار "همه قدرت به نوراها" و "با" "ان، صلح، آزادی" را که نفعی کننده حاکمیت موجود بود مطرح میکردند پس بیان غیر مستقیم تبلیغ شعار سرنگونی بود. چرا که توده‌ها به علت توهیم آمادگی پذیرش شعار مستقیم سرنگونی نبودند، ما نیز اکنون با دادن شعار جمهوری دموکراتیک خلق در حقیقت به علت توهیم توده‌ها بطور غیر مستقیم شعار سرنگونی میدهیم البته روبریونستها و با حاکمیت کرایشات روبریونستی میکوشند تا با عنوان کردن دروغین استفاده از این تاکتیک جلوی افشای مستقیم ارتجاع را بگیرند. مثلاً راه - کارگر که در رای کرایشات سیرومند روبریونستی است با عنوان کردن این مسئله کوش دانسه است تا از افشای ارتجاع بدلیل شرایط ویژه جنگ خودداری کند. (رجوع کنید به بیکار ۸۴) کمونیستها همیشه در تاکتیک دست خود را نمی‌بندند و در شرایط مشخص از انواع متعدده تبلیغ استفاده میکنند. ما به شرطی که این تاکتیک در خدمت استراتژی انقلابی طبقه کارگر باشد، نه نفعی آن بدین ترتیب تبلیغ غیر مستقیم در شرایط مشخص نیایستی، استراتژی افشای دشمنان توده‌ها را زیر پا نگذارند و در شرایطی که ما سندا اکنون بین از بین توده‌ها آمادگی پذیرش شناخت ما هیئت جمهوری اسلامی را دارند، افشای قاطع این دشمنان را تعطیل کرد. آری اگر آنها ریشتها دست خود را در مسورد تاکتیک مینندند، روبریونستها نیز تاکتیکها - بیان درست برفدا ستراتیژی، انقلاب توده‌ها است.

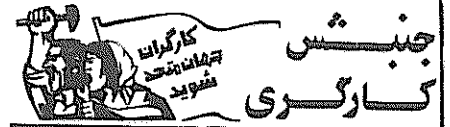
پایان

توضیح: مجموعه مقالات مربوط به تبلیغ صدر ج در ۱۲ شماره بیکار بصورت جزوه منتشر خواهد کردید.

بقیه از صفحه ۳ سیمان ...

کارخانه و شورای فرمانی آن را واداریم تسلیم در برابر خواستشان نمایند و لذا چهار - خوری کارخانه مجددا شروع به کار کرد. در ضمن در این مجمع جبهه فدکاکری "شورا" و عوامیل سرما بدهاران بسا ریش در نردکاکر را افشا کردید.

شورای تعمیرات با لایحه تهران شورای تکنیسیهای تعمیرات با لایحه تبریز شورای امور با لایح و مخازن با لایحه تبریز شورای کارمندان با لایحه سیرار شورای مرکزی کارکنان امور با زرکانی شورای با لایح با لایحه اصفهان سندیکا ی خطوط لوله و مخازن تهران



"افزایش تولید": راه کارگر بدنبال روپزیونیستهای اکثریت (۲)

راه کارگر دفاع از شعار افزایش تولید موضوعی را اختیار کرده است که روپزیونیستها با سدا رآن هستند. جالب اینجاست که راه کارگر روپزیونیستهای اکثریت در این مورد به رقابتی با یکدیگر پرداخته اند که تنها موجب خوشنودی رژیم میگردد. از اینرو بررسی هر چند مختصر حملات اخیر روپزیونیستهای اکثریت به موضع کمونیستی در قبال شعار افزایش تولید، نه تنها ریشه این شعار را به یاد آورده و آشکار میسازد، بلکه دنباله روی نیروهای چپ را که راه کارگر از روپزیونیستها را نیز که چپ را عمل به سمت روپزیونیسم مینمازند، بر ملا میسازد!

روپزیونیستهای اکثریت: از شعار افزایش تولید تا راهشده غیرسرمایه داری.

روپزیونیستهای اکثریت که موضع آشکارا سرمایه دارانه آنها در مورد شعار افزایش تولید حتی موجب اعتراض و طرح "سوالاتی در مسورده" "اصولیت این شعار را نگیزه تبلیغ آن"، از جانب هواداران شان گردیده است، برای "توجیه" هواداران خویش به بررسی "مبانی این شعار" پرداخته است، و الحاق که عمق این مبانی روپزیونیستی را بروشنی آشکار کرده است! روپزیونیستهای اکثریت که رژیم جمهوری اسلامی را اساسا "ملی و ضدا میریالیست" مینامند میگویند: "از هنگامی که یک حاکمیت ملی و ضدا میریالیست، قدرت سیاسی را به دست میگیرد، برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی و ضدا میریالیستی علی الاصول میتوان و باید شعار افزایش تولید را مطرح کرد ولی تضمین واقعی کارائی انقلابی این شعارها را مصادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ است... ولی طرح شعار افزایش تولید را تنها به موقوف به تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه های بزرگ نمود بلکه با استقرار قدرت سیاسی مستقل که عموما با حداقلی از سلطه این قدرت بر بخشهای اقتصاد همراه است، میتوان و باید این شعار را جایگزین شعار توقف تولید کرد" (کار روپزیونیستی شماره ۹۱ - تا کیدیک خطی و دوخطی از ما است)

بدین ترتیب میبینیم که روپزیونیستها تنها با تطهیر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، خیانتی آشکارانه منافع طبقه کارگر و سایر توده ها مینمایند، بلکه کرنش در مقابل بورژوا

زی را تا بنجا میرسانند که حتی برخلاف بیان خود که "تضمین شعار افزایش تولید را در گروه" مصادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ میخوانند، برای آنکه میباید "اشتباه" رخ دهد،

بلافاصله توضیح میدهند که شعار افزایش تولید را نباید موقوف به تحقق کامل شعار ملی کردن سرمایه های بزرگ نمود! چرا که "حداقلی از سلطه این قدرت (رژیم) بر بخشهای اقتصادی" برقرار است. بر اساسی که روپزیونیستهای نوپای اکثریت، چیزی از بار در کهنه سالشان حسزب خاشن توده، کم ندارند! آنچه که از سخنان این آقایان بروشنی استنباط میشود اینست که: اولاً بزرگترین اقدامات عوامفریبانه رژیم مبنی بردولتی کردن پاره های از کارخانجات و موسسات خصوصی، تحت عنوان "ملی کردن" گویا واقعاً بمعنای ملی کردنی است که از وظایف جمهوری دمکراتیک خلق و یا حکومت دیکتاتوری پرولتاریا میباید یعنی بزرگترین روپزیونیستها رژیم جمهوری اسلامی میتوان و وظایف اقتصادی جمهوری دمکراتیک را به انجام رسانند! (یعنی تجدیدنظر در اصول مارکسیسم) ثانیا روپزیونیستهای اکثریت معتقدند که برای افزایش تولید "تحقق کامل" این امر "ملی کردن" جمهوری اسلامی هم ضروری نیست! و همان حداقلی که رژیم "مستقل" بر بخشهای اقتصاد تسلط دارد برای افزایش تولید کافیست.

به عبارت دیگر آقایان معتقدند که دیگر نیازی به جمهوری دمکراتیک خلق و رهبری طبقه کارگر نیست، چرا که وظایف این حکومت را رژیم "خرد بورژوازی" کنونی حتی در زمینه اقتصاد، انجام میدهد، و منافع آن قسمت از تولید که در اختیار رژیم است، عاید سرمایه داران نگردیده و به خود کارگران و زحمتکشان بر میگردد! واقعاً که عجیب کشف "بزرگی" است! روپزیونیستهای ما تمام این لفاظیات را تحت پوشش این که قدرت سیاسی "ملی و مستقل" است، بخورد هواداران خود میدهند، از این تحریف آشکار و اقعیات که بگذاردیم، تئوری و روشسته "راهشده غیرسرمایه داری" از لابلای مقاله اخیرا اکثریت آشکار میشود، این بیان که رژیم (بفرض) خرد بورژوازی و ملی میتواند حتی در جهت استقلال اقتصادی کشور تحت سلطه گام بردارد و وظایف اقتصادی جمهوری دمکراتیک خلق را به انجام میرساند، چه چیزی جز تئوری مرده مذکور است؟

روپزیونیستهای اکثریت بدافع بی پروا بورژوازی بر میخیزند! روپزیونیستهای اکثریت با به استدلالشان را

در طرح شعار افزایش تولید، ملی و ضدا میریالیست "ادانتن رژیم قرار داده اند. آنها می نویسند: "افزایش تولید در جا معنای با حاکمیت ملی و ضدا میریالیست، بیش از آنکه به نفع امیرالیسم تمام شود، در خدمت تقویت بنیه اقتصاد قرار میگیرد، یعنی ثمرات افزایش تولید در وجه غالبش به مثابه پشتوانه مادی قدرت ضدا میریالیستی حاکم در میاید." (کار روپزیونیستی شماره ۸۲) در اینجا "اکثریت" اعتراف دارد که افزایش تولید در خدمت قدرت حاکم است، ولی پنا به ما هیت روپزیونیستی اش که وظیفه ای جز آرایش بورژوازی و واروخته جلوه دادن حقایق برای طبقه کارگر ندارد، قدرت حاکم را "ملی و ضدا میریالیست" قلمداد میکند آنهم رژیمی که ما هیت ضدا انقلابی امروزه برای بسیاری از توده ها روشن گشته و امواج نا رضایتی و مبارزه بر علیه رژیم روز بروز در سراسر کشور گسترده تر میگردد. روپزیونیستهای اکثریت اینطور وانمود میکنند که گویا طبقه کارگران و حتی پیشروان آن از جنگ نا عادلانه کنونی حمایت میکنند، آنها برای "اثبات" ادعای خود، سرا سر تشریح شان را از نقاشیها پی که "کارگر" را بازو در بازوی پادشاه نشان میدهد انباشته اند و همه مدعا حارب خاشن توده شعارا تصاد توده ها با رژیم سرمایه داری حاکم را سر میدهند. اما این خاشن به طبقه کارگر غافل از آنست که شدت مبارزه طبقاتی در جا معنای آنچنان است که خیلی زودتر از آنکه روپزیونیستها تصورشان را هم بکنند، طبقه کارگر و سایر توده ها بیست و کمیونیستها و انقلابیون راستین به ما هیت ارتجاعی رژیم و چا کران درگاهش (روپزیونیستها) پی میبرند، اما فاشه "اتحاد کارگر و پادشاه" نیز تنها در نقاشی روپزیونیستها باقی خواهد ماند! کارگران ایران آنقدر پادشاهان رژیم را در حال پادشاهی از منافع سرمایه داران مشاهده کرده اند، و آنقدر با این مزدوران رژیم درگیری داشته اند، که جز عقب مانده ترین بخش کارگران، بخش دیگری از این طبقه نسبت به پادشاهان سرمایه توهمن نداشته و در واقع طبقه کارگران ایران با مزدوران و حافظین سرمایه داری وابسته در تضاد آشتی ناپذیر قرار دارد دست و پا زدنهای مذبوحانه روپزیونیستها برای آشتی دادن این دو نیروی آشتی ناپذیر، نتیجه ای جز افشای بیش از پیش خودشان نخواهد داشت!

اگر رژیم جمهوری اسلامی توانست با راه انداختن جنگ ارتجاعی کنونی و با سواستفاده از احساسات وطن پرستی توده ها چند ضابطی سمیت مبارزه و جگر برنده طبقاتی را منحرف نماید و کارگران و زحمتکشان را به دفاع از میهن بورژوازی فراخواند، امروز شاهدیم که چگونه

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



این توهما ت دربرخورد با واقعات چون حبابی از هم میپاشد! او جگری مبارزات کارگران در کازخا نجات و طرح خواسته های منفی (افاضه دستمزد، مخالفت با کم کردن حقوقشان به بیانه جنگ و مخالفت با افاضه شدن ساعت کار، اعتراض به گزانی سرسام آور و خارج و بیکاری کارگران و...)، او جگری مبارزات آوارگان زحمتکش، این قربانیان مستقیم جنگ ارتجاعی، کسترش مبارزات دانش آموزان و سایر زحمتکشان همه و همه گواهی اثر شدن حربه خیر رژیم بر علیه توده ها، میباشند.

رویزونیستهای اکثریت با استناد به اقدامات تشکیلات زد و ضد کارگری رژیم همچون "خانه کارگر" و "اتکابها" آگاهترین بخش کارگران میخواهند "حقانیت" خود را نشان دهند در صورتیکه آنچه که آشکارا میشود، کرنش رویزیونیستها در مقابل بل رژیم سرما یهداری و سرفرورد آوردن در مقابل منافع بورژوازی است!

کاررویزونیستی مینویسد: "طبقه کارگر قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی نیز به طریق اولی با تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصادی بحران زده ما تا کتیکهای اخلالگرانه و مخرب امپریالیستی را در مرفلج کسردن اقتصاد ایران و شکست انقلاب، خنثی و بی اثر میکنند تا راه دشوار استقلال اقتصادی و... را بگشایند." (هما نجا - تاکید زما ست)

رویزونیستهای اکثریت از "اقتصاد بحران زده ما" صحبت میکنند ولی نمی گویند که چرا اقتصاد ما بحران زده است؟ آیا بحران عمیق اقتصادی ایران دنیا له همان بحران نیست که رژیم خاشاک را سرنگون ساخت و مگر این بحران از ما هیت گندیده سرما یهداری وابسته ایران ناشی نمیشود؟ امیدانیم که بحرانهای اقتصادی یا به انقلاب منجر شده و بسود توده ها حل میگردد و یا با سرکوب و اصلاحات بورژوازی موقتاً بسود سرما یهداران و امپریالیسم حل میشود.

بنا بر این در ایران مگر از طریق بجز نابودی سرما یهداری وابسته میتوان انتظار حل بحران اقتصادی را بسود توده ها داشت؟ پرواضح است که جواب منفی است اما رویزیونیستهای اکثریت با فراخواندن نیروهای انقلابی به "تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد بحران زده ما" هدفی ندارند جز آنکه بحران موجود را به نفع توده ها بلکه به سود سرما یهداران حل نمایند آنها از اینهم فراتر رفته اند راه خود را منتهی به "استقلال اقتصادی" کشور قلمداد میکنند، به زعم رویزیونیستها، استقلال اقتصادی نیاز به رهبری طبقه کارگر و جمهوری دمکراتیک خلق ندارد و تحت حاکمیت رژیم فدا انقلابی کنونی نیز میتوان به آن دست

یافت! رویزیونیستهای اکثریت که بدنبال برادر بزرگشان حزب خائن توده روانند، چنان از خدمت به بورژوازی و رژیم مستگشته اند که برای خوشایند آنها هر چه از دهان نشان در میآید بخورد توده ها میدهند، و این هیچ تعجیبی ندارد

راهکار رگرو تکرار سخنان رویزیونیستهای اکثریت:

زمانیکه رفقای راهکارگر به تکرار لفاظیات رویزیونیستها میپردازند، جای بسی شگفتی است! رویزیونیستهای اکثریت در جاتی از مقاله مذکورشان مینویسند: "کسی که در شرایط کنونی شعرا را افزایش تولید را سرما یهداران میداند، در واقع حاکمیت را حاکمیت سرما یهداران معرفی میکند "بله، ما نمی توانیم وفا دار به آلمان کارگر باشیم، مگر آنکه به ما هیت سرما یهداران رژیم پی برده باشیم و "اکثریت" نیز با این دریا فته ولی از آنجا نیکه هدف خود را نه وفا داری به آلمان طبقه کارگر بلکه خیانت به آن، قرار داده است به نفعی ما هیت سرما یهداران رژیم میپردازد، اما راهکارگر با تکرار تکرار تکرار رویزیونیستی اکثریت نه تنها نخواهد توانست به آلمان طبقه کارگر وفا دار باشد، بلکه در صورت عدم مبارزه فاعطی و جدی با انحرافات خویش به همان منجلابنی درخواهد غلطید که "اکثریت" در غلطید!

راهکارگر هیچ چاره ای ندارد و باید با بسد همچون اکثریت با "ملی و فدا میریالیست" قلمداد کردن حاکمیت، به تظهِیر بورژوازی بپردازد و دنیا با طرد تکرار رویزیونیستی اش به راه انقلاب وفا دار باشد. الگوسازی راهکارگر از شرایط پیش از انقلاب اکتبر در روسیه که طبقه کارگر در آنجا نتوانست انقلاب سوسیالیستی بود، در واقع التقاطی است که به راه نضست منتهی میگردد. بخصوص آنکه راهکارگر بسرای پوشاندن ما هیت رویزیونیستی شعرا را افزایش تولید در شرایط کنونی، به شیوه های اپورتونیستی تحریف و واقعات و نقل قولهای لنین از یکطرف و برخورد غیر ما دفا نه به کمونیستها (از جمله ما زمان ما)، جهت مخدوش کردن واقعات، از طرف دیگر میپردازد. راهکارگر مدعی است که: "بیکار در چهره چوب همه یا هیچ محبوس است و ویا" در چهره چوب تحلیل کلی و تکرار اصول استراتژیک باقی مانده و از آنجا تا کتیکهای مناسبی نتوان است! (هما نجا - تاکیدها زما ست) این مطلب که پورتونیستها و رویزیونیستها، کمونیستها و نیروهای انقلابی را آنا رشیست و بیرو "چهار چوب همه یا هیچ" مینامند، تا زگی ندارند و میبینیم که راهکارگر و رویزیونیستهای اکثریت اتفاقاً در این مورد نیز به زبان مشترکی رسیده اند! چرا که "اکثریت" هم مینویسد: "آری با ردیگر اصل طلائی آنا رشیسم هیچ چیز ویا همه چیز" در قالب شعرا را افزایش تولید مشروط نمایان میشود. (کاررویزونیستی ۸۸ - تاکید از ما ست)، البته کمونیستها در هیچ یک از اصول خود با بورژوازی سازش نخواهند کرد و بر همه

مواضع اصولی و استراتژیک خویش پای خواهند فشرد! کمونیستها "تا کتیک مناسب" را فقط آن تا کتیک می دانند که نه تنها استراتژی آنها را نقی نکند بلکه در خدمت آن باشد، اما راهکارگر در اینجا همدا با رویزیونیستها گشته و از این باب با استرا تا رفا یتی میکند!

استدلال رویزیونیستها در این باره همواره این بوده است که کمونیستهای بیگانه را به هر گونه نعت ف تا کتیک را میبندند و "از آنجا تا کتیکهای مناسب" را نتوان هستند، اما در کار رویزیونیستها از "انعتاف تا کتیک" و "تا کتیکهای مناسب" چیزی نیست جز زیر پا گذاشتن هرگونه اصل و استراتژی کمونیستی. آنها برای این منظور از هرگونه تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق ایبائی ندارند، حال راهکارگر نیز "مصمم" گشته است که از رویزیونیستهای اکثریت تقلید کند از تکرار مصرا نه شعرا های آنها گرفته تا تحریف آشکارا نقل قول لنین، همه و همه در خدمت این "تصمیم" راهکارگر قرار گرفته اند! اما طبقه کارگر قهرمان ایران که طی مبارزات چند سال اخیر تجربیات و درسهای فراوان کسب کرده است، باید میگرد که چگونه رویزیونیسم را از ما رکیسم تمیز دهد و چگونه میان شعرا های رویزیونیستی و شعرا های واقعی و طبقه ی خویش تفاوت بگذارد. حال راهکارگر خود با بسد تصمیم بگیرد که کدا مرا را انتخاب کند، ولی یک چیز را نباید از خا طردور نما بدو آنها بین است که راهکارگر با آنا رشیست شعرا های راست دست لب پر تگاه رویزیونیسم ایستاده است! **هشدار رفقا!** پایان

سخن کوتاه یک کارگر

در زمان قیام ما میگفتند که پس از پیروزی در خانه های ما را میزنیم و برای ما پول نفت و پو شاک و غیره را میدهند... ولی حالا در منزل ما را میزنند و میگویند: "بیا شید جسد فرزندتان را بگیرید، او را کشته ایم."

از انتشارات جدید سازمان

کامران و حمله

امپریالیست‌های غربی و تدارک تجاوزات و توطئه‌های جدید در منطقه

در هفته گذشته نمایندگان امپریالیست‌های غربی به کشورهای خاورمیانه مسافرت کردند. "لردکا رینگتون" وزیر امور خارجه انگلیس به مراکش و مصر رفت، "هلموت اشمیت" صدراعظم آلمان غربی که موافقت خود را برای فروش تانکهای لئوپارد ۱، اعلام داشت به منطقه آمد، "ادوارد هیت" نخست وزیر سابق انگلیس برای فروش تانک به عربستان رفت، وزیر خارجه هلند به خاورمیانه مسافرت نمود و بالاخره "کی سینجر" که از مشاوران نزدیک ریگان میباشد، به مصر، سومالی، اسرائیل و عربستان مسافرت کرد.

رفت و آمدهای اخیر نمایندگان امپریالیست‌های غربی چه اهدافی را تعقیب میکنند؟ شدیدتر رقابت میان سویال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا در منطقه، اوچگیری بحران اقتصادی در کشورهای اروپا و آمریکا و نیاز مبرم این کشورها به نفت خاورمیانه و ورشکندگی جنبشها و در نتیجه بی ثباتی فزاینده رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب، امپریالیست‌های غربی را به تکیه بر پیوستگی بیشتر گناهنده است. این امپریالیستها میگویند تا بطور مشترک قوای خود را هماهنگ ساخته و از منابع مشترک خود در خاورمیانه دفاع بکنند. وقتی که ۶۵ درصد نفت اروپا، ۷۵ درصد نفت ژاپن و ۲۵ درصد نفت آمریکا از این منطقه تامین میشود و وقتی که رشد روزافزون انقلاب توده‌ها در سراسر منطقه علیرغم سرکوبها و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی همچنان ادامه دارد و حمله نظامی روسها به افغانستان و تهدید فعالیت سیاسی نظامی شوروی در منطقه مانع همه امپریالیست‌های غربی را تهدید میکند، بیرواضح است که آنها میگویند تا جهت مقابله با اوضاع "نگران کننده" آینده اقدام نمایند. ژنرال هیگ میگوید: "اگر تا تو بخواهد موش را شکار کنید یا حتی افق فعالیتش را گسترش بخشد، اروپا کافی نیست." این گفته بطور ملموس مانع تبهکارانه همه امپریالیست‌های غربی را یادآور شده و بر ضرورت گسترش فعالیت مشترک این کشورها در سایر نقاط جهان و از جمله خاورمیانه تا کید میوزرد، در همین رابطه امپریالیست‌های غربی میگویند تا نفوذ خود را در کشورهای منطقه تحکیم بخشد و رژیم‌های مرتجع وابسته بخود را بیش از هر زمان دیگر تقویت نمایند.

در این میان امپریالیسم آمریکا و اروپا به مکاریانگی‌ها یعنی کیسینجر نقش فعالی بازی میکنند. مسافرت‌های اخیر کیسینجر به منطقه و بخصوص به کشورهای مانند فلسطین اشغالی، مصر و عربستان سعودی نشان میدهد که آمریکا در پی آنست تا بنحویس باقی‌مانده این رژیم‌ها را



تقویت کرده و آنها را بمثابه بایگای‌های مطمئن و کاملاً تعرفی در بیاورد. کیسینجر در سفر خود به اسرائیل از دولت آمریکا خواست که به عنوان اعطای ربه شوروی در مورد نفوذ بیشتر در خاورمیانه در این منطقه بایگای‌های نظامی بدست آورد. بعلاوه از دولت آینده ریگان خواست تا به موافقتنامه‌هایی که بوسیله کارتر منعقد شده مفاد بی‌فایده‌تری بیاورد تا برپا به آنها حضور چشمگیر آمریکا در منطقه ممکن شود و روشی استراتژیک که ایالات متحده را قادر به رویا رویی با بحران منطقه سازد، اتخاذ گردد.

با توجه به چنین سیاستی است که هدف سفر کیسینجر به سوئالی جهت فعال نمودن بایگای عظیم "بربره" به مریجهت فروش ۴۰ فروتنده هواپیما پیشرفته اف ۱۶ و ۲۵۰ دستگاه تانک ام ۱۶۰، به اسرائیل جهت تقویت نظامی گسترده - تر رژیم صهیونیستی و به عربستان جهت ارسال آواکس‌های جدید و فروش تسلیحات تازه مشخص میگردد.

بدنیال همین سفرها و هدفهای تجار و زگران است که یکی از مقامات آمریکا می‌گوید که در خاورمیانه دیدن میکنند در آخر هفته گذشته گفت: آمریکا باید درک کند که در این منطقه چیزهایی دارد که با بدخاطر آنها بجنگد.

امپریالیسم جنایتکار آمریکا میگوید تا از طریق مسافرت‌های کیسینجر تنها زمیننه مقابله جوئی بیشتری با سویال امپریالیسم روس فراهم سازد، بلکه همچنین توطئه‌های جدیدی را علیه خلقهای منطقه به اجرا در می‌آورد

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله ...

دمکرات نظیر مجاهدین و مواضع لیبرالی آنها از سوی دیگر است.

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی با تمام توان به تبلیغ حول شعارهای کسب آزادی فعالیت سیاسی در بازرگانی سنگر دانشگاهها بپردازید و در این میان از تمام ابزارها و سوبزه سازمان دادن تظاهرات سراسری برای تبلیغ این شعارها و تامین پیوند جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی جنبش اوچگیرنده و ربه گسترش کارگران و زحمتکشان حداکثر استفاده را بعمل آورید.

بیروزی از ما است!

استثمار کارگران در شوروی

با زنگت سرمایه داری در شوروی ستیم طبقای بورژوازی را در تمام عرصه‌ها گسترش داده است، تقسیم نا عادلانه درآمدها یکی از مواردی است که تشدیدشکاف طبقای و تعمیق تفاذ طبقه کارگر و بورژوازی حاکم در شوروی را بنمایش میگذارد. این تقسیم نا عادلانه نشان میدهد که بورژوا - رویزیونیست‌های حاکم چگونه به استثمار روحشانه توده‌های زحمتکش کارگر و دهقان پرداخته و بقیعت فقر و فلاکت توده‌ها، بهترین شرایط زندگی را برای خود تامین نموده‌اند. رویزیونیستها از طریق افزایش حقوق و مزایای کارگران رهبری کنشده، کارمندان حزبی و دولتی، ژنرالها و فسران عالیرتبه ارتشی، متخصصین و تکنوکراتها، نویسندگان و هنرمندان در یک کلام بورژوازی نوین به تامین زندگی انگل و ار خود پرداخته و هرچه بیشتر اختلافات طبقای را دامن می - زندیگی از این موارد اختلاف، میزان دستمزد - ها است در یک فاعده عمومی در بنگا همای تولیدی، مدیر کارخانه‌ها بیش از ۱۵ برابر دستمزد یک کارگر متخصص، حقوق دریافت میکنند. مثلاً مدیر کارخانه لاملاب سازی مسکو حقوقی با هانهای معادل ۱۰۰۰ روبل میگردد، در حالیکه دستمزد یک کارگر همین کارخانه حدود ۶ تا ۷ روبل میباشد. بمعنای دیگر این مدیر بوروکرات حقوقی بیش از ۱۶ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت میکند. البته غارت کارگران توسط بورژوازی فاسد حاکم بشوروی به حقوقهای کلان محدود نمی شود. رویزیونیستها قوانین مختلفی گذرانده و فرمهای متعددی انجام داده اند تا به اهداف استثمارانه خود بهتر برسند. بعنوان نمونه مدیران کارخانه خودمی توانند سطح دستمزدها را تعیین کنند. کارگران را استخدام یا اخراج کنند، ریتم تولید را بالا ببرند و با دشواری تقسیم کنند و بدین ترتیب آنها می توانند انواع توطئه‌های شایدانه را علیه کارگران انجام داده و بر استثمار آنها بیافزایند. جالب است که طبق گفته نشریات روسی ۸۵ تا ۸۵ درصد مبلغ مربوط به تشویق و انگیزه مادی به دست رهبران و مدیران میرسد بر طبق همین محاسبات مهندسین و تکنیسینها در واحدهای تولیدی در هر ماه بطور متوسط ۱۲ برابر کارگران و کارمندان و بوروکراتها ۶ تا ۷ برابر کارگران از کل با دایره خود اختصاص می - دهند. (منبع آمار: اکونومیسکا یا، شماره ۲، سال ۱۹۷۲، صفحه ۴۷، چاپ مسکو) بدین ترتیب متوجه میشویم که بورژوازی نوین، بخش مهم مبلغ مربوط به یادها را بچنگ آورده و کارگران را شدیداً مورد استثمار قرار میدهد. و بار بر اساس یک مجله روسی بنام "پرس‌های اقتصادی" در ۷۵۰ موسسه صنعتی تحقیقاتی در مورد چگونگی

بازهم یورش بازهم کشتار فرزندان انقلابی خلق

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر روز شنبه ۱۲/۱۰/۵۹
بهرام فرحناک از هواداران مجاهدین خلق
توسط چاقو داران حرفه‌ای حزب چاق (حزب
جمهوری) حین نصب اعلامیه با ضربات قهوجا قو
به شهادت میرسد.

در مراسم تشییع جنازه مجاهد شهید در روز
یکشنبه ۱۳/۱۰/۵۹ جمعیتی در حدود ۷۰۰۰ تن با
عزای آهنگین شرکت میکنند.

در این روز مدارس شهر عملاً به دلیل شرکت
دانش آموزان آگاه و مبارز در راه هیما بی به
حالت تعطیل درآمده و با نظم خاصی (عمدتاً)
هواداران مجاهدین با حمل پلاکاره و دادن شعار
- های افشاگرانه به محل شروع مراسم (خائنه
شهید- محله تختی) راه هیما بی نمودند.

راه هیما بی با گذشتن از میدان شهرداری
با حمله مسلحانه قداره بندان و با سواران، ضرب
و شتم دستگیری و... برانگیزه میشود.

در گریه و در گریه ها و خیا با نهی اطراف تا
ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت.

اگر چه مجاهدین با بیست و نه تن به صف
مقاومت به پتانسیل آن افزوده اند، لیکن به
هیچوجه شعارها و خواسته های توده ها در شعارها
متعکس نشده و تنها صحبت از جوشیدن و خروشیدن
مجاهد و مجاهدین بوده است.

هواداران سازمان ما با حمل پلاکاره های
افشاگرانه در این راه هیما بی حضور داشتند.

چه کسانی نفت را احتکار می کنند؟!

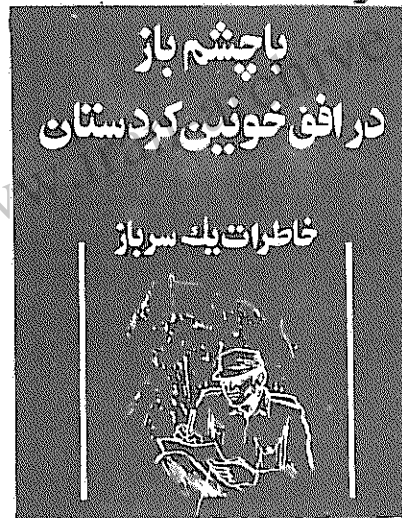
ارومیه

در اوایل آذرماه، کمیته چاقی ها در جستجوی "نفت"
ذخیره شده، خانه یک بقال را تفتیش میکنند.
پیشتر مرموز بورس از اعتراض به آنها میگوید که
"لطفاً خانه همسایه ما را هم بگردید"، کمیته چاقی ها
در جستجوی خانه همسایه دوتا نکر نفت پیدا کرده
و جریان را به ملا خراسانی رئیس کمیته ارومیه
اطلاع میدهند، وی میگوید که هرکس در این
موقعیت دوتا نکر نفت پنهان کند با پیدا آمدن
شود، پس از اینکه افراد کمیته آدرس خانه را به
ملا خراسانی مرتجع میدهند، او درمی یابد که
این مقدار نفت از خانه خودش کشف شده است و در
نتیجه با تغییر لحن مسئله را بی اهمیت تلقی
کرده و به کمک مقامات قضیه را بخوشی فیصله میدهد.
در شرایطی که آیت الله بهشتی مرتجع به
مردم زحمتکش توصیه میکند که برای گرم کردن
خود، همه خانواده در یک اتاق جمع شوند و در
اغلب مناطق حتی سهمیه هفتگی ۲۰ لیتری نفت
هم نمیرسد، کارگران و سردمداران رژیم
جمهوری اسلامی هزاران لیتر نفت (نفتی که میبایست
بین مردم تقسیم شود) برای خود ذخیره میسازند.

کشور ارتجاعی که در آن بورژوازی حاکم بود و
وظیفه کارگران را شیدا تحت ستم و استعمار قرار
داده است، اگر شوروی در زمان لنین و استالین
میهن کارگران بود و دولت از آن طبقه کارگر بود
اما شوروی در زمان خروشچف و برژنف میهن
بورژوازی فاسد و زلوفت است. بورژوازی
که شوروی را به یک قدرت امپریالیستی تبدیل
کرده اند، این واقعات امروزه تنها بوجوی
تسلیمات سوسیال امپریالیسم را افشا میکند،
بلکه همچنین مشت محکمی است بر دهان رویزیو
- نیستهای خائن حزب بوده و فدا ثبات اکثریت
آنها میگویند در شوروی استعمار نیست و دولت از
آن طبقه کارگر است، ولی خواست آنها حساب
دهنده و وقتی یک بورژوازی انکل مدبر ابریک
کارگر در آمد، اسم آن را چه میتوان گذاشت؟
آری برخلاف تسلیمات رویزیونیستهای خائنین
امروز طبقه کارگر شوروی شیدا تحت ستم و
استعمار قرار داشته و تنها راه رها نشی آن
انقلاب علیه طبقه کارگر شوروی است.
(ارتقا مفرق از نشریات آلمانی و از مجله
"آلمانی امروز" شماره ۳ (۲۸)، ۱۹۷۶)

توزیع عایدات کارخانه به عمل میآید. طبق این
تحقیقات، کارگران که ۸۰ تا ۹۰ درصد
کارکنان این موسسات را تشکیل میدهند، فقط
۱۸ درصد عایدی کارخانه را دریافت می -
دارند. حال آنکه مدیران و متخصصین ۸۲ درصد
عایدی کارخانه را به جیب میزنند و حتی در برخی
موسسات سهم کارگران به ۸ و یا ۳ درصد می -
رسد. بنا بر این باید حساب مختصر میسوان
فهمید که یک بورژوا - رویزیونیست فاسد، با
حقوق های کلان، با مزایای فراوان، با دزدیدن
پاداشها، با افزایش ریتم تولید، با کم کردن
دستمزد کارگران و با دهمها دزدی و سوداگری
دیگر، عملاً ماهانه ۱۰۰ برابر دستمزد نا چیزیک
کارگر زحمتکش را به غارت میبرد. یعنی یک
بورژوازی انکل مجموعاً در آیدی معادل ۱۰۰
برابر کارگر زحمتکش چپا ول میکند، بر او صح
است که بهترین شرایط زندگی و رفاه را به قیمت
استثمار و سرکوب توده های برای خود بسازد.
آری واقعتاً امروز شوروی اینست: یک

منتشر شد:



اینک هریک میکوشد، خود را فاتح ایمن
نبردها اعلام کند و در نتیجه از این نمد، کلاه
قدرت بسازد. مسئله مهم برای توده های ما در
اینجا این است که ما هیت جنا پتکارا نه هیات -
حاکم را در استفا ده از این جنگ ارتجاعی
دریابند، مسائل فوق نشان میدهد که جنا چپای
رقیب، از جنگ نه تنها برای مهار کردن و سرکوب
انقلاب استفا ده میکنند، بلکه جنگ نیز با زیجه -
ای است که میتوان در خدمت دعوی قدرت
جنا چپا در آید، کی با ید حمله کرد؟ زمانی که
بیشتر بود جناح ما باشد، کی با ید عقب نشست؟
زمانی که به موقعیت این جناح در حکومت لطمه
نزد و قس علیهذا... بدین ترتیب پیش از
پیش آنگار میخورد که "میهن" حزبیها و لیبرالها
چیزی جز قدرت حکومتی برای استعمار و غارت
و سرکوب زحمتکشان نیست

بقیه از صفحه ۳۲ جنگ...
لیبرالها این منظور را دنبال میکردند، که
ادا مه جنگ بصورت پیشین و عدم تمایز عساق
بر مشکلات دولت رجائی افزوده و در نتیجه
حزبیها را در موقعیت ضعیفتری قرار میدهد.
سخنان بهشتی در نماز جمعه پیش از آن و
تلگراف آیت الله منتظری به ما مجمعه هواز و
ذکر این مسئله که "زجر بیانات موجود در جبهه
بسادگی نمیتوان گذشت." (همانجا ایدی) بخوشی
نشان میدهد که جناح حزب از این نقشه لیبرالها
آگاهی داشته و در واقع با تلگراف منتظری
کوشیده است، آن نقشه را خنثی ساخته، به خود
تبدیل نماید، تلگراف منتظری که قاعدتاً می -
بایست به فرمانده کل قوا فرستاده شود به امام
جمعه هواز ارسال شد و از این روزنگ خطر برای
بنی مدمر بیدار آورد، چرا که در واقع منتظری
امید "اما مواست" حزبیها، تقریباً از جانب
ولایت فقیه سخن میگفت و این تلگراف، یعنی
بپیچ گرفتن مقام فرماندهی کل قوای بنی مدمر
میتوانست مقدمه ای برای گرفتن این مقام از
بنی صدر باشد، در واقع حزبیها با این تلگراف
به بنی صدر گفتند که نخواهند گذاشت با استفا ده
از فرصت مناسب از این حمله بنی مدمر خود
در جنگ قدرت استفا ده کنند، بهرحال هر اس با غایر
از دست دادن مقام فرماندهی کل قوا، موجب
شد که لیبرالها، از تنها جدمر موقعیتی مناسبتر
چشم پوشیده و به استفا ده تبلیغاتی در شرایط
کنونی بسنده کنند و در یک کلام مجبور به پذیرش
نظر حزبیها به تنها جدمر شرایط کنونی گردند
اما اینک همین حمله نیز (جدا از بزرگ کردن آن
توسط همه جناحها برای فریب توده ها و متوهم
کردن آنها) خود به رقابتی دوجناح بسرای
قدرت، دامنه زده است.

بقیه از صفحه ۲۲ بن بست ...

دیگر در ادا مه جنگ قدرت با زهم موردتها جسم لیبرالها قرار گرفته اند. به ضعف خود اعتراف میکنند. لیبرالها با شدت بیشتر، حزبها را به اتخاذ شیوه های غلط دسوکوب که حتی منجر به رشد انقلاب میشود، بی لیاقتی در حل بحران و ناتوانی در بازسازی سرمایه داری وابسته متهم میکنند، نمونه اخیر، اعلامیه جا معسه اصناف و بازاریان بود که از رجا میخواست بیعت بی لیاقتی کناره رود طبق میبیل جبهه ملی و دیگر لیبرالها را بگوید: "متخصصین" لیبرال بسیار را ما طبیعی است که اعتراف این حضرات به ضعف، نه از زاویه و اعتراف به حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و فدیت با انقلاب بلکه از زاویه فریب توده ها و گوش دادن در جهت پوشاندن علل اصلی بحران کنونی جا معه است.

خامنه ای در نماز جمعه اش به مشکلات اعتراف میکند و آنرا ناشی از شکلات طبیعی هرا انقلابی عنوان میکند و میگوید: "مشکلات انقلاب یک مقدار مربوط به تغییر وضع است... یک مقدار مربوط به گریه رقمانیها است که نمیدانند انقلاب از داخل و خارج برایش درست میکنند (جمهوری اسلامی) (دی ۱۳)

بهشتی نیز به این مشکلات اعتراف میکند، منتها میخواست هدای دولت را از حساب این مشکلات بیرون بکشد. (همانجا) رجا بی مشکلات را ناشی از جنگ و نیرسانل مربوط به برنا مریزی دولت میداند. (همانجا، ۱۶ دی) آیت الله خمینی نیز ضمن اعتراف به مشکلات دست به دعا بر میدارد و میگوید: "امیدوارم همه کارها اصلاح بشود و با موفقیت پیش برود و این گرفتاریها انشاء الله بکلی رفع بشود". (همانجا، ۱۷ دی)

آری گرچه جنبش توده ها، همانطور که رژیم شاه را وادار به اعتراف به ضعف میکرد، در هفته گذشته پیش از پیش رهبران حزبی حکومت را به اعتراف واداشت، اما آنها گوشیدند با اعتراف به ضعفها نشان علیل اصلی مشکلات را بیوشانند. این مشکلات نه ناشی از مشکلات طبیعی هرا انقلاب و... بلکه اساسا ناشی از ماهیت طبقاتی حکومت، ضدیت آن با کارگران، زحمتکشان و امولا ضدیت با انقلاب دمکراتیک و فدا میریای لیستی خلقهای ایران برای ریشه کن کردن امپریالیسم و ارتجاع بوده است. "مشکلات" درجا معه ما وجود داشته و خواهد داشت چرا که رژیم جمهوری اسلامی بمنها به تنگنای سرمایه داری وابسته رودر روی انقلاب و خلقها ایستاده است. از دیدگاه انقلابی این "مشکلات" با حرکت در جهت نابودی امپریالیسم و کلیه طبقات تاراجی و توسط انقلاب زحمتکشان از زمین میروند. سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و رژیمهای آن وجود دارد، این "مشکلات" نیز وجود دارد، این همان مسئله اساسی است که رهبران حزبی

(و نیز لیبرالها) با هزار ترس و لرز میخواستند آنرا بیوشانند، پس راه حل انقلاب مشخص است ببینیم فدا انقلاب چه راه حلی پیشنهاد میکند. **ثانیا - اما راه حلها؟!**

راه حل مورد نظر حضرات طبیعی است، راه حلی برای جلوگیری از انقلاب و حفظ سیستم است. خامنه ای یک راه حل را جلوگیری از مبارزات انقلابی توده ها عنوان میکند و میگوید: "هرگونه اعتصاب و تحنن امروز خیانت به اسلام است،" و توده ها را به "صبر" و تسلیم به حاکمیت سرمایه داران دعوت میکند. (همانجا، ۱۳ دی) راه حل بهشتی در حقیقت مکمل راه حل خامنه ای است، او از توده ها میخواست هدکها دولت، "همکاری، همکاری و همکاری کنند"، "و تردید در آفتاب انقلاب مینا بد" و عدم تردید در حمایت از دولت را راه حل عنوان میکند. (همانجا) خامنه ای میگوید، زحمتکشان بر علیه سرمایه داری وابسته مبارزه نکنند و بهشتی میافزاید، از دولت حامی سرمایه داری وابسته حمایت کنند. جراه حلها ی جالبی! اما سرکنیدر همنموده های دیگر حضرات نیز به همین انداز راه حل بوجه است. رجا بی راه حل را در ۱۱ - ماهیها "فدا انقلاب" (بخوان نیرو - های انقلابی) که بقول جناب رجا بی "آرامش" جمهوری اسلامی را بهم میریزد و عدم توجه توده ها به افشاگریهای آنها، ۲ - حمایت توده ها از دولت و بخصوص همکاری کارگران و کارمندان با رژیم، ۳ - کمک لیبرالها و متخصصین در برنامهریزی، میداند. او از لیبرالها انتظار میکند که چرا برنامها خود را ارائه میدهند و میگویند باید میکنند که اگر برنامها لیبرالها، دولت را از زمین بیست کنونی نجات بخشد. آنرا بگوید: "جسرا در آورد، آری او از برنامها لیبرالها استقبال میکند، منتها اگر لیبرالها سرکردگی حزب را بپذیرند و به انقیاد درآیند، او برای تخفیف بحران حتی نقل قول "برادر رئیس جمهور" را در مورد جنگ، که "اگر جنگی از روی مقیسه باشد، شکست نمیخورد." را میافزاید و آنرا کلام خدا، اسلام، قرآن و رهبری نامند. (همانجا، ۱۶ دی)، آیت الله خمینی نیز در ملاقات با دولت ضمن حمایت بیدریخ از دولت راه حلها ی خود را ارائه داد. او فکر میکرد حمایت او از دولت خود نیز میتواند نیک راه حل جا دوشی برای حقانیت بخشد. به این دولت در نزد توده ها باشد. گرچه با بدگفت، در نسبت آنرا نیکه به آیت الله خمینی بگویم "آن سبب است و آن بیمانه ریخت!" بهر صورت آیت الله خمینی دور را حل ارائه میدهد، یکی تبلیغات بیشتر، برای جلب حمایت توده ها از دولت از طریق را دیو و تلویزیون و دیگری حل اختلاف با لیبرالها، چرا که:

"کرمانی امروز ما همین اختلافاتی است که مانده است، شما هر چه را بکنید اگر اختلافات را گوش نکنید که رفع بشود، کارهای شما را آن کسانی که بخوانند نیکه عیبی بگیرند، به آن عیب میگیرند، نکی نسبت آنها بی که افتاده اند دور با زاو کوجه این طرف و آن طرف شما شنی

میکند" (همانجا، ۱۷ دی) در واقع آیت الله خمینی پیشنهاد داد که رهبه لیبرالها برای بستن دهانشان را میدهد، بهر حال اگر جمع بندی کنیم، رهبران حزبی در هفته گذشته ۳ راه حل برای بیرون آمدن از بن بست کنونی ارائه دادند. ۱ - جلوگیری از رشد انقلاب و مبارزات توده ها و سرکوب انقلابیون ۲ - تبلیغات وسیع در میان توده ها و بطور کلی گوش دادن در جلب حمایت توده ها و جلوگیری از رکنده شدن بیشتر مردم از رژیم توسط تبلیغات ۳ - گوش دادن برای رفع اختلافات با لیبرالها (چرا که بهر صورت در مقابل انقلاب دارای منافع مشترک و وحدت نظر هستند).

اما این راه حلها بس حقیرند، طوفانی که در راه است، نسیمی که هم اکنون میوزد و بوی خوشی اعتلا را در سراسر زمین می پراکند با این دست و پا زدنها، قابل ملاحظه است. بهر مورد فدا انقلاب برای ایجاد مانع در راه انقلاب، سبب - بندی بیوشالی است که نخواهد توانست در جلوی امواج توده ها مقاومت کند، این از راه حل اول، اما راه حل دوم نیز نتوانسته است. اگر کینه شدن روز افزون توده ها از رژیم جلوگیری کند، درست است که با اسفاده از توهم ناآگاهی توده ها و احساسات مذهبی... با تبلیغات فراوان خود توانسته اند روند فروریختن توهم توده ها را کندتر کنند، اما واقعا ت سرخندند و بخصوص با افشاگریها و قدرت با بی بدینست نیروهای کمونیست و انقلابی همچنانکه، این هزینه کنونی بر بخش وسیعی از توده ها، تر خود را از دست داده است. در آینده ای نه چندان دور در میان زحمتکشان بی اثر خواهد گردید. و اما راه حل سوم نیز، سترون بودن خویش را تا کنون بهر دو جناح رقیب هیات خاکمه نیز نشان داده است. و بنظر میرسد مطرح شدن آن از طرف آیت الله خمینی و رجا بی بیشتر بیانگر موضع ضعف فعلی و یک ناکنیک لحظه ای و بسیار موقتی باشد. کمیکهای دیرینه لیبرالها و حزب بر سر کسب سرکردگی در حاکمیت، با سخاوت متقابل نشان به مسائل اساسی با رجا بی سیستم و سرکوب انقلاب (علیرغم وحدت نشان در حفظ سیستم) آنهم در این شرایط اعتلا انقلابی و ترک برداشتن حاکمیت بر آن جنبش توده ای و... آنچنان با اهمیت هستند که به یقین اختلافات نه تنها فروکش نگردد، بلکه دامنه وسیعتری نیز بخود خواهد گرفت.

و اما راه حل انقلاب جبری نیست مگر دمیدن بر آتش جبین خلق، مگر در زمان ندهی و هدایت جنبش توده ای، اگر نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست موفق به ارائه اثرنا توشرو مندی در نزد توده ها کردند، راه حلها ی فدا انقلاب، چون دیوار گلین در مواجده سبیل فرو میریزد، جنبشی توده ای روبرو ریزد و مندرود منضم میگردد، با آنکه دادن هر چه بیشتر و تاراجارمان - دهی و هدایت هر چه کارآین جنبش، این را دیگر زبده ها عقب سما نیم!

ولخرجی ۷۰۰ هزار تومانی در هتل هیلتون!

ملاحظات کوتاه

افشای فسطی و "مصلحتی" را با هر توجیهی - "تاکتیکی" و "مقطعی" هم که باشد، خواهند پذیرفت؟ و آیا صراحت در افشای چهره دشمنان خلق، حد - اقل انتظاری نیست که توده‌های زحمتکش از سازمانهای انقلابی دارند؟

حجاب اسلامی یا آخرین مداروپایی!

رژیم جمهوری اسلامی که در بوق و کرنا دم‌آوردگی ظاهری و "حجاب اسلامی" میزند، در آنجایی که پای سودهای کلان میلیونی "نجا و محترم" در میان باشد همه را بدست فراموشی میسازد. بد نیست بدانید که شرکت واردکننده مجله فرانسوی مد "بوردا" که تیراژ بالای ۸۰ هزار را در ایران دارد و بسته به بنیاد مستضعفین است و همچنان بوظایف شاهنشاهی خود ادامه میدهد. این مجله که آخرین مدلهای لباس در اروپا را برای زنان سرمایه‌داران به نمایش میگذارد، سالانه میلیونها تومان از دسترنج زحمتکشان ما را به جیب گشاده سرمایه‌داران روانه میسازد. و از آنجا که ایران یکی از دوشواری است که فروش این مجله در آن ارتیرا بسیار بالا بود کلان برخورد را است، سرمایه‌داران فرانسوی زحمت ترجمه فارسی آنرا هم خود تقبل کرده اند و تنها زحمت وارد کردن آن را به بنیاد مستضعفین بسپارده‌اند.

زنان اقشار مرفه و بی‌بیزه خانواده‌های نجا روبا زاریان "محترم" و "روحانیون بزرگ" از لباسهای مدرن و جوانمردانه آلات بنحوی حریصانه استفاده میکنند. البته چادرهای بسیار گران - قیمت خارجی آنها را از چشم "ناحرمان" که همان طبقات زحمتکش هستند، پنهان میدارد.



تاریخ: ۲۹ شهریور ۵۹
شماره: ۸۶۱
محل انتشار: تهران

توزیر: ...
مدیر: ...
معاون: ...

تذکره: ...
چاپ: ...
تعمیر: ...

یک قلم دیگر از این مخارج گزارف درستی دیگر، مورخه ۷ و ۸ دی ماه ۵۹، آمده است (متأسفانه بیعت کمبودجا چاپ نشد) که برای ۹۰۰ نفر که از خوزستان و دزفول برای دیدار ما آمده بودند با بت اقامت یک شب در هتل هیلتون (استقلال) و صرف صبحانه و ناهارها رو شام ۲۵۲ هزار تومان خرج شده است!

آری، رژیم کجای که مافی منافع سرمایه‌داران است، تنها با نیرنگ و فریب و تبلیغات دروغین و ولخرجیایی که همان ماهیت خرجهای دوره شاهنشاهی را دارد، می‌تواند به زندگی ننگین اش ادامه دهد. اما بدون تردید، آگاهی توده‌ها ربهخته شدن توهمات آنان نسبت به رژیم و مبارزه مستمر در راه انقلاب‌ها می‌بخشد کارگران زحمتکشان، بساط رژیمهای فئودالی را برهم خواهد ریخت. آری توده‌های خلق حکومت مستمّر جمهوری اسلامی را بنا خواهد کرد.



در حالیکه رژیم فریاد میزند "ملت! صرفه - جویی کنید، در مصرف آب، برق، بنزین، بنفت، خوراک، پوشاک، چای، قند، شکر و قلم و کاغذ صرفه - جویی کنید..." و تا وان این به اصطلاح صرفه - جوئیها را اساسا کارگران و زحمتکشان و کودکان آنان میبردازند،

در حالیکه نماینده خرمشهر در مجلس شورا اعتراف میکند که به هزاران آواره دستفروخته جنگ آنقدر غذا و وسایل ندادند که آنها را پیش از زده روز گرسنه نگه داشتند که برخی از آنان به گدائی کشیده شده‌اند!

در حالیکه بارها انداختن تبلیغات وسیع و دست زدن بر روی حساسترین عواطف توده‌ها، زحمتکشان شهر و روستا را مجبور می‌کنند - نیمه‌ای از نان خالی خود را به جیبه بفرستند، - در حالیکه کارگران و زحمتکش و بیگانه شده بنا در جنوب برای شکایت به تهران می‌آیند و شب‌هایی برای خوابیدن نمی‌یابند،

آری در چنین وضعی هزاران تن از مردم نا آگاه شهرستانها را برای دیدار ما میسازد شرکت در تظاهرات فرمایشی بنفع رژیم - تهران می‌آورند و در هتلهایی نظیر هتل هیلتون از آنها پذیرائی میکنند. یک قلم از این ولخرجیهای "آریا مهری" و "۲۵۰۰ ساله‌ای" پذیرائی ۱۸۰۰ نفر است که برخلاف ادعای رژیم همگی از خانواده شهدا نبوده بلکه آنها را از اطراف اصقهان جمع کرده بودند. خرج هر نفر در هتل برای یک شب ۲۵۰ تومان بوده است! خرج این افراد که برای دیدار ما آمده بودند در یک شب ۴۵۰ هزار تومان شده است که بنیاد شهید بطور پیش پرداخت، صد هزار تومان آنرا پرداخت کرده است، ضمناً قرار بوده این افراد در تظاهرات ۲۸ آذر "بنفع روحانیت و حمایت از ولایت فقیه" شرکت کنند که بر نامه آن لغوشده! سند مربوط به اقامت این عده بتاریخ ۵۹/۹/۲۵ میباشد.

همدردی می‌کنیم، امیدواریم که خداوند - جنایت این دور رژیم را از سر ما قطع کند ما تمام آزادیخواهان و نیروهای مترقی ایران نقضاً داریم که به خلق کرد و جنبش مقاومت یاری و مساعدت برسانند و در سطح ایران جنبه‌های را که دولت جمهوری اسلامی به مردم کرد روا می‌دارد افسوس بکنند، چون ما بواسطه کمبود امکانات و ارتباطات که خیلی ضعیف است نمی‌توانیم آنجا را که در کردستان میگذرد به آگاهی مردم ایران برسانیم تقاضا داریم که آنها بسا تمام نیروهای این وظیفه‌انسانی و ملی خود عمل نمایند.

(تلخیص از "بیکار کردستان شماره ۴")

تشریح و ابلا مبرسیم ما میدانیم که آنها الان در چه وضعیتی به سر میبرند چه در حالیکه آنها مورد تجاوز رژیم بیعت هستند، ما خودمان در زیر فشار و بورش درندانه رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم.

هم‌میهنان جنگ زده بی‌بیزه مردم خوزستان با دیدن آنند که همچنان رژیم بیعت عراق مساجد مدارس و بیمارستانها را بمباران میکند و به مردم بی‌دفاع حمله می‌آورد و همچنان که مردم در آنجا زیر فشار هستند رژیم جمهوری اسلامی در کردستان مساجد، مدارس و بیمارستانهای سنجق سقزیا نه و می‌باید با دربارها بمباران کرده است و به روستاها حمله میبرد و به مردم بی‌دفاع زنها و بچه‌ها و حتی به روحانیون رحم نمی‌کند و آنها را قتل عام مینماید ما مسلمانیان آنها اظهار

بقیه از صفحه ۶ صاحبچه...

شایسته است نمی‌رسد ولی واقعا حتی در این زمان که جنگ با عراق ادامه دارد، یک آن یورش و حمله هیئت حاکمه به شهرها و روستاهای کردستان قطع نشده و مردم کرد در زیر بار بمباران هستند و در محاصره اقتصادی قرار گرفته‌اند و ساداران و ارتش ضد خلقی از هیچ جنایتی خودداری نمی‌کنند آموزش و پرورش در کردستان منحل است و حقوق بیشتر کارمندان و معلمان قطع شده است وضع مردم از حیث اقتصادی در غایت نا احوالی است با بد مردم ایران این را باید اندک خلق کرد در زیر فشار شدید هیئت حاکمه قرار گرفته است ما متاسفیم بواسطه هجوم وحشیانه هیئت حاکمه بواسطه محاصره اقتصادی نمی‌توانیم یکم برادران و خواهران خوزستانی، کرمانشاه

"جنگ" تحت الشعاع "جنگ قدرت"

بوقهای تبلیغاتی رژیم، کارزار رنبرو - مندی بر سر بیروزیهای بزرگ بر ارتش عراق - بر راه نداشتند و میکوشند، تبلیغات گسترده - شان بر بحران گسترده کنونی جامعه گسترده کشیده و با جذب توده های متوهم، از منفرد تر شدن رژیم جلوگیری کنند.

از سوی دیگر لیبرالها و حزب هریک می - کوشند بیشترین استفاده تبلیغاتی را از هجوم اخیر ببرند، اینکها با این هجوم تا چه اندازه ای است، اکنون مورد بحث ما نمیشود بلکه می - خواهم نشان دهم، چگونه عقب نشینی ویا حمله شکست ها و پیروزیها در جنگ بر مبنای اینکسه کدایک بیشتر بود کدایک جناح آنجا مگیرد، مطالبه میشود، اکنون مسئله اصلی در حاکمیت، جنگ قدرت جناحهای رقیب است و بدین ترتیب همه مسائل بسیار مهم و اساسی دیگر از جمله جنگ در ارتباط با تائیری که در شناسایی قوا در درون هیات حاکمه ابجا دمیکنند، دیده میشود، آری کشتار توده های ایران و عراق، آوارگی زحمتکشان جنگزده و فلاکت و تیره روزی زحمتکشان ایران نیز میداندنگاهای برای زورورزی جناحهای رقیب برای کسب قدرت بیشتر است. همین حمله اخیر را در هفته گذشته در نظر بگیریم، طبیعی است احقاق آنخواهد بود. اگر همچنانکه حزب جمهوری برای استفاده تبلیغاتی بود خود، آنرا تائیری از بیایم آیت الله منتظری میداندند - تدارک آنرا دوسه روز و آنتیمپس از تلگرام منتظری به امام جمعه احوایبدا شیم، چرا که یک حمله نظامی به یک تدارک گسترده ویرنا مریزی شده از مدتی پیش نیاز مند است منتها سؤال اصلی کسهدر

یادداشت‌های سیاسی هفتگانه

اینجا مطرح میشود این است که چرا این حمله اکنون و پس از این تلگرام آغاز شد؟ آیا نمی - توان گفت که لیبرالها (و ایضاً ارتش) زبیش تدارک این حمله را دیده، منتها منتظر بهترین فرصت برای استفاده تبلیغاتی بیشتر در جهت بهبود وضعیت خود در ترکیب هیات حاکمه بودند؟ و آیا جناح حزب متوجه این نیرنگ نشده بودند؟ در واقع میتوان گفت بغلت سرکردگی حزبیهسا در حاکمیت، لیبرالها تنها چمرای میخواستند موکول به زمانی بکنند که بیشترین تاثیر را در بهبود وضعیتشان در حاکمیت داشته باشند و از سوی دیگر با اتخاذ موضع "پوزسیون"، در مقابل حزبیهسا میکوشیدند، دلیل شکست و نیز عدم آنها جم به عراقیها را نسیاستهای حزبیهسا قلعدا دکنند. بنی صدر مشخصاً در ملاقاتش با آیت الله خمینی (مندرج در کارنامه رئیس جمهور روز ۲۸ آذر که در انقلاب اسلامی، ۱۶ دی چاپ شده است) علت عدم حمله را اقدامات حزبیهسا عنوان میکند: "ما م گفتند: مدتی است در باره حمله صحبت میشود، اما حمله نمیشود، چرا؟ در جواب مسئله عوامل مادی تجهیزات و غیره که با بدآمده بشوند تا این حمله صورت بگیرد با اطلاع ایسان رسید، اما من گفتم، کمان من این است که عوامل غیر مادی موثرترند جنگ روحیه میخواهد، فرماندهی باید جرات کند طرح نظامی خود را با علم به اینکه ممکن است به پیروزی یا عدم موفقیت بیانجامد، به اجرا بگذارد، چه کسی میتواند در این جوسیاسی - تبلیغاتی که ظرف ده روز گذشته ایران داشت به خود جرات جنگ بدهد؟" علاوه بر اینها ختن تصمیم شکست بگردن حزبیهسا

بقیه از صفحه ۲۸

بن بست دولت رجائی و راه‌حلهای "حزبیها"

سخنان آیت الله خمینی، بهبهشتی، خامنه‌ای و رجائی، در هفته گذشته، بهیانه نگره وضع ضعف و عدم توانائی آنان در مقابله با بحران کنونی جامعه است. بحران سرمایه داری وابسته ایران، علیرغم سرنگونی رژیم شاهنشاهی، ادامه یافت، چرا که حاکمان جدید قدرت نیز به حفظ و حراست ویا ز - سازی همان سیستم بحران زده پرداختند و بدین - ترتیب بتدریج توده ها، برای حل مسئله اساسی انقلاب به مقابله با نگهبانان جدید این سیستم کشیده شده و با زهمقا طعنه و دروا بعضی دی وسیعتر کشیده خواهد شد، بدین لحاظ سخنان هفتگانه در رهبران جناح حزبی حکومت که مدتی است سرکردگی حاکمیت را نیز در دست دارند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. آنان جملگی از یک موضع تدافعی وضع به بن بست کنونی دولت اعتراف کرده و به راه‌حلهائی برای رفع بحران پرداختند، که تا توانی و عدم قدرت مقابله با بحران از هم اکنون از سروروی این - راه‌حلهای میباید، در حقیقت سخنان هفتگانه رهبران جناح حزبی حکومت بیان تکریم - روی بیشتر جنبش انقلابی و عمیقتر شدن بحران جامعه از یکسو و توانا نتر گردیدن حاکمیت در مقابل به با این بحران و به موضع تدافعی رانده شدن دولت از سوی دیگر بود.

اولاً - اعتراض به ضعف و بن بست واقعیت آنقدر آشکار است که نمیتوان، آن را پویند، "حزبیها" که از یکسو، جمهوری اسلامی را در خطر جنبش توده های می بینند و از سوی

بقیه در صفحه ۲۹

در سومین سالگرد قیام قم

خاطره دلآوری‌های مردم مبارز قم را گواهی میداریم

شاه قرار داشتند قدم در میدان مبارزه نهادند. قیام خونین مردم قم و بزرگداشت شهادت شهیدان آن حرکت‌های مبارزاتی مردم قهرمان شهرهای مختلف ایران را پدید آورد، در چهل و یکم قیام قم بود که مردم دلاور تبریز حماسه‌ای از مبارزه و دلاوری

۱۹ دیماه ۱۳۵۶ مردم مبارز قم قیام در برابر ظلم و ستم و استعمار و دیکتاتوری و بیاد دگرپهای رژیم مزدور شاه قدرت توده های مبارزانما بش گذارند، رژیم شاه که با انکاء به ارگانهای سر - کوب خروتا به دندان مسلح خود میکوشید از بهم خوردن آنرا مشا ارتجاعی "نظم" حاکم جلوگیری نماید، چکمه پوشان مسلحش را به مصاف توده های مبارز فرستاد و دهها کشته و زخمی بجای ماند. قیام مردم قم در ادامه جنبش توده های زحمتکش خارج محدوده "و بدنبال تشدید بحران موجود در جامعه علاوه بر زحمتکشان، اقشار متوسط جامعه و... که در زیر فشارهای سیاسی - اقتصادی رژیم

بوجود آوردند، مبارزاتی که تا قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ همچنان سیر صعودی خود را طی میکرد، اما این مبارزات بخاطر عدم نبودن رهبری انقلابی زحمتکشان و فقدان گردان رهبری کننده آنان نتوانست بیروزی مردم را در قدرت انقلابی آنان تحمیل بخشد و چنان شد که همه آگاهیم.

در سومین سالگرد قیام خونین مردم قم، یاد دلاوریها و قهرمانیهای توده های مبارز را گواهی دادیم و این بزرگداشت را با تشدید و گسترش مبارزه برای رها نشی زحمتکشان تصمیم خواهیم بخشید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست